۴

آیین برنامه سازی دربارهٔ «اصلاح الگوی مصرف»

جمعی از پژوهشگران



بسم الله الرحمن الرحیم

آیین برنامه سازی درباره «اصلاح الگوی مصرف»

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

آیین برنامه سازی درباره «اصلاح الگوی مصرف»

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : آیین برنامه سازی درباره «اصـلاح الگوی مصرف» به مناسبت اصلاح الگوی مصرف(۱۳۸۸ خورشیدی) / جمعی از پژوهشگران.

مشخصات نشر : تهران: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۱۵۵ص.: جدول.

فروست : مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۱۵۵۹.

مجموعه پژوهش های برنامه ای؛ ۴.

شابک : ۱۸۰۰۰۰ ریال ۹۷۸۹۶۴۵۱۴۱۱۶۳ :

یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۳۰] - ۱۳۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : مصرف -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع : اسراف -- جنبه های مذهبی -- اسلام

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : BP۲۵۰/۳۵/آ۹ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۶۳

شماره کتابشناسی ملی : ۲۰۴۸۵۹۶

ص:۱

اشاره

به مناسبت سال اصلاح الگوی مصرف (۱۳۸۸خورشیدی)

ویرایش ۲۱/۶/۸۸

جمعی از پژوهشگران

ویراستار: محمدصادق دهقان

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما / کد: ۱۵۵۹

آیین برنامه سازی درباره «اصلاح الگوی مصرف»

کد: ۱۵۵۹

نویسندگان: جمعی از پژوهشگران

ویراستار: محمدصادق دهقان

تهیه کننده و ناشر: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

چاپ: زلال کوثر

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۸

شمارگان: ۱۲۰۰ بها: ۱۸۰۰۰ ریال

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

تلفن: ۲۹۱۹۶۷۰ _ ۰۲۵۱ دورنگار: ۲۹۱۵۵۱۰

تهران: خیابان جام جم، ساختمان شهید رهبر، طبقه زیرزمین

تلفن: ۲۲۰۱۴۷۳۸ نمابر: ۲۲۱۶۴۹۹۷

info@irc.ir www.irc.ir

شابک: ۶-۱۱۵-۵۱۴-۹۶۴- ۹۷۸ / ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۴-۱۱۵-۶ :ISBN

فهرست مطالب

ص:۶

فصل اول: کلیات

۱. طرح موضوع

مصـرف گرایی، بخش قابل توجهی از زندگی مادی بشـر را در بر گرفته و انسان همیشه در حال مصرف کردن مواهب الهی و مادی است که خـدای بزرگ به او عطا کرده است. هیـچ دوره ای از زندگی بشـر یافت نخواهد شد که مصـرف گرایی در آن وجود نداشـته باشد، بلکه خصلت مصرف گرایی همیشه در نهاد آدمی بوده است و هست و خواهد بود. این خصلت در بعضی زمـان هـا دست خوش تغییر می شود، به گونه ای که گـاهی انسـان ها برای دست یافتن به ضـروری ترین وسایل لازم (مادی و معنوی) دچار سـختی های فراوانی شـده انـد و در برخی دوره ها نیز آن قـدر در نعمت ها و مادیات فرو رفته اند که به انحطاط کشیده شده اند.

انسـان چون می خواهـد نیازهـای خود را برآورده سازد، در پی مصـرف-گرایی می رود و حتی حاضـر است برای این کار، به حقوق دیگران نیز دست اندازی کند. افلاطون، «عامل جنگ ها را نیاز اقتصادی ملت ها می داند

و می گویـد جنـگ ناشـی از زوال اقتصـاد سـاده و سـالم جوامع ابتـدایی و ناگزیری آنها از توسل به زور در برآوردن نیازهای خویش است». (۱)

نیاز آدمی با مصـرف او رابطه مسـتقیم دارد؛ زیرا همه مصـرف های بشـری به ویژه در جنبه مادیات، وابسته به نیاز اوست و اگر بشـر، نیازمند نباشد، مصـرف گرا هم نخواهد بود. مصـرف گرایی بشر، اصل مسلّمی است که در همه دوره های تاریخی دیده شـده است. در برخی موارد، انسان برای رسـیدن به مصـرف بیشتر، به جنایت های هولناکی در تاریـخ دست زده است. دولت- های بسـیاری نیز برای رسـیدن به منافع مادی به وجود آمـده انـد و مکتب های فراوانی در تاریـخ پدیـدار شـده اند که از تفکر مـادی و غیر انسـانی ریشـه گرفتـه و آثارشـان هنـوز هم در جهـان بـاقی است و بر انـدیشه خـود پافشـاری می کننـد که مکتب لیبرالیسم و مارکسیسم، نمونه های آن به شمار می رود.

در این پژوهش، می کوشـیم دریـابیم آنهـا بشـر توانسـته است برای خلاصـی از این همه مشـقت، راهی بیابـد یـا الگـویی برای خویش ترسیم کند تا در رفع نیازهای مادی و معنوی اش دچار افراط و تفریط نگردد یا همچنان سردرگم است؟

۲. ضرورت پژوهش

انسان، مصرف گرا آفریده شده و نیازمند مصرف است، ولی اگر از منابع در اختیارش، درست استفاده نکند، به زودی منابعش پایان می یابـد. آن گاه محتاج می شود و برای رفع احتیاج یا بایـد تن به ذلت بدهد یا باید به دیگران هجوم آورد تا منافعش را برآورده سازد. در طول تاریخ، حکومت ها و ملت ها از دو حالت خارج نبوده اند؛ یا مستعمره بودند یا استعمارگر.

۱- حمید عنایت، بنیاد فلسفه سیاسی در غرب، ص ۵۷.

ملت ها و حکومت ها برای اینکه به دام ذلت و ظلم نیفتند، باید راه صحیح مصرف را بپیمایند و الگوهای درست آن را یاد بگیرند. از آنجا که در اسلام بر اصلاح الگوی مصرف تأکید فراوانی شده است، ضرورت ایجاب می کند الگوهای صحیح مصرف را بشناسیم و به مردم بشناسانیم.

۳. پیشینه پژوهش

در زمینه اصلاح الگوی مصرف، کتاب های متعددی نوشته شده است که به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد:

۱.الگوی مصرف در اسلام و غرب، مجید نوریان، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

۲.اسلام و الگوی مصرف، درآمدی بر مقدار و چگونگی مصرف بر اساس فقه و اخلاق اسلامی، علی اکبر کلانتری، بوستان کتاب.

۳.اسراف از دیدگاه دین و دانش، علی محمد حیدری نراقی، انتشارات مهدی نراقی.

۴.نظام اقتصادی در اسلام (دفتر دوم: انگیزه ها و اهداف)، سید حسین میر معزی، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

۵.نگرش علمی به هزینه و درآمد دولت اسلامی، حسن آقا نظری و محمدتقی گیلک حکیم آبادی، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

۶.گنجینه اصلاح الگوی مصرف، سید مهدی هاشمی و حمیده رضایی، انتشارات سبط النبی صلی الله علیه و آله .

۷.الگوی مصرف در آموزه های اسلامی، جواد ایروانی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

همچنین، مقاله های متعددی در این زمینه به چاپ رسیده است.

۴. اهداف اصلی و فرعی پژوهش

۱. شناسایی الگوهای صحیح؛

۲. شناسایی مقوله اصلاح، به عنوان یکی از نیازهای اصلی بشر؛

۳. بررسی آثار فردی و اجتماعی اصلاح الگوی مصرف؛

۴. شناسایی راهکارهای مقابله با روش های ناصحیح مصرف با توجه به آموزه های اسلامی.

۵. فرضیه پژوهش

به نظر می رسد تمامی مصارف آدمی مبنی بر الگوهایی کاملی هستند، به گونه ای که اگر الگوها آسیب ببینند یا ناقص باشند، مصرف گرایی هم از حد اعتدال خارج می شود و آسیب می بیند.

به نظر می رسد دین اسلام برای هر سه بخش اصلاح، مصرف و الگو، راهکارهای گوناگونی ارائه کرده است.

۶. پرسش های اصلی

الف) آیا ارتباطی بین اصلاح الگوهای مصرف با مصرف گرایی وجود دارد یا نه؟

ب) اگر مصرف گرایی نیازمند الگوی اصلاحی است و اسلام برای آن چه راهکارهایی دارد؟

۷. پرسش های فرعی

الف) الگو های اصلاح مصرف گرایی چیستند؟

ب) آثار فردی و اجتماعی اصلاح مصرف در جامعه چیست؟

ج) رسانه ملی چگونه می تواند در زمینه اصلاح مصرف در جامعه الگو سازی کند؟

۸. کاربرد های رسانه ای پژوهش

مـدیران، برنـامه سـازان، پژوهشـگران پژوهش هـای برنـامه ای و ناظران و ارزیابان برای کنترل دقیق برنامه ها می تواننـد از این پژوهش بهره بگیرند.

۹. مفهوم شناسی پژوهش

الف) اسراف

معنی واژگانی اسراف در مفردات راغب و المنجد چنین آمده است:

اسراف، تجاوز الحدّ فی کلّ فعلٍ یفعله الانسان. (۱)

اسراف، تجاوز از حدّ در هر فعلی است که انسان انجام می دهد.

به دیگر معنا، اسراف هر چیزی است که زیاده بر اصل چیزی باشـد. حضـرت علی علیه السـلام فرموده است: «هر چیزی از حدّ خودش زیادتر شود، اسراف نام دارد.»(۲)یا در جایی دیگر می فرماید: «ما فوق الکفاف اسـراف؛ آنچه زیادتر از کفاف باشد، اسراف است». (۳)

کلمه «اسراف» تنها در مسائل اقتصادی به کار نمی رود و کاربرد آن منحصر به امور مالی نیست، بلکه این کلمه به معنی تجاوز از حدّ در هر امری است اعم از اینکه مالی، فرهنگی یا اخلاقی باشد یا از جنبه فردی یا اجتماعی باشد. حدّ و مرز این تجاوز را گاهی شرع، گاهی عقل و گاهی عرف تعیین می کند.

۱- مفردات راغب، ص۴۰۷؛ المنجد، ص ۳۴۱.
۲- مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۷۱۲.
۳- مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۷۱.

ب) تبذیر

تبـذیر از «بـذر» گرفته شـده که به معنی پاشـیدن است و به کسـی که مالش را ضایع و پراکنده می کند، «مُبذر» می گویند.(۱)
برای روشن شدن معانی دقیق اسراف و تبذیر بهتر است به تفاوت آنها اشاره شود.

۱. بـا توجه به مواردی که در آیات و روایات آمـده، اسـراف، اعم از تبـذیر است. تبـذیر درباره مال کاربرد دارد، ولی اسـراف معنی عامی دارد و شامل مال، رفتار و گفتار انسان می شود.

امام صادق علیه السلام فرمود: «إن التبذیر من الاسراف؛ تبذیر، از مصداق های اسراف و نوعی از آن است». (۲)

۲. اسراف به معنی خارج شدن از اعتدال است، بدون اینکه چیزی را به طور ظاهری ضایع کنیم، مثل اینکه لباسی با قیمت چند برابر لبـاس مورد نیـاز خود بخریم. تبـذیر علاـوه بر اینکه از مصـداق هـای اسـراف است، از بین بردن و ضـایع کردن مال نیز به شمار می رود،ماننـد اینکه پنـج نفر مهمان داریم، ولی به انـدازه ده نفر غـذا تهیه کنیم و باقی مانـده غـذا را هم در سـطل زباله بریزیم.

ج) إقتار

معنـای واژگـانی اقتار در مفردات راغب این گونه آمـده است: «القَتر تقلیل النفقه و هو بإزاء الإسـراف؛ کم خرج کردن را اقتار می گویند که نقطه مقابل اسراف است». (۳)

۱- مفردات راغب، ص ۱۱۴؛ المنجد، ص ۳۸.

۲- بحارالانوار، ج۷۲، ص ۳۰۳.

۳- مفردات راغب، ص۶۵۵؛ المنجد، ص ۶۴۰.

اسـراف، مصرف بیش از حد و خارج از حد تعادل است، ولی اقتار، مصرف کمتر از حق و بخل ورزیدن است. آیاتی در قرآن وجود دارد که به این واژه اشاره کرده است. (۱) برای نمونه می خوانیم:

وَالَّذِینَ إِذَا أَنفَقُوا لَمْ یُسْرِفُوا وَلَمْ یَقْتُرُوا وَکَانَ بَیْنَ ذَلِکَ قَوَامًا. (فرقان: ۶۷)

مؤمنان کسانی هسـتند که هرگاه انفاق می کننـد، نه زیاده روی و افراط می کننـد و نه بخل می ورزند و تفریط می کنند، بلکه راه متعادل و میانه ای بین این دو در پیش می گیرند.

د) بخل

المنجد، بخل را ضد سخاوت معنی کرده است: «بخل ورزیدن یعنی أمسَکَ و مَنَع». (۲)

بخل از موارد اسـراف است یا تبذیر؟ امام محمدباقر علیه السـلام در پاسخ به این پرسش فرموده است: «بخیل، مبذر است؛» (۳) زیرا آدم بخیل، مالش را در جایی که نباید بُذل و بخشـش کند، بذل می کند. در حقیقت، چنین آدمی هم مسـرف است و هم مبذر و هم بخیل.

به طور کلی، از روایاتی که در نکوهش بخیل آمده است، به این نتیجه می رسیم که بخیل، مبذر است.

ه_) مصرف

۱- إسراء: ۱۰۰؛ بقره: ۲۳۶؛ عبس: ۴۱.

۲- المنجد، ص ۲۵.

۳- بخیل نوعی مسرف است. فروع کافی، ج ۴، ص ۴۵.

از نظر واژگانی، مصرف به معنی محل صرف کردن و خرج کردن است. (۱) در علم اقتصاد، مصرف به آن بخش از درآمد می گویند که صرف به دست آوردن آسایش و لذت می شود. (۲)

مصرف در زندگی بشری به شیء خاصی محدود نمی شود، بلکه تمامی ابعاد زندگی بشر اعم از مادی و معنوی را دربرمی گیرد.

و) اصلاح

اصلاح به معنی آراستن و به صلاح درآوردن آمده است. (۳) اصلاح به معنی کم کردن زیادها و زیاد کردن کم هاست. معنای کلمه اصلاح، عام است که هر دو مورد را شامل می شود و به معنی «تنظیم» است.

ز) الگو

الگو در لغت به معنی نمونه است. (۴) در اصطلاح، به «چیزی یا کسی [می گویند] که نمونه، سمبل و مایه تسلیت و عبرت باشد». (۵)

۱- حسن عمید، فرهنگ عمید، ج ۲، ص ۹۸۰.

۲- باقر قدیری، کلیات علم اقتصاد، ص ۲۷۴.

۳- فرهنگ عمید، ج ۱، ص ۱۱۰.

۴- فرهنگ عمید، ج ۱، ص ۱۳۴.

۵- علی کریمیان، اسوه حسنه، ص ۱۰، به نقل از: فرهنگ عربی به فارسی، ترجمه: منجد الطلاب، ص ۷.

فصل دوم: تحلیل تاریخی مصرف گرایی در جهان و ایران

۱. تحلیل تاریخی مصرف گرایی در جهان

تحلیل تاریخی مصرف گرایی را از دو منظر جهانی و داخلی می توان بررسی کرد. در آغاز به جنبه بین المللی این موضوع می پردازیم و سپس آن را از جنبه ملی و داخلی، در ایران بررسی می کنیم.

بشر در گذشته با ساده ترین وسایل، زندگی می کرد و کار و فعالیتش فقط به زندگی روزانه اش گره خورده بود و فردایی برای خویش متصور نمی دید. انسان ها در گذشته به صورت ابتدایی زندگی می کردند و هیچ گونه وسیله پیشرفت و توسعه در اختیار نداشتند و نمی توانستند برای رفع نیازهای اولیه خویش کاری کنند. آدمیان به شکل مردمان اولیه زیست می کردند. «فقط به شکار حیوانات و جمع آوری نباتات می پرداختند و... برای برآوردن نیاز خود، از این شیوه، تا قرن ها استفاده می کردند. (۱) ... با پیدایش وسایل اولیه کسب و کار و تجارت، زندگی بشری رونق یافت و انسان توانست به سمت استفاده بیشتر و بهتر از مواهب الهی حرکت کند.

۱- حمید عضدانلو، آشنایی با مفاهیم جامعه شناسی، ص ۴۰۲.

این تحول در خاورمیانه انجام شد و در شیوه تولید یعنی کشاورزی تحولی رخ داد و آن، تکنیک شخم زدن زمین و افسار زدن به حیوانات و یا کاربرد منابع قدرتمندتر انرژی بود]که[باعث شد بشر محصولات زیادتری به دست بیاورد و نزد بسیاری از جامعه شناسان، شیوه تولید کشاورزی، یکی از عوامل رشد بود». (۱)

به تبع تولیدات بیشتر، مصرف گرایی بشر نیز بیشتر شد. هرچند آمار مصرف در بین افراد، متفاوت بود، جوامع انسانی به سمت مصرف گرایی بیشتر گرایش پیدا کرده بودند. وقتی انقلاب صنعتی در اروپا رقم خورد، تولیدات بشری به سمت ماشینی شدن حرکت کرد. در نتیجه، جامعه مصرف گرا شد. «انقلاب صنعتی در اواسط قرن هجدهم... در انگلستان اتفاق افتاد و بعد، کشورهای دیگر اروپایی و امریکای شمالی را تحت تأثیر خود قرار داد. انقلاب صنعتی به تدریج همه قلمروهای زندگی اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار داد، به طوری که تولید و استفاده از محصولات جدید، سطح زندگی مردم را بالا برد و محصولات جدید و بی شماری وارد بازار اقتصاد شدند». (۲)

رشد سریع محصولات و تولیدات سبب شد میزان رفاه زدگی و مصرف هرچه بیشتر در جامعه بیشتر شود. «جهان اصیلی که داشتیم، در قالب کالاهای بیگانه کننده با سوژه مدرن است که دست و پنجه نرم می کنند. این جهان به علت وجود نیروهایی از قبیل خردباوری، فایده مندی، محاسبه منافع شخصی، مکانیزه شدن و انبوه شدن تولید و با ریخته شدن صورت های بیانی به قالب تولید صنعتی معطوف به سود، از دست رفته

۱- حمید عضدانلو، آشنایی با مفاهیم جامعه شناسی، ص ۴۹۸.

۲- حمید عضدانلو، آشنایی با مفاهیم جامعه شناسی، صص ۹۳ و ۹۴.

است، نه به دلیل شیوه های زندگی سنتی، شهود فردی یا عبادات دینی. ... از دست رفتن این جهان به خاطر سیطره عمل خرید و مصرف فردی بر سنت ها، آیین ها و شیوه های زندگی جمعی است». (۱)

ویژگی امروزه جوامع صنعتی و پیشرفته سرمایه داری، مصرف هرچه بیشتر برای تولیدات بیشتر است. در غیر این صورت، چرخه تولید متوقف خواهد شد و ضربه های جبران ناپذیری به جوامع صنعتی و سرمایه داری وارد خواهد شد. به همین دلیل، به دنبال قالبی کردن آثار مصرف گرایی با نام فرهنگ جهانی هستند. «امروزه در سطح بین المللی، اقتصادی حاکم است به نام اقتصاد جهانی که متأثر از سیاست های جهانی است. سامانه اقتصاد جهانی از طریق بازارها و کلان شرکت ها به هم مرتبطند و سامانه سیاست جهانی از طریق حکومت ها به هم متصلند. این دو عامل، سامانه فرهنگ جهانی را شکل می دهند که [اثرات] این سامانه فرهنگ جهانی... مخرّب تر از بمب هسته ای است. آن قدر این سامانه در دل ملت ها نفوذ کرده که حتی عرف لباس پوشیدن در بین جوانان نیز به توزیع یک فرهنگ همگانی جهانی اشاره دارد. جین، پیراهن آستین کوتاه و کفش ورزشی در همه دنیا عمومیت دارد... و فرهنگ جهانی باعث شده است تا الگوهای مصرف نیز روز به روز در حال نزدیک تر شدن به هم باشند». (۲)

۲. تحلیل تاریخی مصرف گرایی در ایران

اشاره

تحلیل تاریخی الگوی مصرف در ایران از دو منظر اقتصادی و اجتماعی قابل بررسی است.

۱- ان اسلیز و فرن تونکیس، جامعه بازار، ترجمه: حسین قاضیان، ص ۲۵۰.

۲- آبرام دسوان، درآمدی بر جامعه شناسی انسانی، ترجمه: دکتر جعفر نجفی زند، ص ۲۲۲.

الف) اقتصادی

یکی از بحث های مهم در اقتصاد، الگوی مصرف است. چگونه کالاهای لوکس و تجملی غیرضروری برای خود در الگوی مصرف کشور ایران جای پایی باز کردند و به مرور زمان، به بخش مهمی از الگوی مصرف ما تبدیل شدند؟

«قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، با از بین رفتن نقش و اهمیت صنایع دستی در جریان زندگی مردم،... افزایش شدید جمعیت و عدم انطباق نرخ رشد تولیدات کشاورزی با آن،... افزایش درآمدهای نفتی و امکان سرمایه گذاری در صنایع جدید و همچنین ورود اقلام مصرفی، مجموعه کالاها و اقلام مصرفی بادوام و بی دوام خانوارها تغییر یافت و اقلام جدید جای گزین اقلام سنتی شد یا اینکه برای اولین بار وارد الگوی مصرف گردید. این روند بعد از انقلاب اسلامی هم ادامه یافت. به عنوان مثال، در سال ۱۳۶۱، واردات کف پوش چوبی اندکی بیشتر از کل اعتبارات عمرانی آموزش عالی و تحقیقات بوده است (۹۳ میلیون ریال) و واردات ابزار مانیکور و سنجاق و گیره مو (۱۱۴ میلیون ریال) خیلی بیشتر از تحقیق و بررسی در توسعه منابع و تأسیسات آب کشور بوده است». (۱)

الگویی که غرب برای مصرف به ملت های زیر سلطه خود معرفی می کند، بر سه پایه استوار است:

۱. بهره وری هر چه بیشتر؛

۲. رقابت و مسابقه در مصرف؛

۳. تجمل گرایی و گسترش تشریفات.

۱- مجید حبیبیان، زمینه های مصرف وابسته در ایران، ص ۳۵.

غرب با تبلیغ و تحمیل این الگو، در حقیقت، سلطه یافتن بر منافع مادی و معنوی کشورهای زیر سلطه را تعقیب می کند. شعار اصلی جامعه غرب، «خود را ثروتمند ساز» (۱) بوده و هست.

باید دانست کشورهای پیشرفته همیشه می کوشند نقش کالاهای تجملی و لوکس را در کشورهای دیگر ضروری جلوه دهند. آنها با صدور مقدار اندکی از یک کالا به کشورهای که کالای یادشده در آنجا تجملی محسوب می شود _ آن هم با قیمت های بسیار نازل _، گروه های مرفه این جوامع را به مصرف این کالاها تشویق می کنند. به مرور زمان، شرایطی به وجود می آید که مصرف این کالاها به دیگر گروه های جامعه نیز سرایت می کند و سرانجام، به کالایی عادی و سپس ضروری تبدیل می شود و تقاضای قابل توجه و بازار مناسب برای آن شکل می گیرد.

روژه گارودی در کتاب هشدار به زندگان می نویسد: «اقتصاد آزاد به شیوه غربی برای رفع احتیاج بازار نیست، بلکه برای ایجاد بازار احتیاج است.» (۲) روژه گارودی در بخش دیگری از کتابش، یکی از راه های امکان پذیر شدن اوج گیری مصرف مصنوعی در غرب را منتظر نشدن برای فرسایش فیزیکی شیء یا کالای خریداری شده و خریدن و جانشین کردن انواع جدید آن می شمارد که هر چند یک بار به شکل تازه ای به بازار می آید. این کار هم به آن دلیل نیست که کالای جدید بر انواع گذشته خود مزیتی

۱- enrichissez _ vous

۲- روژه گارودی، هشدار به زندگان، ص ۴۹۵.

دارد، بلکه فقط در ظاهر تفاوت هایی دارد که انواع گذشته خود را به اصطلاح «دمده» و از شکل افتاده جلوه گر می سازد. (۱)

مرتضی آوینی در همین زمینه چنین می نویسد:

هیچ کس کوچک ترین تردیدی ندارد که حاکمیت ابرقدرت ها و ادامه سلطه آنها بر جهان از طریق کارتل ها و تراست ها و دست های پنهانی سرمایه داران بین المللی اعمال می شود و آنان نیز حاکمیت خویش را بر عادات و نقاط ضعف بشریت بنا کرده اند و سعی می کنند با ایجاد حوایج کاذب و غیرحقیقی برای آدم ها، موقعیت استکباری خویش را از خطر محفوظ دارند. (۲)

در نهایت، نکته مهمی که آوینی گوشزد می کند، این است که «تصور اینکه مردم دنیا حتی برای لحظه ای به نیازهای حقیقی خویش و الگویی متناسب با حوایج واقعی انسان بازگردند، برای یک اقتصاددان، وحشتناک ترین چیزی است که ممکن است اتفاق بیفتد. اگر حتی برای یک لحظه، چنین اتفاقی در دنیا بیفتد و مردم فقط برای یک لحظه، درست به اندازه نیاز واقعی خویش، مصرف کنند، ادامه روند کنونی توسعه صنعتی دچار مخاطرات و بحران هایی، آن هم عظیم خواهد شد که تصور آن بسیار دشوار است». (۳)

بنابراین، در اقتصاد مصرف، الگوی مصرف اهمیت دارد و الگوی مصرف هر گونه باشد، افراد جامعه تلاش می کنند خود را با آن منطبق سازند. در جامعه ایران، خرید و مصرف اشیای غیرضروری و تجملی جای

۱- نک: روژه گارودی، هشدار به زندگان، ص ۴۹۶.

۲- توسعه مبانی تمدن غرب، مرتضی آوینی، ص ۹۱.

۳- توسعه مبانی تمدن غرب، مرتضی آوینی، ص ۹۰.

خود را در الگوی مصرف ما به گونه ای باز کرده است که برای برخی مردم، کالاهای ضروری به شمار می آیند.

ب) اجتماعی

اولین بحثی که به آن خواهیم پرداخت، علل اجتماعی گرایش به مادیات و مصرف بالاـ است. می دانیم که هدف از روابط اجتماعی، ارضای نیازهاست. بر اساس نظریه ماسلو (۱) انسان دارای پنج دسته نیاز فطری است:

«۱. نیازهای جسمی؛ (۲)

۲. نیاز به ایمنی؛ (۳)

۳. نیاز به روابط اجتماعی و محبت؛ (۴)

۴. نیاز به تایید و احترام؛ (۵)

۵. نیاز به خویشتن یابی. (۶)

البته در هر یک از این دسته ها، تعدادی از نیازهای شبیه و نزدیک به هم جای می گیرند. مثلاً در دسته چهارم، نیاز به احترام، نیاز به قدرشناسی، حفظ آبرو و غرور، کسب ارزش و منزلت نیز جای می گیرد». (۷)

اولین نکته ای که درباره نیازها بایـد یادآور شـد، این است که نیازهای معنوی از جمله نیاز به احترام، از نیازهای جسـمی مانند نیاز به غذا، بسیار قوی تر هستند؛ زیرا نیازهای جسمی، اشباع پذیرند، ولی نیازهای معنوی،

۱- Maslow.

۲- Physiological Needs ...

۳- Security, Safety.

۴- Afliliation , Love.

۵- Recognition , Esteen.

۶- Self Actualization.

۷- فرامرز رفیع پور، آناتومی جامعه، ص ۴۱.

اشباع ناپذیر. البته منظور از نیازهای جسمی اشباع پذیر، نیازهای جسمی صرف و ناب هستند، مثل نیاز به غذا. اگر کسی بسیار گرسنه باشد و میل زیادی به جوجه کباب داشته باشد و منعی هم در مقدار خوردن وجود نداشته باشد، هر قدر بیشتر بخورد، میلش کمتر خواهد شد تا جایی که دیگر میلی برای او باقی نمی ماند. بیشتر نیازهای مادی با نیازهای معنوی به ویژه نیاز به احترام و حفظ آبرو در هم آمیخته اند و در عمل، ارضای بیشتر نیازهای مادی هم مانند نیازهای معنوی اشباع ناپذیر، ممکن نیست. برای مثال، فردی به وسیله نقلیه نیاز دارد و آرزوی داشتن آن را در سر می پروراند و از طرفی، به دلیل احساس نیاز به احترام و حفظ آبرو ترجیح می دهد ماشینش، آبرومندانه (مثلاً پراید صفر کیلومتر) باشد. وقتی به آرزویش برسد، خوش حالی ا ش زیاد دوام نمی آورد و این دفعه، آرزوی داشتن ماشین پژو را در سر می پروراند و تمام تلاشش را به کار می بندد تا پس از تحمل سختی های زیاد، به آرزوی جدیدش جامه عمل بپوشاند، غافل از اینکه ارضای این گونه نیازهای مادی، پایانی ندارد. تئوری «نیاز» بر اساس همین حالت انسانی، شکل گرفته است که می گوید: «هر چه نیازها بیشتر ارضا شوند، احساس نیازمندی کاهش نمی یابد، بلکه برعکس، افزایش می یابد». (۱)

حال که جایگاه نیاز به احترام را تا حدودی دریافتیم، باید گفت نیاز به احترام بر اساس مقیاس های ارزشی موجود در جامعه ارضا می شود. اگر ارزش های یک جامعه از جانب مادی به طرف معنوی تغییر کند، انسان ها برای کسب تأیید و احترام به آن سو می روند (مانند زمان جنگ) و اگر ارزش ها به سوی مادیات تغییر کند، به همان ترتیب، انسان ها نیاز به احترام

۱- فرامرز رفیع پور، آناتومی جامعه، ص ۷۹.

و تأییـد خود را در ثروت و مادیـات جست وجو می کننـد. حال این ارزش ها چگونه تغییر می کننـد و چگونه ثروت و داشـتن کالاهای مادی و تجملات در یک جامعه، به ارزش اجتماعی تبدیل می شود؟

بنا بر نظر نویسـنده کتاب توسعه و تضاد، فرآیندی برای تبدیل ثروت به ارزش (در ایران) وجود دارد که شامل چند حلقه است و اکنون به طور خلاصه به آن اشاره می شود.

۱. اولین حلقه این فرآینـد، نابرابری است؛ یعنی تقابل و شـکاف میان فقیر و ثروتمنـد. این نابرابری نیز دو گونه است: نوع اول، در شـرایطی است که وضـعیت بیشتر افراد جامعه، روزبه روز از نظر اقتصادی بهتر می شود؛ یعنی هم فقیران و هم ثروتمندان از نظر اقتصادی در حال پیشـرفت هستند. نوع دوم، وقتی است که وضع همه اقشار جامعه از نظر اقتصادی، رو به بدتر شدن است؛ یعنی فقیران در حضـور و بـا وجـود ثروتمنـدان، روزبه روز فقیرتر می شونـد. وضـعیت ایران در آینـده، به نوع دوم از نـابرابری تبدیل می شود. به قول مرتون (۱) و دورکهایم، فقر به تنهایی مسـئله ای برای نظام اجتماعی ایجاد نمی کند، بلکه برعکس، در تحکیم و ثبـات اجتمـاعی تـأثیر مثبت می گـذارد که نمونه آن، زمـان جنگ بود. فقر وقتی تأثیر مخرب دارد که در مقابل فقر، تصویر یا قول آرزوهای بلندپروازانه ترسیم و بیان شود. امروزه این مسئله را آشکارا در جامعه و تلویزیون خودمان می بینیم.

۲. دومین حلقه این فرآیند، نمایش ثروت است. در تحقیقی که نویسنده توسعه و تضاد انجام داده است، «۴/۷۱ درصد از پاسخ گویـان گفته انـد در سـال ۶۵، ثروتمنـدان وسایـل خـود (ماننـد ماشـینشان) را خیلی کـم بـه نمـایش می گذاشـتند و به رخ می کشیدند. در مقابل، ۳/۸۵ درصد از پاسخ گویان

۱- Merton , P.K.

اظهار داشته اند که در سال ۷۱، ثروتمندان اشیا و وسایل قیمتی خود را خیلی زیاد به نمایش می گذاشتند». (۱)

اکنون نمایش ثروت مانند انواع و اقسام ماشین ها، خانه ها و لباس ها به مقیاس ارزش و احترام افراد تبدیل شده اند. در قرآن، آیه ای وجود دارد که به طور مستقیم درباره نمایش ثروت است و به مناسبت بحث، آن را می آوریم. خداوند در سوره قصص، جایی که داستان قارون را نقل می کند، می فرماید:

فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيْلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِّمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلَقَّاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِن فِئَةٍ يَنصُرُونَهُ مِن دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنتَصِرِينَ وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيْكَأَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاء مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْلَا أَن مَّنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا وَيْكَأَنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ. (قصص: ۷۹ _ ۸۳)

آن گاه قارون (روزی) با زیور و تجمل بسیار بر قومش در آمد. مردم دنیاطلب گفتند: ای کاش، همان قدر که به قارون از مال دنیا دادند، به ما هم عطا می شد که وی بهره بزرگی دارد. صاحبان مقام علم و معرفت گفتند: وای بر شما! ثواب خدا برای آن کس که به خدا ایمان آورده و نیکوکار است، بسی بهتر است، ولی هیچ کس جز آنان که صبر پیشه کنند، بدان نخواهند رسید. پس (از اندک زمانی) ما هم او را با خانه (و دارایی اش) به زمین فرو بردیم و هیچ حزب و جمعیتی جز خدا نتوانست او را یاری کند و هیچ نصرت نیافت. صبح گاه هم آنان که روز گذشته ثروت و مقام او را آرزو می کردند، با خود می گفتند: ای وای، گویی خداست که هر که را خواهد، روزی فراوان دهد و هر که را خواهد، تنگ روزی کند وگرنه این بود که خدا بر ما منّت گذاشت، ما را هم (مثل او) در زمین

۱- فرامرز رفیع پور، آناتومی جامعه، ص ۲۰۰.

فرو می برد. ای وای که گویا کافران را هرگز فلاح و رستگاری نیست. ما این دار آخرت را برای آنان که در زمین اراده علوّ و فساد و سرکشی ندارند، مخصوص گرداندیم و حسن عاقبت از آن پرهیزکاران است.

۳. حلقه سوم در این فرآیند، نیازآفرینی است. نیاز به داشتن مادیات چند خاستگاه دارد. یکی از خاستگاه های نیازآفرینی همان نمایش ثروت اقشار مرفه است که نیاز اقشار پایین دست را به داشتن مادیات روزبه روز تشدید می کند. در این میان، واردات انواع و اقسام کالاهای مصرفی هم به شعله ورتر شدن آتش نیازآفرینی کمک می کند. مقدار قابل توجهی از این کالاهای وارداتی را کالاهای لوکس و غیرضروری تشکیل می دهند. خاستگاه دوم، تبلیغات است. چون هزینه تبلیغات بالاست، تبلیغات باید به بهترین صورت انجام شود و در نتیجه، به بهترین صورت نیازآفرینی کند تا کالای مورد نظر به فروش برسد.

۴. حلقه بعدی در این فرآیند، کاهش درآمدهاست. کاهش درآمد وقتی فاجعه آمیز می شود که در مقابل آن، احساس نیازمندی افزایش یابد. با تبلیغات گسترده، اقشار فقیر جامعه به کالاهایی که اقشار بالا توان خرید آنها را دارند، تمایل و احساس نیاز پیدا می کنند و از طرفی درآمدشان کفاف خرید آنها را نمی دهد. در این زمان، احساس محرومیت نسبی، روزبه روز در اقشار پایین دست جامعه افزایش پیدا می کند؛ یعنی احساس می کنند روزبه روز فقیرتر شده اند.

۵. حلقه پنجم در این فرآیند، مقایسه اجتماعی و احساس محرومیت است. افراد جامعه همیشه خود را با یکدیگر مقایسه می کنند و اگر از دیگران کمتر باشند، احساس عقب افتادن پیدا می کنند. در این شرایط، ابزار مادی (اتومبیل، خانه، لباس، طلا و جواهر و...) که تهیه آنها به پول نیاز دارد، باارزش می شوند و در نتیجه، پول روزبه روز باارزش تر می شود.

۶. حلقه ششم این فرآیند، فشار هنجاری است. «فشار هنجاری، نیرویی فوق العاده و غیرقابل تصور است که از طرف هنجارها بر فرد و اراده فردی تحمیل می گردد که مقاومت در برابر آن، بسیار مشکل است.» (۱) این فشار هنجاری سبب می شود حتی فقیران هم ادای ثروتمندان را دربیاورند. وقتی در جامعه ای فقر و فقیران تحقیر شوند، فقیر هم زیر فشار قرار می گیرد و برای ارضای نیاز به احترام، ادای ثروتمند را در می آورد. برای مثال، خانمی که شوهرش توان خریدن طلا را ندارد، از طلای بدلی استفاده می کند.

۷. آخرین حلقه که کامل کننده این فرآیند است، انتشار (۲) است.» (۳) در جامعه ایران، سرعت انتشار پدیده های هنجارشده یا در حال هنجارشدن بسیار بالاست. کافی است مردم احساس کنند فلان چیز هنجار شده است یا می شود. آن وقت به سرعت در پی آن می روند؛ حال، برخی بدون مقاومت و برخی، پس از کمی مقاومت.

وقتی همه حلقه های این فرآیند کامل شد و در کنار هم قرار گرفتند، ثروت و مادیات به ارزش اجتماعی تبدیل می شوند و ملاک و مقیاس احترام در جامعه، داشتن ثروت می شود. در نتیجه، افراد جامعه نیاز به احترام خود را با به دست آوردن هر چه بیشتر مادیات و تجملات و مصرف هر چه بیشتر ارضا می کنند.

بنابر تحقیق آماری نویسنده کتاب توسعه و تضاد و همکارانش، ۲/۷۵ درصد از پاسخ گویان معتقد بودند مردم در سال ۱۳۶۵، ساده زندگی

۱- فرامرز رفیع پور، آناتومی جامعه، ص ۱۹۷.

۲- Diffusion.

۳- فرامرز رفیع پور، آناتومی جامعه، ص ۲۲۸.

می کردند و در سال ۱۳۷۱ از نظر تجملات، نزدیک به زمان قبل از انقلاب شده بودند. (۱)

همچنین در تحقیق دیگری که در سال ۱۳۸۲ درباره اولویت ارزش های اجتماعی از نظر پاسخ گویان انجام شد، ۷/۵۰ درصد از پاسخ گویان، انتخاب اولشان و ۶/۲۲ درصد از آنها انتخاب دومشان، «سطح بالایی از رشد اقتصادی» بوده است. (جدول شماره۱)

جدول شماره ۱_ اولویت ارزش های اجتماعی از نظر پاسخ گویان (۲)

– مجموعه ارزشی چهارگانه اول

– انتخاب اول

(تعداد–درصد–درصد معتبر)

– انتخاب دوم

(تعداد–درصد–درصد معتبر)

سطح بالایی از رشد اقتصادی

۵۵/۶–۵۰/۷–۱۲۸۳

۲۶/۳–۲۲/۶–۵۷۳

مطمئن شدن از قدرت و اقتدار ملی

۱۶/۸–۱۵/۳–۳۸۷

۲۱/۶–۱۸/۶–۴۷۱

افزایش حق مردم و دخالت در نحوه اداره امور

۲۰/۲–۱۸/۴–۴۶۶

۲۹/۵–۲۵/۴–۶۴۲

زیباترساختن شهرها و مناطق روستایی

۷/۵-۶/۸-۱۷۳

۲۲/۵-۱۹/۴-۴۹۰

بدون جواب

۰-۵/۴-۱۳۷-

۰-۷/۷-۱۹۴

نمی دانم

۰-۸/۷-۲۲۱

۰-۶/۳-۱۶۰

جمع

۱۰۰-۱۰۰-۲۵۳۰

۱۰۰-۱۰۰-۲۵۳۰

۱- فرامرز رفیع پور، آناتومی جامعه، ص ۲۲۸.

۲- بر گرفته از: آزاد ارمکی، ص ۳۵۳.

بنیان گذار انقلاب اسلامی ایران، حضرت امام خمینی (ره) در همین زمینه می فرماید:

امروزه اثر مستقیم روحیه تجمل گرایی از واردات کالاهای مصرفی لوکس تا پیروی از مدهای گوناگونی که حجم انبوهی از فرهنگ و ارزش های غربی را یدک می کشند، بر کسی پوشیده نیست.

«نگاهی به زندگی روزانه مرفهین بی درد، نشانگر این واقعیت است که پیروی از مد، حتی در شیوه خوراک آنان نیز دگرگونی پدید آورده است. البته زیان روحیه رفاه جویی و تجمل گرایی تنها در تغییر شیوه پوشش، خوراک و رفتارهای اجتماعی و شخصی آشکار نمی شود، بلکه در بالارفتن میزان بزه کاری ها و زیر پا نهادن اصول اخلاقی نیز اثری شگرف دارد. افزایش خواسته های افراد که در سایه چنین روحیه ای پدید می آید، انگیزه ای نیرومند برای سرقت، کلاه برداری و رشوه به شمار می آید». (۱)

۱- فریدون موحدنیا، عوامل گرایش نوجوان وجوان به فرهنگ بیگانه، ص۹۴.

فصل سوم: نظرسنجی های مربوط به مصرف گرایی

یکی از کامل ترین و جدیدترین نظرسنجی های موجود درباره تجمل گرایی در برنامه های تلویزیونی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۳، «نظرسنجی از مردم درباره الگوی مصرف متداول در سریال های تلویزیونی» است که لیلا منصوری فر در مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه ای انجام داده است. برخی نتایج به دست آمده از این نظرسنجی را نقل می کنیم.

یکی از پرسش هایی که در این نظرسنجی از تماشاگران سریال های تلویزیونی پرسیده شد، این بود که: «به نظر شما، در اکثر سریال ها، زندگی کدام قشر جامعه بیشتر نمایش داده می شود؟»

۸/۶۸ درصد از بینندگان بیان کرده اند که داستان بیشتر سریال های تلویزیونی درباره زندگی قشر پول دار و پردرآمد جامعه است. (جدول شماره ۱۱)

جدول شماره ۱۱_ نظر بینندگان دربار ه قشر نمایش داده شده در بیشتر سریال های تلویزیونی (۱)

۱- برگرفته از: لیلا منصوری فر، نظرسنجی از مردم درباره الگوی مصرف متداول در سریال های تلویزیونی، ص ۱۴.

ص:۳۷

- قشر جامعه

- فراوانی

- درصد

قشر پولدار و پردرآمد

۴۱۹

۶۸/۸

قشر متوسط

۱۷۰

۲۷/۹

قشر فقیر و پردرآمد

۲۰

۳/۳

جمع

۶۰۹

۱۰۰

پرسش دیگری که در این نظرسنجی از تماشاگران سریال های تلویزیونی پرسیده شد، این بود که: «تا چه حد، امکانات زندگی آنان با امکانات زندگی نمایش داده شده مطابقت دارد؟»

۷/۶۲ درصد از بینندگان بیان کرده اند که خانه های آنان به میزان «کم و خیلی کم» مشابه خانه های نمایش داده شده در بیشتر سریال هاست. همچنین ۹/۶۲ درصد از بینندگان گفته اند لوازم منزلشان در حد «کم و خیلی کم» با لوازم منزل نمایش

داده شـده در بیشتر سـریال های تلویزیونی انطباق دارد. ۱/۴۹ درصـد از بیننـدگان ذکر کرده انـد که اتومبیلشان در حد «کم و خیلی کم» با اتومبیل های نمایش داده شـده در بیشتر سـریال ها مطابقت دارد. همچنین ۴/۵۲ درصد از بینندگان بیان کرده اند که نوع و مـدل لباس هایشان در حـد «کم و خیلی کم» با نوع و مـدل لباس بازیگران بیشتر سـریال ها مشابه است. ۴/۵۸ درصد نیز از پاسـخ گویان عنوان کرده انـد که نوع تفریحات و مسافرت هایشان در حـد «کم و خیلی کم»، مشابه تفریحات و مسافرت هـای نمـایش داده شـده در بیشتر سـریال هـاست. با توجه به میانگین رتبه ای، بیشترین میزان مطابقت، مربوط به مطابقت نوع و مدل لباس بازیگران با نوع و مدل لباس بازیگران (میانگین رتبه ای: ۷۲/۲) و کمترین

میزان مطابقت نیز در زمینه مطابقت اتومبیل های مورد استفاده بازیگران با اتومبیل های مورد استفاده بینندگان است (میانگین رتبه ای: ۲۳/۲). (جدول شماره ۱۲)

جدول شماره ۱۲_ میزان انطباق امکانات زندگی بینندگان با امکانات زندگی نمایش داده شده

در بیشتر سریال ها (۱)

میزان انطباق

موارد

فراوانی – درصد

- خیلی زیاد

- زیاد

- کم

- خیلی کم

- اصلا

- جمع

- مینگین رتبه ای

____

خانه های نمایش داده شده

۱-۶

۱۲/۲-۷۶

۳۷/۸-۲۳۵

۲۴/۹-۱۵۵

۲۴/۱-۱۵۰

۱۰۰-۶۲۲

۲/۴۱

لوازم منزل استفاده شده

۱/۳-۸

۱۵/۱-۹۴

۳۷/۸-۲۳۵

۲۵/۱-۱۵۶

۲۰/۶-۱۲۸

۱۰۰-۶۲۱

۲/۵۱

اتومبیل های مورد استفاده بازیگران

۱-۶

۱۴/۳-۸۹

۲۷/۶-۱۲۷

۲۱/۵-۱۳۴

۳۵/۶-۲۲۲

۱۰۰-۶۲۳

۲/۲۳

نوع و مدل لباس بازیگران

۹-۱/۵

۱۶۸-۲۷/۱

۲۰۱-۳۲/۵

۱۲۳-۱۹/۹

۱۱۸-۱۹/۱

۶۱۹-۱۰۰

۲/۷۲

نوع تفریحات و مسافرت ها نمایش داده شده

۷-۱/۱

۱۱۱-۱۸

۲۱۷-۳۵/۲

۱۴۳-۲۳/۲

۱۳۹-۲۲/۵

۶۱۷-۱۰۰

۲/۵۲

۱- برگرفته از: نظرسنجی از مردم درباره الگوی مصرف متداول در سریال های تلویزیونی، ص ۱۹.

همچنین از بینندگان در این نظرسنجی پرسیده شد: «به چه میزان امکانات زندگی که در اکثر سریال ها نمایش داده می شوند، با امکانات زندگی عموم مردم مطابقت دارد؟» (جدول شماره ۱۳)

جدول شماره ۱۳_ نظر بینندگان درباره میزان انطباق امکانات زندگی عموم مردم با امکانات زندگی نمایش داده شده در بیشتر سریال ها (۱)

میزان انطباق

موارد

فراوانی - درصد

- خیلی زیاد

- زیاد

- کم

- خیلی کم

- اصلا

- جمع

- مینگین رتبه ای

خانه های نمایش داده شده

۱/۳-۸

۱۲/۱-۷۴

۴۱/۴-۲۵۴

۳۳/۱-۲۰۳

۱۲/۱-۷۴

۱۰۰-۶۱۳

۲/۵۷

لوازم منزل استفاده شده

۱-۶

۱۶/۷-۱۰۳

۳۸/۲-۲۳۵

۳۲/۸-۲۰۲

۱۱/۲-۶۹

۱۰۰-۶۱۵

۲/۶۳

اتومبیل های مورد استفاده بازیگران

۱/۳-۸

۱۷/۹-۱۱۰

۳۸/۴-۲۳۶

۲۹/۹-۱۸۴

۱۲/۵-۷۷

۱۰۰-۶۱۵

۲/۶۶

نوع و مدل لباس بازیگران

۲/۳-۱۴

۲۶/۸-۱۶۵

۳۷/۷-۲۳۲

۲۴/۵-۱۵۱

۸/۸-۵۴

۱۰۰-۶۱۶

۲/۸۹

نوع تفریحات و مسافرت ها نمایش داده شده

۰/۸-۵

۱۷/۹-۱۰۹

۳۹/۵-۲۴۰

۲۸/۱-۱۷۱

۱۳/۷-۸۳

۱۰۰-۶۰۸

۲/۶۴

به نظر ۵/۷۴ درصد از بینندگان، نوع خانه های نمایش داده شده در بیشتر سریال ها در حد «کم و خیلی کم»، مشابه با خانه های عموم مردم است. همچنین ۷۱ درصد از بینندگان بیان کرده اند که لوازم منزل نمایش داده شده

۱- برگرفته از: نظرسنجی از مردم درباره الگوی مصرف متداول در سریال های تلویزیونی، ص ۲۷.

در حـد «کم و خیلی کم»، مشـابه لـوازم منزل عمـوم مردم است. به نظر ۳/۶۸ درصـد از بیننـدگان نیز اتومبیل های نمایش داده شده در حد «کم و خیلی کم»، مشابه اتومبیل های عموم مردم است. همچنین ۲/۶۲ درصد از بینندگان بیان کرده اند که نوع و مدل لباس بازیگران بیشتر سـریال ها در حد «کم و خیلی کم»، مشابه نوع و مدل لباس عموم مردم است. به نظر ۶/۶۸ درصد از بیننـدگان، نوع تفریحات و مسافرت های عموم مردم در حـد «کم و خیلی کم»، مشابه با تفریحات و مسافرت های نمایش داده شده است. بر اساس مقدار میانگین رتبه ای، بیشترین میزان مطابقت، به نوع و مدل لباس بازیگران و لباس عموم مردم (میانگین رتبه ای: ۸۹/۲) و کمترین میزان، به مطـابقت خـانه هـای نمایش داده شـده با خانه های عموم مردم مربوط است (میانگین رتبه ای: ۵۷/۲).

همچنین از بیننـدگان پرسـیده شـد: «شـما امکانات و شـرایط زندگی خودتان را نسبت به آنچه در اکثر سـریال های تلویزیونی نمایش داده می شود، در چه حد می بینید؟»

۱/۵۹ درصـد از بیننـدگان بیان کرده انـد که سـطح زندگی خود را پایین تر یا خیلی پایین تر می بینند و ۶/۳۵ درصد نیز سطح زنـدگی خود را مشابه دانسـته انـد. همچنین زنان (۴/۶۲ درصـد) بیش از مردان (۹/۵۴ درصـد)، سـطح زندگی خود را در حد پایین یا خیلی پایین تر از سطح زندگی نمایش داده شده در بیشتر سریال های تلویزیونی دانسته اند. (جدول شماره ۱۴)

جدول شماره ۱۴_ نظر بینندگان درباره مقایسه سطح زندگی شان با سطح زندگی نمایش داده شده در بیشتر سریال ها به تفکیک جنس (۱)

نظر بینندگان

جنس

خیلی بالاتر

مرد

زن

کل/فراوانی-درصد

۱/۱

۱/۱

۱/۱-۷

بالاتر

مرد

زن

کل/فراوانی-درصد

۷/۷

۱/۴

۴/۲-۲۶

مشابه

مرد

زن

کل/فراوانی-درصد

۳۶/۳

۳۵

۳۵/۶-۲۲۲

پایین تر

مرد

زن

کل/فراوانی-درصد

۳۹/۹

۵۰/۴

۴۵/۸-۲۸۶

خیلی پایین تر

مرد

زن

کل/فراوانی-درصد

۱۵

۱۲

۱۳/۳-۸۳

جمع

مرد

زن

کل/فراوانی-درصد

۱۰۰

۱۰۰

۱۰۰-۶۲۴

در پاسخ همان پرسش قبل، پاسخ گویان دارای درآمد سرانه بین ۳۰ _ ۵۹ هزار تومان (۸/۷۳ درصد) و پس از آنان، پاسخ گویان دارای درآمد سرانه زیر ۲۹هزار تومان (۵/۷۱ درصد)، سطح زندگی خود را پایین تر و خیلی پایین تر از سطح زندگی نمایش داده شده در بیشتر سریال های تلویزیونی ذکر کرده اند. (جدول شماره ۱۵)

جدول شماره ۱۵_ نظر بینندگان درباره مقایسه سطح زندگی آنان با سطح زندگی نمایش داده شده در بیشتر سریال ها به تفکیک درآمد سرانه (۲)

نظر پاسخگویان

درآمد سرانه (هزارتومان)

خیلی بالاتر

زیر ۲۹

۳۰-۵۹

۶۰-۸۹

۹۰ و بیشتر

۲/۴

۰/۷

۱/۲–۲/۹

بالاتر

زیر ۲۹

۳۰–۵۹

۶۰–۸۹

۹۰ و بیشتر

۲/۴

۱/۴

۲/۳

۲/۹

مشابه

زیر ۲۹

۳۰–۵۹

۶۰–۸۹

۹۰ و بیشتر

۲۳/۸

۲۴/۱

۳۱/۴

۴۶/۴

پایین تر

زیر ۲۹

۳۰-۵۹

۶۰-۸۹

۹۰ و بیشتر

۴۰/۵

۵۵/۹

۵۱/۲

۳۷/۷

خیلی پایین تر

زیر ۲۹

۳۰-۵۹

۶۰-۸۹

۹۰ و بیشتر

۳۱

۱۷/۹

۱۴

۱۰/۱

جمع

زیر ۲۹

۳۰-۵۹

۶۰-۸۹

۹۰ و بیشتر

۱۰۰

۱۰۰

۱۰۰

۱۰۰

۱- برگرفته از: نظرسنجی از مردم درباره الگوی مصرف متداول در سریال های تلویزیونی، ص ۳۰.

۲- برگرفته از: نظرسنجی از مردم درباره الگوی مصرف متداول در سریال های تلویزیونی، ص ۳۴.

در پرسـش دیگری در این نظرسـنجی، از بینندگان سریال های تلویزیونی که سطح زندگی خود را پایین تر یا خیلی پایین تر از سطح زندگی نمایش داده شده در بیشتر سریال ها می دانند، درباره تمایل آنان به برخوردارشدن از سطح زندگی نمایش داده شده در بیشتر سریال ها پرسش شد.

(۳۹ درصد از آنان بیان کرده اند که امکان فراهم کردن سطح زندگی را مشابه آنچه در بیشتر سریال ها نمایش داده می شود، ندارنـد. پس از آنان، ۱/۳۴ درصـد بی میلی خود را نسـبت به داشـتن امکاناتی نظیر آنچه نمایش داده می شود، بیان کرده اند. همچنین ارتباط معنا داری میان نظر بیننـدگان و سن آنان وجود دارد. بر این اساس، بینندگان ۵۵ ساله و بیشتر، بیش از دیگران (۶/۵۵ درصد) و بینندگان ۳۴ ــ ۲۵ ساله، کمتر از دیگران (۴/۳۲ درصد) بیان کرده اند که امکان فراهم کردن سـطح زندگی مشابه آنچه را در بیشتر سریال ها نمایش داده می شود، ندارند. (جدول شماره ۱۶)

جدول شماره ۱۶ــ نظر بینندگان درباره تمایل آنان به برخوردار شدن از سـطح زندگی نمایش داده شده در بیشتر سریال ها به تفکیک سن (۱)

نظر بینندگان

گروه سنی

امکان فراهم کردن سطح زندگی مشابه به آنچه نمایش داده می شود، ندارم

۱۵-۲۴

۲۵-۳۴

۳۵-۴۴

۴۵-۵۴

۵۵ سال و بالاتر

کل/فراوانی-درصد

۳۷

۳۲/۴

۴۲/۲

۴۵/۲

۵۵/۶

۳۹-۱۴۲

برخی اوقات اقدام به خرید وسایل و لوازم نمایش داده شده می کنم

۱۵-۲۴

۲۵-۳۴

۳۵-۴۴

۴۵-۵۴

۵۵ سال و بالاتر

کل/فراوانی-درصد

۲۲/۷

۴۰/۲

۲۵/۹

۱۶/۱

۱۱/۱

۲۶/۹-۹۸

تمایلی به برخورداری از سطح زندگی مشابه به آنچه نمایش داده می شود، ندارم

۱۵-۲۴

۲۵-۳۴

۳۵-۴۴

۴۵-۵۴

۵۵ سال و بالاتر

کل/فراوانی-درصد

۴۰/۳

۳۷/۵

۳۱/۸

۳۸/۷

۳۳/۳

۳۴/۱-۱۲۴

جمع

۱۵-۲۴

۲۵-۳۴

۳۵-۴۴

۴۵-۵۴

۵۵ سال و بالاتر

کل/فراوانی-درصد

۱۰۰

۱۰۰

۱۰۰

۱۰۰

۱۰۰

۱۰۰-۳۶۴

۱- برگرفته از: نظرسنجی از مردم درباره الگوی مصرف متداول در سریال های تلویزیونی، ص ۳۵.

این آمارها بدون هیچ گونه توضیحی، بهترین دلیل برای ادعای ما در این پژوهش، مبنی بر وجود مظاهر تجملی در بیشتر برنامه های تلویزیونی و گسترش آن در سطح جامعه است.

باید دانست پرسش شوندگان در این نظرسنجی، از همه قشرها و با سطوح درآمدی متفاوت بوده اند. همچنین بر اساس آزمون های مختلف، هیچ رابطه معنا داری بین درآمد پرسش شوندگان و نتایج به دست آمده وجود ندارد. (جدول شماره ۱۷)

جدول شماره ۱۷_ توزیع پاسخ گویان برحسب درآمد (۱)

درآمد (هزار تومان)

فراوانی-درصد

----

* درآمد ماهیانه مجردین

*فراوانی-درصد

کمتر از ۹۹

۱۰۰-۱۹۹

۲۰۰-۲۹۹

۳۰۰ و بیشتر

جمع

میانگین

۲۳/۹-۲۶

۳۵/۸-۳۹

۲۰/۲-۲۲

۲۰/۲-۲۲

۱۰۰-۱۰۹

۱۸۴/۲

* درآمد ماهیانه خانوار

*فراوانی-درصد

کمتر از ۹۹

۱۰۰-۱۹۹

۲۰۰-۲۹۹

۳۰۰ و بیشتر

جمع

میانگین

۷/۶-۳۵

۴۱/۷-۱۹۲

۲۶/۵-۱۲۲

۲۴/۱-۱۱۱

۱۰۰-۴۶۰

۲۱۸/۴۶

* درآمد سرانه خانوار

کمتر از ۲۹

۳۰-۵۹

۶۰-۸۹

۹۰ و بیشتر

جمع

میانگین

۱۵/۷-۷۲

۴۱/۵-۱۹۰

۲۳/۴-۱۰۷

۱۹/۴-۸۹

۱۰۰-۴۵۸

۶۵/۵۴

۱- برگرفته از: نظرسنجی از مردم درباره الگوی مصرف متداول در سریال های تلویزیونی، ص ۱۱.

فصل چهارم: نظریه های مربوط به الگوی مصرف

با توجه به جهان بینی الهی و شیعی، الگو پذیری، یکی از اصول مهمی است که در منابع اسلامی به آن اهمیت داده شده است. در ابتـدا، بهتر است معنـای کلمه الگو را بـازگو کنیم. الگو یعنی نمونه (مـدل) که معنـای عامی دارد و به همه الگوها گفته می شود، مانند: الگوی انسانی، الگوی رفتاری و الگوی اقتصادی.

ابتدا باید به این پرسـش پاسخ داد که ما به الگو چه نیازی داریم؟ باید گفت که «داشـتن یک الگوی کامل و صحیح می تواند مـایه تبلور ارزش هـای انسـانی، امیدبخشـی، ایجاد انگیزه و هـدف، تقویت روحیه و قوت قلب باشـد. هم چنین الگوی مناسب، درستی راه را تضمین و امکان دست یابی به کمالات عالی را مهیا کرده و میل به طی طریق کمال را شدت می بخشد. همچنین می تواند معیار سنجش ارزش ها و ضدارزش ها از یکدیگر باشد». (۱)

راه رسـیدن بـه الگوهـا چیسـت؟ برای رسـیدن به الگوهـا و نمـونه هـا بایـد به سـراغ متخصـصان آن موضـوع رفت و الگوهـای پیشنهادی آنان را بررسی

۱- علی کریمیان، اسوه حسنه، ص ۱۲.

کرد. متخصـصان و صاحبان الگوها چه کسانی هسـتند؟ اگر به تاریـخ چندین هزار ساله بشـر نگاهی بیفکنیم، متوجه می شویم اولین متخصـصان در میان بشر، انبیای الهی علیهم السلام بودند؛ چون آ گاهی و دانش آنها نسبت به مردم، بیشتر بود و انسان ها برای برطرف کردن مجهولاتشان به آنها مراجعه می کردند.

ادراکات حسـی و عقلی]با وجود[اینکه برای زنـدگی مادی و معیشت ما بسـیار مفیدنـد، اما هیچ گاه نمی توانند بیان کنند که اعمـال انسـان تـا چـه حـد در راه رسـیدن بـه کمـال نهـایی و قرب الهی تـأثیر]دارد[؛ زیرا قرب الهی، امری اسـت از سـنخ علم حضوری که بـا ادراک متعـارف بشـری، قابل دسترسـی و ادراک نیست و بایـد راه دیگری وجود داشـته باشـد و آن، راه وحی است که ادراک غیرمتعـارف است و بایـد دیـد که خداونـد متعـال کسـی را معرفی کرده یا نه؟» (۱) در حقیقت، تاریخ شـکل گیری الگوهـا در جهـان به رابطه مردم بـا پیامبران الهی برمی گردد که مردم با مراجعه به آنها درصـدد بودنـد برای رسـیدن به اهـدافشان (مادی و معنوی)، بهترین و سـریع ترین راه را پیـدا کنند. انسان های عاقل هیچ گاه جاهلان را الگوی خود قرار نمی دهند و اگر انبیای الهی نبودند، هیچ وقت بشر، خیر را از شر تشخیص نمی داد.

همچنیـن از خطبه ۱۶۰ نهـج البلاـغه درمی یابیم که اگر الگوها نباشـند، بشـر راه ها را گم می کنـد و جامعه انسانی دچار هرج ومرج و بی نظمی می شود. حضرت علی علیه السلام در ضرورت الگو پذیری از انبیای الهی علیهم السلام می فرماید:

۱- علی کریمیان، اسوه حسنه، ص ۱۶.

برای تو کافی است که از راه و رسم زندگی پیامبر اسلام اطاعت کنی، تا راهنمای خوبی برای تو در شناخت بدی ها و عیب های دنیا و رسوایی ها و زشتی های آن باشد. (۱)

پیروی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سبب می شود خوبی ها از بدی ها در دنیا مشخص شود و انسان ها راه خطا را نپیمایند.

خدای بزرگ، الگوهای متفاوت و زیادی در اختیار بشر قرار داده است؛ زیرا بشر برای رسیدن به کمال و سعادت به همه این الگوها نیازمند است. اگر از آنها پیروی کند، سعادتمند می شود و اگر تخلف کند، بدبخت خواهد شد. در حقیقت، تمامی الگوهای بشری که خدای متعال فرستاده است، در خدمت بشر هستند تا او به کمال مطلوب برسد. حضرت علی علیه السلام در خطبه ۱۴۳ نهج البلاغه می فرماید:

برکت آسمان و زمین به شما نه از روی دل سوزی یا برای نزدیک شدن به شماست و نه به امید خیری که از شما دارند، بلکه آن دو، مأمور رساندن منافع شما هستند و اوامر خدا را اطاعت می کردند. به آنها دستور داده شد که برای مصالح شما قیام کنند. (۲)

در این سخن، از دو مورد از وسایلی نام برده شده که برای مصالح بشریت در نظر گرفته شده است. این دو موهبت یعنی آسمان و زمین، بیشتر مصالح مادی بشر را تأمین می کنند. خدای متعال با فرستادن پیامبران خود، ضرورت الگوپذیری را برای بشر تکمیل کرد تا هم راه پیمودن در زمین و آنچه را در آن هست، به انسان بشناسانند و هم راه رسیدن به آسمان ها و درنوردیدن آنها را. خدای بزرگ، الگوها و معیارهای متعددی را

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰، ص ۲۹۹.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۴۳، ص۲۶۳.

به وسیله پیامبرانش برای بشر فرستاده است تا به انسان ها بگوینـد چه بخورند، چگونه بخوابند، چه بنوشـند و چه بکنند. حتی قرآن، آوردن برخی صنعت های بشری را به بعضی از پیامبران نسبت می دهد و به این ترتیب درمی یابیم که پیامبران الگوهای مادی و معنوی را برای زندگی بشر آورده اند.

وجود پیامبران برای خدای بزرگ چنان اهمیت دارد که در بین هزاران الگوی مادی و معنوی، تنها وجود پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و حضـرت ابراهیم علیه السـلام را به عنوان الگو و نمونه معرفی می کنـد و می فرمایـد: «لقد کانَ لَکُم فی رسول اللّه اُسوَهٌ حَسَنَهٌ؛ مـا برای شـما در وجود پیامبر، الگویی نیکو قرار دادیم.» (۱) معنـای کلمه اسوه در آیه، همـان نمونه و الگو است؛ یعنی اگر می خواهید الگویی پویا و زنده داشته باشید، باید به آن حضرت صلی الله علیه و آله مراجعه کنید. آنچه او ترسیم می کند، الگویِ الگوها و الگوی درست در عالم هستی است و آنچه او طرد می کند، الگوهای ناصـحیح هسـتند. در حقیقت، اگر بشـر راه صـحیح پیروی از پیامبران الهی را بپیمایـد، دچار الگوهای غلط و خطا نمی شود. انسان ها چون در پذیرش و پیروی از الگوهای پیامبران الهی، به خطا رفتند، به دشواری ها دچار شدند.

می توان پرسـید: چرا باید در پی الگویی مثل پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله باشـیم؟ حضرت علی علیه السلام که خود، دنباله رو واقعی آن حضرت بود، به این پرسش چنین پاسخ می دهد:

به پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله که پـاک و پاکیزه است، اقتـدا کن؛ که راه و رسم او، الگویی برای الگوطلبان و مایه فخر و بزرگی است برای کسی که خواهان

۱- احزاب: ۲۱؛ ممتحنه: ۴.

بزرگی باشـد و محبوب ترین آدم نزد خـدا، کسـی است که از پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله پیروی می کنـد و بر جایگاه او گام می نهـد. در زنـدگانی او، نشانه هایی است که تو را به زشتی ها و عیب های دنیا راهنمایی می کنـد. هر پیروی کننـده ای بایـد از پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله پیروی کنـد و به دنبـال او راه برود و قـدم بر جای او بگـذارد و گرنه از هلاکت، ایمن نیست؛ زیرا آن حضـرت، نشانه قیامت، مژده دهنـده بهشت و ترساننـده جهنم بود و با شـکمی گرسـنه از دنیا رفت و با سـلامت جسم و جان وارد آخرت شد و کاخ های مجلل نساخت تا جهان را ترک گفت. (۱)

در این فراز از خطبه نهـج البلاـغه، نکته هـای فراوانی نهفته است که تنهـا به برخی از آنهـا اشـاره می کنیم. به تنـاسب موضوع بحث، اولین صـفتی که امام علی علیه السـلام برای پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله ذکر می کنـد، پاک و پاکیزه بودن او؛ یعنی طهارت جسمی و روحی آن حضرت است. پس شرط الگو بودن این است که او پاک و پاکیزه باشد. در حقیقت، این سخن به معنای اصـلاح است؛ یعنی الگویی ارزشـمند که اصـلاح شده باشد. این معنا را از کلمه حسـنه در قرآن نیز می فهمیم. اصـلاح، آراسـتن و نیکو کردن است. الگو بایـد آراسـته و نیکو باشـد، وگرنه الگوی درستی نخواهد بود. اگر الگو اصـلاح شده نباشد، کامل نیست و نقصان دارد و هرچه نقصان داشـته باشد، طبع بشر از پذیرش آن سر باز می زند. پیامبران الهی نیز از نظر ظاهری و جسـمی نقصان نداشتند. به یقین، اگر آنان در بالاترین درجه اصلاح نبودند، انسان ها در الگوپذیری از آنها دچار تردید می شدند و آنها را نمی پذیرفتند.

پیامبر گرامی اسـلام در حـدیثی می فرمایـد: «همه فرزندان آدم، خطاکارند و بهترین خطاکاران، توبه کنندگان هسـتند.» (۲) از سیاق این روایت، ضرورت بحث

۱- نهج البلاغه دشتی، خطبه ۱۶۰، ص۳۰۱.

۲- خلاصه نهج الفصاحه، ص ۱۲۸.

اصلاح را درک می کنیم تا انسان های خطاکار که راه غلط رفته اند، این خطا را اصلاح کنند. مدل اصلاحی یادشده نیز توبه است. از این حدیث به خطاکاری بشر به جز معصومین علیهم السلام و وجود ضرورت اصلاح در بشر پی می بریم.

الگوهای اصلاحی که پیامبران آورده اند، در زندگی بشر نقش تعیین کننده ای دارند. اگر اصلاحی در میان نبود، جوامع بشری پویایی و تحرک لازم را نداشتند و رسیدن به کمال و سعادت هم بی معنا بود. آدم خطاکار با حرکت در مسیر اصلاح می تواند به کمال و سعادت برسد؛ همان حقیقتی که پیامبران برای آن آمدند؛ یعنی اتصال خلایق به خالق.

بشر در بحث اصلاح آن قدر پیشرفت کرده است که اصلاح را به همه عرصه های فردی و اجتماعی کشانده است. برای مثال، اگر در گفتار فردی خویش نسبت به کسی، کلمه ای را اشتباهی بگوید، فوری با کلمه «ببخشید» آن را اصلاح می کند. در حقیقت، انسان، اصلاح را به عنوان اصل مهم در زندگی خود پذیرفته است.

برای اینکه رابطه اصلاح و الگو بهتر مشخص شود، باید به این پرسش پاسخ داد که آیا اصلاح، الگو و مدلی دارد یا نه؟ اگر مدلی دارد، چه کسانی این مدل را مشخص می کنند؟ تمامی اصلاحات، منطبق بر مدل و الگو هستند. در غیر این صورت، اگر مدلی وجود نداشته باشد، هدفی در کار نیست و اگر هدفی در کار نباشد، هرج و مرج پدید خواهد آمد. گزارش های تاریخی فراوانی وجود دارد که همه کارهای اصلاحی در طول تاریخ منطبق بر الگو بوده است. حتی ملت های گذشته در مبادلات تجاری خود توانسته-اند فرهنگ های مختلف و اصلاح شده را در زمینه های مختلف

کسب کنند و بر اساس آنها به اصلاحات فردی و اجتماعی بپردازند. برای پاسخ دادن به قسمت دوم پرسش باید گفت مدل ها را کارشناسان هر رشته مشخص می کنند. پیامبران الهی علیهم السلام نیز اولین کارشناسان واقعی جهان بودند که الگوهای فراوانی را برای هدایت بشر از ناحیه خدای بزرگ آوردند. از آنچه گفته شد، نتیجه می گیریم که اصلاح منطبق بر الگو است؛ یعنی تا الگویی نباشد، اصلاحی نیز وجود نخواهد داشت.

بخش سوم این نظریه به این موضوع اشاره می کند که انسان مصرف گرا باید از چه الگویی پیروی کند؟ آدمی، مصرف گراست؛ چون نیازمند است. به تعبیر قرآن مجید:

یَا أَیُّهَا النَّاسُ أَنتُمُ الْفُقَرَاء إِلَی اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِیُّ الْحَمِیدُ. (فاطر: ۱۵)

ای انسان ها، شما همه فقیر و محتاجید به خدای بزرگ و فقط اوست که بی نیاز است.

استفاده صحیح در بعد مصرف، وابسته به نگرش انسان و مربوط به هدایت او است. چون انسان ها محتاج هستند، در راهنمایی شدن هم محتاجند و باید سراغ راهنمایان واقعی بروند؛ همان ها که الگوهای حقیقی هدایتند. انسان ها باید از آموز ه های این الگوها بهره بجویند تا در مسیر زندگی مصرفی خویش اعم از مادی ومعنوی دچار گمراهی و انحطاط نشوند. «در حقیقت، انسان دارای فقر وجودی است]و[از حیث روح و بدن (از حیث وجود و تمام شئون وجودی)، محتاج خداوند بزرگ است.» (۱) برای پیدا کردن الگوی صحیح مصرف، به آموز ه های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رجوع می کنیم و از دستورهای دو میراث گران بهای او؛ یعنی قرآن و اهل بیت علیهم السلام

۱- اسوه حسنه، ص ۳۱.

مدد می جوییم تا مبانی مصرف گرایی را در جامعه بر اساس معیارهای دینی منطبق سازیم.

در ادامه، به این بحث اشاره می کنیم که رسانه ملی چگونه می تواند الگوسازی کند؟ بر اساس «رویکرد رفتار گرایانه (کارکردگرا)، نیازها، انگیزه ها و شرایط پیرامونی افراد، عامل مهمی است که می تواند به این سؤال پاسخ دهد. در حقیقت، نیازهای افراد و انگیزهای آنها، عاملی است برای سمت و سو پیدا کردن به رسانه و از طرف مقابل، دلیلی است برای اینکه رسانه نیازهای مخاطبانش را بشناسد و به سمت آنها حرکت کند. مخاطب به دلیل نیازی که در خویش احساس می کند، به سمت استفاده از رسانه می رود. به عنوان مثال، برای تفریح و سرگرمی، پر کردن اوقات فراغت و کسب اطلاعات... رسانه [هم] به طور قطع بر مخاطب خویش تأثیرگذار خواهد بود؛ چه تأثیر محدود یا قوی. در حقیقت، این نیازهای آدمی است که او را به سمت مصرف گرایی سوق می دهد. استفاده از رسانه هم نوعی مصرف-گرایی است. با توجه به نظریه سلطه جویی رسانه ها که معتقدند رسانه ها تأثیر قوی و همگانی بر مخاطبان دارند، رسانه ها، وسیله ای در دست طبقه مسلط بر جامعه و عاملی در جهت خدمت به آنهاست و نقش رسانه های همگانی، انتشار ایدئولوژی حاکم در جامعه است». (۱)

حکومت کشور ایران، جمهوری اسلامی است و بر اساس اصل دوم قانون اساسی، حاکمیت، مختص خداست و شریعت او و تسلیم در برابر اوامر او. رسانه ملی نیز وظیفه دارد دستورهای الهی و دینی را منتشر کند

۱- مک کوایل، مخاطب شناسی، ص ۹۹.

که یکی از این دستورهای دینی، اصلاح الگوی مصرف همگانی است. رسانه ملی در امر دین باید به طور کلی سه وظیفه را انجام دهد:

۱. فرآیند معنابخشی به امور «مقدس و نامقدس» برای مشخص شدن حوزه عملکرد و فعالیت رسانه؛

۲. تواناسازی هنرمندان، بازیگران و چهره های معروف رسانه ای برای تدوین و تنظیم شیوه های تفهیم امور مقدس و صورت بندی آن در قالب نمادهای نمایش و تصویر؛

۳. خلق متن و تأمل کردن درباره متن برای دست یابی به مهم ترین تعبیر و معنا در قالب نوعی «کلام الهی» و حفظ این معنی برای نسل های آینده. (۱)

در حقیقت، اگر رسانه این سه وظیفه را در امور دینی و مباحث مربوط به آن به طور صحیح و دقیق انجام دهد، بسیاری از الگوهای اجتماعی که رسانه می آفریند و به مخاطب القا می کند، اصلاح خواهند شد. محدوده امور دینی از امور غیردینی باید مشخص شود و محدوده فعالیت رسانه را در این زمینه باید بر پایه اساس نامه، چشم اندازها و افق ها مشخص کرد. نکته دیگر این است هنرمندان رسانه ملی باید توانایی های دینی قابل توجهی داشته باشند یا اینکه خود، دین دارانی باشند که وارد عرصه هنر و هنرمندی شده باشند. دیگر اینکه خلق متن های دینی با تکیه بر منابع الهی و آسمانی در قالب های هنری، یکی از وظایف مهم رسانه ملی است. برای مثال، کسانی می توانند متن های دینی خلق کنند که خود، دین دار و به دین، متعهد باشند.

۱- نک: استوارت هوور و نات لاند بای، بازاندیشی درباره رسانه، دین و فرهنگ، ترجمه: مسعود آریایی نیا، ص۶۹.

فصل پنجم: نگاه قرآن و احادیث به مصرف گرایی

۱. شرایط مصرف

اشاره

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان فرموده است:

کلمه «کُلوا» که خداوند در موارد متعددی در قرآن به کار برده است، به معنی مطلق تصرف می باشد، نه فقط صرف خوردن و منظور از کلمه اکل (خوردن)، بهره برداری و تصرف از جمیع وجوه می باشد و این نوع استعمال شایع و متداول است. (۱)

خداوند متعال برای تصرف در نعمت های خود و آنچه قابلیت تصرف دارد، شرایطی بیان کرده است که اکنون برشماریم:

الف) مصرف همراه با نام خدا

فَکُلُواْ مِمَّا أَمْسَکْنَ عَلَیْکُمْ وَاذْکُرُواْ اسْمَ اللّهِ عَلَیْهِ. (مائده: ۴)

پس بخورید از آنچه (این حیوانات شکاری) برای شما نگاه می دارند (صید می کنند) و نام خدا را بر آن ببرید.

یعنی خوردن همه خوردنی های حلال را با نام او آغاز کنید.

ب) مصرف همراه با تقوا

وَکُلُواْ مِمَّا رَزَقَکُمُ اللّهُ حَلاَلاً طَیِّبًا وَاتَّقُواْ اللّهَ. (مائده: ۸۸)

۱- سید محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۵، ص ۳۵.

از آنچه خداوند به صورت حلال و پاکیزه روزی شما کرده است، بخورید و تقوای خدا را پیشه کنید.

در حقیقت، اگر آدمی تقوا داشته باشد، گمراه نخواهد شد و زیاده تر از حد معمول استفاده نخواهد کرد. در مقابل، آدم بی تقوا هرچه دلش بخواهد، استفاده می کند و این کار، در قیامت، برای او وزر و وبال خواهد شد.

ج) مصرف همراه با عمل صالح

کُلُوا مِنَ الطَّیِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا. (مؤمنون: ۵۱)

از چیزهای پاکیزه بخورید و عمل صالح انجام دهید.

کسی اعمال صالح انجام می دهد که خوردنی های پاک بخورد و اگر خوردنی های ناپاک را بخورد، عمل صالح انجام نمی دهد. در حقیقت، بین خوردن غذاهای پاک و عمل صالح، ارتباط وجود دارد.

د) مصرف همراه با شکر

کُلُواْ مِن طَیِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاکُمْ وَاشْکُرُواْ لِلّهِ. (بقره: ۱۷۲)

از چیزهای پاکیزه ای که نصیب و روزی شما کردیم، بخورید و شکر خدا را به جا آورید.

لازمه این همه روزی که خدای متعال به ما داده، شکرگزاری است؛ زیرا آدم شکرگزار همیشه به یاد خداست و دقت می کند که بجا و اندازه مصرف کند. وی می داند استفاده نابجا، مصداق اسراف است و شکرگزاری نکردن یکی از کارهای نابجا است.

ه_) مصرف همراه با ادای حقوق

کُلُواْ مِن ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُواْ حَقَّهُ یَوْمَ حَصَادِهِ وَلاَ تُسْرِفُواْ. (انعام: ۱۴۱)

از میوه آن هنگامی که ثمر داشت، بخورید و حق آن را روز بهره برداری از آن بدهید و زیاده روی نکنید.

ایفای حق از مصداق های مصرف صحیح است. در غیر این صورت، از مصداق اسراف است؛ چون احتمال افراط و تفریط در آن می رود.

و) مصرف همراه با آمرزش خواهی

فَكُلُواْ مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَداً وَادْخُلُواْ الْبَابَ سُجَّداً وَقُولُواْ حِطَّةٌ نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ. (بقره: ۵۸)

از نعمت های فراوان آن، از هرجا می خواهید، بخورید و از در (بیت المقدس) با خضوع و خشوع وارد شوید و بگویید خداوندا، گناهان ما را بریز تا خطای شما را ببخشیم و به نیکوکاران پاداش بیشتری خواهیم داد.

به پاس دادن این همه نعمت از ناحیه خدای بزرگ، از او آمرزش بخواهید؛ چون انسان هر چند هم شکرگزار باشد، نمی تواند حق الهی را ادا کند و در این امر دچار نقصان است و برای رفع این نقصان ها باید از او آمرزش بخواهد.

ز) مصرف همراه با اطعام فقیر

فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ. (حج: ۲۸)

پس از (گوشت) آنها بخورید و مستمندان قانع و فقیران را نیز اطعام دهید.

به تنهایی غذا خوردن، مکروه است. بهتر است همیشه کسی همراه انسان سر سفره باشد و چه بهتر که این آدم، مستمند و فقیر باشد. در حقیقت، این سخن، نوعی سفارش به هم نشینی با فقیران است و ادای حق آنها؛ چون اگر آدمی حق فقیران را ادا نکند، علاوه بر مدیون شدن، احتمال دارد آن اموال را در راه نادرست مصرف کند و کارش به اسراف بینجامد.

ح) مصرف بدون فساد و سرکشی

كُلُواْ وَاشْرَبُواْ مِن رِّزْقِ اللَّهِ وَلاَ تَعْثَوْاْ فِی الأَرْضِ مُفْسِدِينَ. (بقره: ۶۰)

اُز روزی های الهی بخورید و بیاشامید و در زمین فساد نکنید.

مسرف، مفسد است. بخورید و بیاشامید، ولی اسراف و فساد نکنید.

ط) مصرف بدون پیروی از شیطان

کُلُواْ مِمَّا فِي الأَرْضِ حَلاَلاً طَيِّباً وَلاَ تَتَّبِعُواْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ. (بقره: ۱۶۸)

از آنچه در زمین، حلال و پاکیزه است، بخورید و از گام های شیطان پیروی نکنید.

نعمت ها را خدای بزرگ می دهد. پس شایسته است آدمی همیشه نان و نمک کسی را بخورد، ولی از کس دیگری پیروی کند. این روش بین ارباب و رعیت، پسندیده نیست و موجب خشم الهی نیز خواهد شد.

ی) مصرف بدون طغیان

كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ. (طه: ۸۱)

از این رزق پاکیزه که نصیبتان کردیم، بخورید و در آن سرکشی مکنید.

انسان در هر چیزی زیاده روی کند، سبب طغیان او می شود و برای اینکه در اثر خوردن و آشامیدن بی رویه دچار طغیان نشود، باید متعادل استفاده کند و اسراف نکند.

ک) مصرف بدون اسراف

وكُلُواْ وَاشْرَبُواْ وَلاَ تُسْرِفُواْ. (اعراف: ۳۱)

بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید.

یعنی متعادل باشید و کم و زیاد مصرف نکنید.

۲. انواع مصرف

اشاره

با نگاهی به قرآن می توان مصرف را به سه دسته تقسیم کرد: واجب، حارم و مستحبّط.

الف) مصارف واجب

اشاره

واجب است اموال انسـان در این موارد به انـدازه خرج شونـد و اضافه بر انـدازه، اسـراف و حرام است. کمتر از حـد معمول هم اقتـار (بخل) است که جزو صـفات مؤمنان نیست. مخارج این پنـج دسـته از مصارف مصـرف بر اهلش واجب است. البته ما در تمـام احصـای مصارف واجبه به این پنـج دسـته نیستیم و فقط آنچه را در قرآن ذکر شـده است، بیان می کنیم چه بسا مصارف واجب دیگری هم باشد که در قرآن ذکر نشده است:

یک ـ نفقه

اول ـ نفقه همسر که بر عهده شوهر اوست؛

دوم ـ نفقه مملوک که بر عهده مالک اوست؛

سوم ـ نفقه فرزند که بر عهده پدر اوست؛

چهارم ـ نفقه والدین که بر عهده فرزند است (اگر والدین در تنگنا باشند)؛

پنجم ـ نفقه زن مطلقه در ایام عِدّه که بر عهده شوهر اوست که طلاقش داده است.

دو ـ کفاره

پرداخت کفاره وقتی واجب می شود که انسان کاری خلاف دسـتور شـرعی انجام داده باشد. در صورت سر نزدن خطا، کفاره واجب نمی شود. میزان و مقدار کفاره در شـرع معیّن شده است. اکنون انواع کفاره را برمی شماریم. البته کفّاره را هم محدود به این اقسام نیستند، ولی آنچه در قرآن ذکر شده اند، عبارتند از:

اول ـ قسم: اگر کسی قسم دروغ به خدای متعال بخورد، باید کفاره قسم بدهد.

دوم ــ قتل خطایی: اگر کسی را اشتباهی بکشد، باید دیه او را به عنوان کفاره بپردازد.

سوم ــ حلق: اگر کسی در موسم حج باشد و وظیفه او حلق (تراشیدن سر از ته) باشد و انجام ندهد، باید کفاره بپردازد.

چهارم ــ صید در حال احرام: اگر کسی در حال احرام، صید کند، باید کفاره بپردازد.

پنجم ــ ظهار: اگر کسی به همسرش بگوید پشت (کمر) تو مثل کمر مادر من است، «ظهار» است و زن بر او حرام می شود و باید کفاره بپردازد تا زنش بر او حلال گردد.

سه ــ خمس

اگر اموال انسان به حدّ معیّنی در سال برسد و اضافه بر خرج زندگی باشد یا سودی باشد که به انسان تعلق گرفته، خمس آن واجب است.

چهار ــ زکات

زکاتی که در قرآن به کار برده شده، به دو دسته واجب و مستحب تقسیم می شود. زکات واجب در نه چیز بر انسان واجب می شود که هرگاه به حد نصاب خود رسیدند، بایستی مقدار معیّنی از آنها را که در هر کدام مختلف است، به عنوان زکات پرداخت کنند. مثلاً اگر انسان چارپایانی مثل گوسفند، شتر، گاو و برخی محصولات مثل گندم و جو داشته باشد، با داشتن شرایط حدّ نصاب، زکات بر او واجب می شود.

پنج ــ قربانی

اگر کسی روز دهم ماه ذی الحجه در صحرای منا باشد و حاجی نیز باشد، قربانی بر او واجب می شود.

ب) مصارف مستحب

اگر کسی در مصارف مستحب، جانب اعتدال را نگه ندارد، دچار اسراف خواهد شد. اسراف بیشتر در همین مصرف های مستحب است؛ زیرا مقدار امور واجب، مشخص و معیّن است. البته گاهی، انسان های مؤمن اموالشان را در راه خیر مصرف نمی کنند که کارشان، از مصداق های بخل محسوب می شود.

یک _ انفاق: بخشش درراه خدای متعال؛

دو _ صدقه: صدقات مختلف مالی و معنوی؛

سه _ خیرات: مطلق هر امر خیر مستحبی؛

چهار _ زکات مستحب: مثل اضافه کردن مقداری بیشتر بر اصل زکات هنگام دادن زکات فطره ای که واجب است.

ج) مصارف حرام

یک _ دسته ای که فقط در شرایط خاصی حرامند:

اول _ خوردن و آشامیدن روزه دار؛

دوم _ صید در حال احرام؛

سوم _ پوشیدن برخی لباس ها در حال احرام.

دو _ دسته ای از آنها که همیشه حرام هستند:

اول _ اسراف

دوم _ تبذیر

سوم _ تقتیر

چهارم _ اتراف

پنجم _ أکل مال بالباطل

ششم _ رشوه

هفتم _ ربا

ص:۶۲

نهم ــ مردار

دهم ــ گوشت خوک

یازدهم ــ شراب

دوازدهم ــ قمار

سیزدهم ــ بخل

چهاردهم ــ حیوان غیر مذکی

۳. اسراف در قرآن

الف) واژه «اسراف» در قرآن

واژه «اسراف» و مشتقات آن، مکرر در قرآن به کار رفته است. در **۲۳** مورد، لفظ «اسراف» آمده که در هر مورد، مفهومی ویژه دارد. در بسیاری از موارد، مقصود از اسراف، جنبه های اخلاقی و عقیدتی و تجاوز از حدود الهی است و تنها در چهار مورد، شامل جنبه مالی می شود که همراه با دو آیه «تبذیر»، شش آیه می شود. در حقیقت، آنچه در قرآن آمده است، معنایی عام دارد که همه جنبه های مادی و معنوی را دربرمی گیرد.

ب) دسته بندی آیات اسراف

یک ــ اسراف در مال

آنچه در این آیات، نهی شده، اسراف در اموال است که انسان مجاز نیست اموال خود را بیهوده مصرف کند. از مفاد آیه فهمیده می شود اسرافی که خداوند متعال، ما را از آن نهی کرده، نهی از اسراف در اموال حلال است؛ زیرا انفاق مال حرام هرگز جایز نیست، هرچند به مقدار ذره ای؛ چون در ملکیت انسان قرار نگرفته است. نکته دیگر این است که صرف ملکیت بر اموال، مجوّزی برای اسراف کردن نیست. آیات قرآن به طور صریح یا

ضمنی، به این قضیه اشاره می کنند. این آیات عبارتند از: ۱۴۱ انعام، ۳۱ اعراف، ۶۷ فرقان، ۲۹ اسراء، ۶ نساء.

يَا بَنِي آدَمَ خُذُواْ زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وكُلُواْ وَاشْرَبُواْ وَلاَ تُسْرِفُواْ إِنَّهُ لاَ يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ . (اعراف: ۳۱)

در ذیل این آیه، تفسیری از امام صادق علیه السلام آمده به این مضمون:

آیا چنین پنداشته ای که خداوند به هر کس چیزی عطا فرموده و نعمتی داده، به دلیل بزرگواری اش است و کسی را که محروم ساخته، به علت خواری اش است؟ هرگز، بلکه مال، مال خداست و آن را نزد افراد به امانت سپرده و اجازه داده است با اعتدال و میانه روی از آن بخورند، بنوشند، ازدواج کنند و وسیله سواری تهیه کنند. مازاد آن را نیز به نیازمندان جامعه باایمان برگردانند تا نابسامانی ها برطرف گردد. تنها در این صورت است که آنچه را در راه خوردن، نوشیدن، سواری و ازدواج مصرف می کند، حلال است و در غیر این صورت، آن مال بر وی حرام خواهد بود. (۱)

از این آیه ها، این مفاهیم برداشت می شود:

۱. دوری گزینی از اسراف در خوردنی ها؛

۲. دوری گزینی از اسراف در خوردنی ها و آشامیدنی ها؛

۳. دوری گزینی از اسراف در اموال یتیمان (یعنی از روی زیاده روی، اموال آنان را که در اختیار شماست، خرج نکنید)؛

۴. دوری گزینی از انفاق بیش از حد در اموال؛

۵. رعایت اعتدال در انفاق.

در این آیه ها، چهار نهی از اسراف در اموال آمده و یک توصیه به اعتدال ذکر شده است.

۱- عبدالکریم بی آزار شیرازی، رساله نوین اقتصادی امام خمینی (ره)، ص۴۱؛ به نقل از: تفسیر عیاشی، ج ۲، ص۸۷.

دو _ اسراف در رفتار

اشاره

آیاتی هم در قرآن وجود دارنـد که خداونـد در آنها، کسانی را که در رفتار زیاده روی کرده اند، مسـرف خوانده است، مانند اسراف در قتل و اسراف در شهوت. از این آیات فهمیده می شود عملی که از حدّ خویش تجاوز کند، اسراف است.

۱. قصاص بیش از اندازه در قتل

اگر قاتلی، کسـی را کشت و خانواده مقتول بر آنها مسلط شد، فقط همان قاتل مجازات خواهد شد، نه بیشتر. خداوند در قرآن می فرماید: «فَلَا یُسْرِف فِی الْقَتْلِ...؛ در قتل اسراف نکنید». (اسرا: ۳۳)

۲. استفاده نادرست از اعضای تناسلی

إِنَّکُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّن دُونِ النِّسَاء بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ. (اعراف: ۸۱)

همانـا شـما(قوم لوط) ازروی شـهوت به سـمت مردان میرویـد به جـای اینکه به زنـان روی آوریـد و شـما گروه اسـراف کاری هستید.

امام صادق علیه السلام به مفضل بن عمر فرمود:

ای مفضل، بنگر که چگونه خدای سـبحان در مرد و زن، آلت مجامعت آفرید؛ همه در صورتی شایسـته. برای مرد، آلتی بلند و کشیده قرار داد تا به قعر رحم برسد و بتواند نطفه اش را در آن بریزد. برای زن نیز ظرف گودی آفرید تا هر دو آب را یک جا گرد آورد و فرزنـد را جای دهـد و به تناسب رشـد او گشاده شود تا او اسـتحکام یابـد. آیا این از تدبیر حکیم و لطیف نیست؟ منزه است خدای سبحان از شرک مشرکان. (۱)

۱- توحید مفضل، شگفتی های آفرینش از زبان امام صادق علیه السلام، ترجمه: نجف علی میرزایی، ص ۵۲.

از آیه بالا فهمیده می شود هرگونه استفاده غیر از مورد بالا در اعضای تناسلی، از مصداق های اسراف در شهوت است.

۴. اسراف در روایات

الف) نشانه های اسراف کار

امام صادق علیه السلام فرمود:

لِلْمُسْرِفِ ثَلاثُ عَلاماتٍ يَشْتری مَا لَيْسَ لَهُ وَيَلْبِسُ مَا لَيْسَ لَهُ وَ يَأْكُلُ ما لَيْسَ لَهُ. (۱)

اسراف کار سه نشانه دارد: آنچه را برای او نیست، می خرد و آنچه را برای او نیست، می پوشد و آنچه را متعلق به او نیست، می خورد.

اسراف کار مؤمن نیست؛ چون اسراف، افساد است و فساد با ایمان سازگاری ندارد. حضرت علی علیه السلام برای انسان مؤمن در مقوله اسراف (مالی و گفتاری) سه صفت نقل می کند به این صورت که «مؤمن بخشش می کند بدون اسراف و جز سخن درست نمی گوید و جز لباس اقتصاد نمی پوشد»؛ یعنی مؤمن، در همه احوال، چه مادی و چه معنوی میانه-روست. (۲)

ب) مصداق های اسراف

اشاره

یکی از شیوه های معصومین علیهم السلام برای هدایت انسان ها، ذکر مصداق است. آنان با گفتن حکم کلی افعال مکلفین، برای روشن تر شدن راه، مصداق های آن احکام را نیز بیان می فرمودند که به تعدادی از آنها اشاره خواهیم کرد:

۱- میزان الحکمه، ج۴، ص ۴۴۶ .

۲- اصول کافی، ج۳، ص ۳۲۲.

یک _ اسراف در آب وضو

امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند فرشته ای دارد که اسراف در وضو را همانند دیگر گناهان می نویسد». (۱)

دو_ اسراف در بیت المال

وقتی طلحه و زبیر برای کار شخصی در مرکز بیت المال با حضرت علی علیه السلام ملاقات کردند، آن حضرت چراغ بیت المال را خاموش کرد و فرمود که چراغی از خانه بیاورند. بعد فرمود: «روغن این چراغ از بیت المال بود، سزاوار نبود در نورش با شما صحبت کنم». (۲)

سه _ اسراف در هسته خرما

بشر بن مروان می گوید: نزد امام صادق علیه السلام رفتیم. امام دستور داد خرما آوردند. یکی از حاضران پس از خوردن خرما، هسته آن را پرتاب کرد. امام دست او را گرفت و فرمود: «چنین مکن که این کار، تبذیر است و خداوند فساد را دوست ندارد». (۳)

چهار_ اسراف در نان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور می داد اندازه نان را کوچک بگیرند تا ضایعات آن کمتر باشد. (۴)

پنج _ اسراف در لباس

اسحاق بن عمار می گوید: به امام کاظم علیه السلام عرض کردم: مردی ده پیراهن دارد. آیا این از اسراف است؟ فرمود: نه، بلکه این تعدد موجب دوام بیشتر

۱- علی محمد حیدری نراقی، اسراف از دیدگاه دین و دانش، ص ۱۸.

۲- محمد محمدی ری شهری، سیاست نامه امام علی علیه السلام، ص ۴۴۵.

۳- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۸.

۴- محمدعلی انصاری، دراسه حول الاسراف فی الکتاب و السنه، ص ۱۶۳.

لباس می شود، ولی اسراف در لباس این است که جامه عز و آبرو را در محل پلید بپوشی و آن را آلوده کنی. (۱)

شش _ اسراف در عبادت

حضرت علی علیه السلام در وصیت خود به فرزندش، امام حسن علیه السلام فرمود:

پسرم، در معیشت خود میانه رو باش، در عبادتت میانه روی کن. و بر تو باد استمرار در کار به اندازه ای که توان داری. (۲)

هفت _ اسراف در چراغ

حضرت علی علیه السلام:

چراغی که در نور خورشید روشن کنی، اسراف است؛ چون روغن چراغ مصرف می شود، ولی از نور آن بهره ای برده نمی شود. (۳)

هشت _ اسراف در نوشتن

حضرت علی علیه السلام به برخی از کارگزاران خویش نوشت:

نوک قلم هایتان را تیز کنید و سطرهای خود را به هم نزدیک کنید و حرف های زاید را حذف کنید و مطلب اساسی را بنویسید و از زیاد نوشتن برحذر باشید. همانا اموال مسلمانان تحمل ضرر رساندن را ندارد. (۴)

نه _ اسراف در شنیدن

وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ. (قصص: ۵۵)

و هنگامی که سخن بیهوده و لغو می شنوند، از آن روی بر می گردانند.

ده _ اسراف در انفاق

وَالَّذِينَ إِذَا أَنفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا. (فرقان: ۶۷)

۱- مکارم الاخلاق، چاپ سنگی، ص ۵۲ .

۲- بحارالانوار، ج ۴۲، ص ۲۰۳.

۳- بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۴۷.

۴- خصال مترجم، ص ۸۷۲.

مؤمنان کسانی هستند که هرگاه انفاق می کننـد، نه زیاده روی و افراط می کننـد و نه بخل می ورزند و تفریط می کنند، بلکه راه متعادل و میانه ای بین این دو در پیش می گیرند.

یازده ـ اسراف در مرکب

امام صادق علیه السلام فرمود:

خداونـد اجازه داده است که مردم در حـد اعتدال از مرکب اسـتفاده کنند. آیا چنین می پنداری که خداوند مالی را نزد مردی امانت می نهد و آنگاه به او اجازه می دهد تا اسبی به ده هزار درهم بخرد، درحالی که اسبی به بیست درهم برای او کافی بود، مگر نه آنکه خداوند فرمود: اسراف نکنید که خداوند اسراف کاران را دوست ندارد. (۱)

دوازده ـ اسراف در خوردن وآشامیدن

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله:

بپرهیزید از پرخوری که قساوت قلب می آورد و بدن را از عبادت باز می دارد و گوش جان را از شـنیدن موعظه کر می سازد. (۲)

سیزده ـ اسراف در برپایی مجالس

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله:

ولیمه دادن در روز اول، حق و به جاست و در روز دوم، خوب است و بیش از آن، ریاکاری و خودنمایی است. (۳)

چهارده ـ اسراف در مسکن

امام صادق علیه السلام فرمود: «هر بنایی که به اندازه کفاف نباشد، وزر و وبال به گردن صاحبش است». (۴)

پانزده ـ اسراف در خوابیدن

۱- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۳؛ اعراف: ۳۱.

۲- الحیاه، ج ۴، ص ۳۳۰.

۳- المحاسن، ج ۲، ص ۶۱۸.

۴- مکارم الاخلاق، ص ۱۲۸.

امام صادق علیه السلام فرمود: «پرخوابی سبب از دست رفتن دین و دنیاست». (۱)

شانزده _ اسراف در راه رفتن

در راه رفتن خود میانه رو باش: «واقصد فی مشیکَ». (۲)

هفده _ اسراف در بستر و فراش

جابر بن عبدالله انصاری گوید که پیامبر خدا درباره بستر سخن می گفت و فرمود: بستری برای مرد و بستری برای زن و بستری برای مهمان و بستر چهارم از آن شیطان خواهد بود. این سخن به معنای نهی از داشتن رخت خواب اضافی است. (۳)

هجده _ اسراف در کلام (گفتار)

اسراف در گفتار سبب گناهان زیادی می شود؛ زیرا آفت های زبان و هر سخن غیر حق و ناصوابی، از مصداق های اسراف است. اصولاً زبان برای گفتن حق و تصدیق آن و بیان سخنان صحیح آفریده شده است. مصداق های اسراف در گفتار عبارتند از: دروغ، غیبت، تهمت، مسخره کردن، سخن چینی، عیب جویی، آزار دادن، ناسزا گفتن، گمراه کردن دیگران، سرزنش کردن، فال بد زدن، مجادله کردن، غنا و چاپلوسی.

۵. معیار اسراف

اشاره

شاید نتوان ملاک و معیار معیّنی برای اسراف در نظر گرفت؛ زیرا اسراف، مفهومی است که به نسبت افراد مختلف، اجتماع های گوناگون و اوضاع مختلف، مصداق های متفاوتی می یابد. «در حقیقت، اسراف، امری است نسبی و با توجه به کمیت و کیفیت سنجیده می شود. اسراف با توجه به کمیت به این

۱- میزان الحکمه، ج ۱۳، ص ۶۵۵۰، ح ۲۰۹۲۲.

۲- لقمان: ۱۹؛ اسراء: ۳۷.

۳- الحیاه، ج ۴، ص ۲۷۸.

صورت است که فردی بیش از طاقت و شرایط متناسب خود، بخشش کند و با توجه به کیفیت این گونه است که کسی مال خود را هر چند اندک باشد، بی جا بذل کند. کیفیت در اسراف اهمیت بیشتری دارد. مثلاً انفاق یک درهم به یک زن روسپی به شرطی که این درهم، خرج باطل گردد، از مصادیق اسراف است، ولی چه بسا شخصی هزاران درهم در راه احیای دین انفاق کند که از مصادیق اسراف به شمار نمی آید. به حکیمی گفتند: معیار اسراف و انفاق چیست؟ گفت: بذل مال اندک در راه باطل عین اسراف است و بذل مال فراوان در راه حق عین اقتصاد و میانه رفتاری است». (۱)

با توجه به این مقدمه، باید به این پرسش، پاسخ داد که با چه معیاری می توان اسراف را از غیر آن تشخیص داد؟ سه نوع معیار برای این کار وجود دارد که اکنون به آنها می پردازیم.

الف) معیار شرعی

اشاره

شارع مقدس اسلام، مواردی را به طور روشن و آشکار، اسراف شمرده شده است و در حرام بودن آنها شکی وجود ندارد. اینها به شخص، مکان یا زمان خاصی اختصاص ندارد و در همه حالات، حرام هستند. این موارد عبارتند از:

یک ــ ضایع کردن اموال هرچند کم باشد، مثل دور ریختن باقی مانده غذاها، میوه ها و آب وضو و...؛

دو ــ صرف مال در آنچه به بدن ضرر می رساند، مثل برخی جراحی های غیرضروری زیبایی صورت و...؛

سه ــ صرف مال در آنچه خرید و فروش آن حرام است، مثل خریدن شراب و آلات قمار.

۱- سید محمدباقر حجتی، سه گفتار پیرامون مسائل تربیتی در اسلام، ص ۲۰۸.

روایاتی نیز داریم که بر اساس آنها در چند چیز، اسراف نیست در هر زمان و مکانی که باشد:

یک ــ حج و عمره

هر تعـداد که حـج و عمره بروی، بـا شـرایط لازم آنهـا، از مصـداق هـای اسـراف نیست. این کارها از مصـداق های افعال خیر هستند، ولی به شرط رعایت شروط آنها.

رسول الله صـلی الله علیه و آله فرمود: «... و یُبْغَضُ الاسـراف إلاّ فی حـجٍ أو عمره؛ اسـراف در غیر حج و عمره، مبغوض است». (۱)

دو ــ کار خیر

امیرالمؤمنین علی علیه السـلام فرمود: «... الاسـراف مذمومٌ فی کلّ شـیء إلاّ فی أفعال البرّ؛ ... اسـراف در هر چیزی جز کارهای نیک، پسندیده نیست». (۲)

سه ــ اصلاح و سلامتی بدن

امام صادق علیه السـلام فرمود: «آنچه در اصـلاح و سلامتی بدن مصرف می شود، اسراف نیست. اسراف در چیزهایی است که سبب تلف شدن مال و ضـرر رساندن به بدن باشد.» از امام پرسـیده شد: سـخت گیری و به تنگی زندگی کردن چگونه است؟ فرمود: «نان و نمک خوردن با اینکه قـدرت داری غذای دیگری بخوری.» عرض کردم: میانه روی و اقتصاد در زندگی چگونه به دست می آیـد؟ فرمود: «نان و گوشت و شـیر و روغن زیتون و روغن حیوانی که انسان گاهی از این بخورد و گاهی از آن.» (۳) در حقیقت، این روایت، انسان ها را به اعتدال و میانه روی سـفارش می کند که با وجود امکانات مالی، گاهی نیز غذاهای معمولی و ساده بخورند و افراط و تفریط نکنند.

۱- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۷۹ .

۲- مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۷۱.

۳- پند تاریخ، ج ۳، ص ۲۲۰.

چهار ــ بوی خوش

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود: «آنچه برای به دست آوردن بوی خوش خرج کنی، اسراف نیست.» (۱) خرید عطر یا ادکلن باید از اموال حلال باشد، نه حرام؛ زیرا استعمال بوی خوش، مستحب است، ولی خرید آن از راه نامشروع، حرام است. پس چنین کاری (خرید از راه حرام) با هدف روایت، ناسازگاری دارد. روایت می خواهد بگوید هر مقدار عطر و ادکلن بخری، اشکالی ندارد و به موارد استعمال عطر هم اشاره ندارد.

به طور کلی، معیار شرعی یکی از مهم ترین ملاک های ماست و تخطی از آنها حرمت دارد و از مصداق های اسراف شمرده می شوند.

ب) معیار عقلی

اگر در جایی حکم صریح شرعی وجود نداشت، برای تشخیص حکم آن به عقل مراجعه می کنیم. برای مثال، دفع ضرر محتمل، عقلاًـ واجب است. حال شک می کنیم که سیگار کشیدن ضرر دارد یا نه؟ از راه عقلی به این نتیجه می رسیم که سیگار کشیدن ضرر دارد و هر آنچه مضر باشد، انجام دادنش حرام است؛ چون در اسلام ضرر و ضراری نیست. پس خریدن سیگار از مصداق های اسراف است.

این توضیح را باید در مورد معیار عقلی داد که عقل هیچ وقت در احکام به تنهایی نمی تواند حکمی کند، بلکه حکم عقل با کمک یک دلیل شرعی تایید می شود اگر بخواهیم تشبیه کنیم، می گوییم عقل در ماشین مثل چراغ های آن است که راه را روشن می کند و شرع مانند موتور ماشین است. در حقیقت، حکم عقلی بدون شرع اعتبار ندارد.

۱- مکارم الاخلاق، ص ۴۱.

ج) معیار عرفی

معیار عرفی کمک می کند تا حکم شرعی را بهتر درک کنیم. برای مثال، اگر حکمی در شرع وجود داشته باشد، ولی در مصداق آن تردید داشته باشیم، سراغ عرف می رویم تا دریابیم آیا عرف این کار را از مصداق های حکم شرعی می داند یا نه؟ در حقیقت، عرف به ما کمک می کند بفهمیم موضوع مورد نظر از مصداق های اسراف، محسوب می شود یا خیر؟ معیار عرفی هم به معیار شرعی باز می گردد.

درباره تعارض معیارها در احکام نیز باید گفت اگر در موردی، معیارها، حکم متعارضی داشتند، تقدّم با معیار شرعی است؛ زیرا اصل است. مثلاً ـ اگر عملی از نظر عقل ناقص آدمی، از مصداق های اسراف نباشد یا به غلط، در عرف جامعه ای رواج پیدا کرده باشد، به گونه ای که عرف آن را اسراف نداند و جزو عادات جامعه باشد، ولی از نظر شرعی، حرام باشد، اصل، معیار شرعی است. در نوشیدن مقدار کمی شراب (چندین قطره) که برخی بگویند این مقدار مست کننده نیست و ضرری هم ندارد، معیار چیست؟ اینجا حکم و معیار شرعی مقدّم است و نوشیدن شراب، حرمت دارد، هر چند اندک باشد. پس همان قدر نوشیدن هم از مصداق های اسراف است. آیه ذیل به موضوع همین تعارض ها اشاره دارد و از این آیه فهمیده می شود که تشخیص مصالح و مفاسد آدمی به عهده شرع است و انسان باید به آنها ملتزم باشد.

عَسَى أَن تَكْرَهُواْ شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَن تُحِبُّواْ شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لاَتعلمون. (بقره: ۲۱۶)

چه بسا از چیزی ناراحت هستید، درحالی که آن چیز برای شما خیر است و چه بسا چیزی را دوست دارید، ولی آن برای شما شر است و خداوند دانا و آگاه است و شما نمی دانید.

۶. حکم اسراف

در فقه اسلامی، به طور کلی، دو نوع حکم درباره موضوعات داریم که عبارتند از: حکم تکلیفی و حکم وضعی.

الف) حکم تکلیفی اسراف: اسراف، حرام و گناه کبیره است.

ب) حکم وضعی اسراف: اگر مرتکب اسراف شویم، ضامن آن مقداری که اسراف کرده ایم، خواهیم بود و این ضمان در دل آن اسراف نهفته است. این موارد عبارتند از:

یک ــ ضمان ولیّ یتیم در صورت اسراف در هزینه کردن مال وی: اگر ولی یتیم، مال یتیم را بیش از اندازه خرج کرد، علاوه بر اینکه مرتکب اسراف شده است، ضامن آن مقدار اضافه هم هست و باید آن را به یتیم پرداخت کند.

دو ــ ضمان حاکم یا اجراکننده حد بر فرد محکوم در صورت تجاوز از اندازه تعیین شده: اگر حاکم بر فرد محکوم، بیش از اندازه شلاق بزند، علاوه بر اینکه اسراف است، باید خسارت او را نیز جبران کند.

سه ــ ضمان قصاص کننده در صورت اسراف در قصاص: انجام دادن فعلی اضافه بر مقدار قصاص، ضمانت می آورد و باید جبران شود.

چهار ــ ضمان اسراف کننده در تأدیب کودک یا برده خویش: اضافه بر میزان تأدیب کودک باید جبران شود.

پنج ــ ضمان خمس مقداری از مئونه که اسراف کرده: اگر فردی در خرج زندگی بیشتر از حدّ معمول خرج کرد، در صورت داشتن شرایط باید

خمس آن اضافه را پرداخت کند؛ چون مال را تلف کرده است. علاوه بر پرداخت خمس آن، ضامن آن مقدار اضافه هم هست.

شش ــ ضمان فرد امین مانند مستأجر، وکیل، مستعیر و وَدَعی در صورت اسراف در امانت: اگر فرد مستأجری امین شد و در نگه داری امانت، اسراف کرد، مقدار اضافه بر اصل امانت را ضامن است و باید آن را نسبت به موجر جبران کند. (۱)

۷. عوامل اسراف

اشاره

گاهی تشخیص مرز اسراف از غیر اسراف، به علت کیفی بودن کارها مشکل است، ولی در جایی که بحث کمیت در میان باشد، تشخیص راحت تر است. «اسراف منحصراً در امور مالی نیست و هر کاری به جای خود و مناسب انجام نشود، کاری است اسراف آمیز، چنان که خدای متعال، قوم لوط را به خاطر رفتار نابجا و مخالفت با نوامیس طبیعی، مسرف نامید. در آیه ۸۱ سوره اعراف و نیز در آیه ۳۱ سوره دخان، فرعون را به خاطر تکبر ورزیدن، مسرف نامیده است؛ زیرا تکبر اندیشه ای افراط آمیز است». (۲)

در این نگرش قرآنی، بسیاری از امور انسانی، اگر از حالت طبیعی خویش خارج شوند، می توانند از مصداق های اسراف باشند. اکنون به تعدادی از آنها اشاره می کنیم.

الف) درآمدها

بدیهی است هرچه درآمد انسان، بیشتر باشد، دست او برای خرج کردن، بازتر است. پس اگر به تعهّد دینی پای بند نباشد، در خرج کردن، حدّ اعتدال را رعایت نمی کند و دچار اسراف می شود. در حقیقت، در بحث

۱- فرهنگ فقه، ج ۱، ص ۵۰۸.

۲- سه گفتار پیرامون مسائل تربیتی در اسلام، ص ۲۱۲.

درآمد، دو دسته افراد دچار اسراف می شوند. ابتدا کسانی که درآمد بالایی دارند. دوم، کسانی که درآمد متوسطی دارند یا حتی فقیرند، ولی برای اینکه از اجتماع مصرف گرا عقب نمانند و مورد سرزنش مردم و حتی خانواده خود قرار نگیرند، با وجود آنکه محتاج هستند، دست به اسراف می زنند.

ب)تجمّل گرایی

علامه محمدتقی جعفری می فرماید:

حیات انسانی با داشتن مغز و روان معتدل از یک نواختی دیدگاه، احساس رکود و افسردگی می نماید. اگر چه دیدگاه او زیباترین منظره طبیعی باشد، منظره زیبای رامسر به ساکنین آن محله، نه نشاطی می بخشد و نه هیجانی می انگیزد. ... اگر همین افراد محدودیت و یک نواختی دیدگاه خود را با تفکرات و تنوعات درون ذاتی از بین ببرند، مشکل حل خواهد شد. تماشای یک اثر هنری به مدت یک سال متوالی می تواند موجب ملالت خاطر شود، ولی تماشای چهره یک انسان زنده، نه تنها ماه ها و سال ها ممکن است نشاط انگیز باشد، بلکه ممکن است موجب دگرگونی انسان هم شود. تفاوت، معلوم است؛ زیرا یک اثر هنری، نمودی جامد و معیّن از شخص هنرمند است و معلوم نیست ابعاد مغزی و روانی هنرمند در آن موج بزند به طور دایم، ولی صورت یک انسان بی کرانگی حیات را از چشمان او نشان می دهد؛ زیرا ممکن است چشمان یک انسان آن «من» را نشان بدهد که به تنهایی جان جهان است. آیا انبیای الهی علیهم السلام این گونه نبودند. ملاک احساس زیبایی بر مبنای تنوع طلبی حیات انسانی، شکستن قشر ثابت نمودهایی است که در ذهن آدمی از محیط دایمی و مستمر به وجود آمده و از جریان ذهن به وسیله مشاهدات متنوع جلوگیری می نماید. هنگامی که به جهت رویارویی با نمودهای جدیدتری که مخصوصاً با واحدهای نهفته در اعماق سطوح روان تطبیق شود، آن قشر

ثابت شکسته می شود و نمود جدیدی به شرط آنکه رابطه ای مثبت با واحدهای درونی یا خواسته ای خنثی شده داشته باشد، زیبا جلوه می کند. (۱)

انسان زیبایی و تجملات را که از مظاهر آن است، دوست دارد. این حالت به حس تنوع طلبی او برمی گردد. انسان به جای اینکه این تنوع طلبی را در درون خویش درست کند، آن را در بیرون از نهاد خویش و تجملات ظاهری می بیند. انسان هر روز با خریدن تجملاتی مثل انواع موبایل ها، ماشین ها، مبل ها و وسایل خانه به ورطه اسراف می افتد. آیه ۱۴سوره آل عمران هم به این نکته اشاره دارد. شاید همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز به همین نگرش دچار بودند که هر کدام بعد از جنگ ها و کسب غنایم، از آن حضرت چیزی می خواستند.

ام سلمه تقاضای کنیز خدمت گزاری کرد؛ میمونه حُله ای خواست؛ زینب (دختر جحش) پارچه یمنی تقاضا کرد؛ حفصه، جامه مصری و جویریه، لباس مخصوص و سوده، گلیم خیبری از پیامبر خواست. پیامبر در برابر این گونه درخواست ها که معمولاً پایانی نداشت، از جواب دادن سر باز زد و مدتی از همسرانش کناره گیری کرد تا آیات ۲۸ ــ ۳۱ سوره احزاب نازل شد و با لحن قاطع و در عین حال همراه با رأفت و رحمت به آنها هشدار داد:

اگر زندگی پرزرق و برق دنیا را می خواهید، می توانید از پیامبر جدا شوید و به هرجا می خواهید، بروید. اگر به خدا و رسول او و روز جزا دل بسته اید و به زندگی ساده و افتخارآمیز خانه پیامبر قانع هستید، بمانید و از پاداش های بزرگ پروردگار، برخوردار شوید. (۲)

۱- محمدتقی جعفری، زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، صص ۳۱ و ۳۲.
۲- یک صد موضوع پانصد داستان، ج ۲، ص ۳۱۲.

زنـدگی بـا پیـامبر، «جمال و کمالی است که متحمل تکرار نیست» و مسـتند به همان قطب درون ذاتی آدمی است که ما آن را تنوع طلبی حیات انسانی می نامیم «و برای انسان زندگی ملال آور نخواهد بود». (۱)

ج)مصرف گرایی

انسان، مصـرف گراست؛ چون نیازمند است و نیازهای مادی او جز با مصرف کردن برآورده نمی شود. اگر این مصرف گرایی بر اسـاس الگویی صـحیح نباشـد، به تجمـل گرایی و اسـراف می انجامـد. خداونـد در آیات قرآن، به مصـرف گرایی و تجمل گرایی انسان چنین اشاره کرده است:

زُیِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَـاء وَالْبَنِینَ وَالْقَنَاطِیرِ الْمُقَنطَرَهِ مِنَ الـذَّهَبِ وَالْفِضَّهِ وَالْخَیْلِ الْمُسَوَّمَهِ وَالأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِکَ مَتَاعُ الْحَیَاهِ الدُّنْیَا وَاللّهُ عِندَهُ حُسْنُ الْمَآبِ. (آل عمران: ۱۴)

مردم را آرایش حبّ شـهوانی میل به زن ها و فرزندان و همیان هایی از طلا و نقره و اسبان نشان دار نیکو و چهارپایان و مزارع در نظرشـان زینـت داده و زیبـا و دل فریـب اسـت، ولی اینهـا متـاع زنـدگانی فـانی و دنیـوی اسـت و منزل ابـدی بـازگشت نزد خداست.

د) فخرفروشی

مفردات راغب «فخر» را این گونه معنی کرده است: «المُباهـاهُ فِی الأَشـیاءِ الخـارِجَهِ عَنِ الْإِنْسـانِ کالمـالِ وَ الجـاه.» فخرفروشـی، عاملی از عوامل اسـراف است؛ زیرا آدم فخرفروش برای اینکه داشت های خود را به رخ دیگران بکشد، مجبور است در کسب مـال و جـاه تلاـش زیـادی کنـد و این کار بیرون رفتن از حـد اعتـدال است. جمع آوری مال و کسب مقام نیز از مصـداق های اسراف

۱- زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، ص ۳۲.

محسوب می شود. در آیات زیادی در قرآن، خداونـد، انسانی را که فخرفروشـی می کند و خود را به دلیل داشـتن جاه و مقام، از دیگران برتر می داند، نکوهش و سرزنش می کند:

إِنَّ اللَّهَ لَا یُحِبُّ کُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ. (لقمان: ۱۸)

خداوند هرگز مردم متکبر خودخواه و فخرفروش را دوست ندارد.

امام علی علیه السلام فرمود:

مَن صَنَعَ شَیئاً للمِفَاخَرَهِ حَشَرهُ اللّهُ یَوْمَ القِیامَهِ أَسْوَد. (۱)

هر کس برای فخرفروشی کاری کند، خداوند در روز قیامت، او را سیاه محشور می گرداند.

خداوند می فرماید:

اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَیَاهُ الدُّنْیَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِینَهٌ وَتَفَاخُرٌ بَیْنَکُمْ. (حدید: ۲۰)

بدانید که زندگانی دنیا به حقیقت بازیچه و سرگرمی و زینت و آرایش و تفاخر به یکدیگر است.

این آیه نیز به نکوهش حیـات حیوانی دنیـا پرداخته که سـبب فخرفروشـی می شود و از عوامـل اسـراف است. معصومین علیهم السلام نیز از فخرفروشی کردن به خدای متعال پناه می بردند.

امام سجاد علیه السلام در دعای مکارم الاخلاق صحیفه می فرماید:

وَهَبْ لی مَعالِی الأَخْلاقِ واعْصِمنی منَ الفَخرِ. (۲)

خداوندا، اخلاق والا را به من ارزانی دار و از فخرفروشی مصونم بدار.

فخرفروشـی ممکن است در دارایی های انسان اتفاق بیفتـد. مثلاً شخصـی به اموال خود می بالـد و شخصـی به فرزنـدان خود و شخصی به لباس و

۱- میزان الحکمه، ص ۴۵۵۰، ح ۱۵۷۱۳.

۲- صحیفه سجادیه، ص ۸۱، دعای ۲۰.

مرکب. خداونـد متعـال بـا کلمه «تکـاثر» در سوره تکـاثر به این نکته اشـاره کرده که تفاخر به بیشتر داشـتن، انسان را به غفلت انداخته است.

حضرت علی علیه السلام بعد از خواندن این آیه فرمود:

آیا به گورهای پـدرانشان افتخار می کننـد یا به فزونی شـمار هلاک شدگان خود به هم می نازند؟ از پیکرهایی که بی جان و متلاشـی شـده انـد و از حرکت هـایی که آرام گرفته انـد، بـازگشت به این جهان را چشم دارنـد، حال آنکه آن مردگان، مایه عبرت باشند، سزاوارتر است تا مایه فخرفروشی. (۱)

فخرفروشی دو گونه است:

یک ــ به امور مادی و دنیوی که نکوهش شده است.

دو ــ به امور معنوی و با ارزش که پسندیده و ستودنی است.

امام علی علیه السلام فرمود:

یَنْبَغی أَنْ یَکونَ التَّفاخُرُ بِعِلِیِّ الهِمَمِ وَالوفاء بالذِّمَمَ وَالمُبَالغهِ فِی الْکَرَمُ لابَبوالی الرِّمَم وَرَذائِل الشِّیَم. (۲)

سزاوار است که به همت هـای والاـ و پـای بنـدی به عهـد و پیمان ها و کوشـش در بخشـندگی و بزرگواری افتخار کرد، نه به استخوان های پوسیده و خصلت های پست و نکوهیده.

ه‍ـ) پیروی از هوای نفس

پیروی کردن از هوای نفس سبب می شود انسـان از حـدّ خود تجـاوز کنـد و در نهایت، به اسـراف دچار شود. مهم ترین علت گمراهی انسان، پیروی از هوای نفس است و در حقیقت، همه معاصی مثل تکبر، خودپسندی،

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲۲۱.

۲- میزان الحکمه، ج ۹، ص ۴۵۵۶، ح ۱۵۷۳۴.

حرص، حسد، دروغ و تهمت، زیرمجموعه های پیروی از هوای نفس هستند.

خداونـد می فرمایـد: «إِنَّ النَّفْسَ لأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ؛ همانـا نفس انسـان، آدمی را به کارهـای بـد وا می دارد.» (۱) در قرآن آیـات دیگری نیز وجود دارند که به پیروی از هوای نفس و زیان ها و مفاسد آن اشاره کرده اند. (۲)

خداوند در قرآن به پیامبر خود می فرماید:

وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا. (کهف: ۲۸)

از کسـانی که قلبشـان را از یاد خود غافل ساختیم، اطاعت مکن؛ آنهایی که از هوای نفس پیروی کردنـد و کارهایشان افراطی است.

از این آیه می فهمیم که پیروی از هوای نفس سبب افراط در کارها می شود و افراط هم نوعی اسراف است. در آیه ای دیگر چنین می خوانیم:

فَلاَ يَصُدَّنَّكَ عَنْهَا مَنْ لاَ يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَى. (طه: ۱۶)

پس مبادا کسانی که به آن ایمان ندارنـد و از هوس های خویش پیروی می کننـد، تو را از آن باز دارنـد؛ چون هلاک خواهی شد.

خداوند مَثَل کسانی را که از هوای نفس پیروی می کنند، مثل سگی می داند که در هر صورت، دهانش باز است و زبانش را بیرون می آورد و گویی آن چنان تشنه دنیاپرستی است که هرگز سیراب نمی شود.

در قرآن آمده است:

وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَـٰكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِن تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَث ذَّلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُواْ بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ. (اعراف: ۱۷۶)

و اگر می خواستیم (مقـام) او را با این آیات بالا می بردیم، (ولی) او به پستی گراییـد و از هوای نفس خود پیروی کرد. مثل او همچون سگ است که اگر

۱- نک: یوسف: ۵۳.

۲- نک: محمد: ۱۴؛ اعراف: ۱۷۶؛ فرقان: ۱۴۳؛ جاثیه: ۲۳.

به او حمله کنی، دهـانش را بـاز می کنـد و زبـانش را بیرون می آورد و اگر او را به حال خود واگـذاری، باز همین کار را می کند. این مثل گروهی است که آیات ما را تکذیب کرده اند. این داستان ها را (برای آنها) بازگو کن، شاید بیندیشند.

خداوند در این دو آیه، پیروی از هوای نفس را موجب هلاکت شـمرده است. هوای نفس، شیطان درون آدمی است که «أماره بالسوء» است و همیشه انسان را به معصیت تشویق می کنـد و به جایی می رسـد که چونان خـدایی بر فکر و روح انسان تسـلط می یابـد و همه اختیـارات انسان را به دست می گیرد. وقتی همه افعال آدمی به دست هوای نفس کنترل و اجرا شود، گویی او را می پرستد. خداوند به این نکته چنین اشاره فرموده است:

أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا. (فرقان: ۴۳)

آیا دیدی کسی را که هوای نفسش را معبود خود برگزیده است؟ آیا تو می توانی آن را هدایت کنی؟

خداوند این دسته را به سختی مجازات می کند، چنان که می فرماید:

أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَن يَهْدِيهِ مِن بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ. (جاثیه: ۲۳)

آیـا دیـدی کسـی را که معبـود خویش را هوای نفس قرار داده و خداونـد، او را بـا آگـاهی (بر اینکه شایسـته هـدایت نیست)، گمراه سـاخته و بر گوش و قلبش مهر زده و بر چشـمش پرده ای افکنـده است. چه کسـی می توانـد غیر از خـدا، او را هـدایت کند.

و) وسواس

اشاره

وسـواس، بـه گفته راغب در مفردات، در «اصـل، صـدای آهسـته ای را گوینـد که از به هم خـوردن زینت آلاـت برمی خیزد.» همچنین به هر صدای آهسته ای گفته می شود. به خطورات و افکار بد و نامطلوبی نیز که در دل

و جان انسان پیدا می شود و شبیه صدای آهسته ای است که در گوش می خوانند، وسواس می گویند.

یک _ عامل وسواس

«برخی از افراد نمی توانند تصـمیم بگیرند]و[حتی در عادی ترین کارهای روزمره، از اتخاذ تصمیم عاجزند و شک کشنده ای آنها را رنج می دهد. هر بار که می خواهند تصـمیم بگیرند، افکار خاصـی آنان را از تصـمیم باز می دارد. در حقیقت، ریشه و اساس این بیماری، ناتوانی فکری افراد وسواسی است». (۱)

وسواس سـبب تعارض در رفتار آدمی می شود. وقتی که بایـد تصـمیم درست بگیرد، تصـمیم غلط می گیرد و از حـدّ متعارف خارج می شود. در حقیقت، این تعارض ها در همه انسان ها به وجود می آیـد. «ناگفته نماند کمتر کسـی را می توان یافت که دچار هیـچ گونه تضاد روحی نباشـد. افراد سالم به کمک قدرت روحی، این تضادها را حل می کنند و حال آنکه افراد ناتوان مثل امواج خروشان این تضادها در آنها در تلاطم است و بیمار نمی تواند در برابر آن مقاومت کند». (۲)

امام صادق علیه السلام فرموده است:

رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمود: هیـچ مؤمنی نیست مگر آنکه برای قلبش در سـینه اش، دو گوش است. از یک گوش، فرشته بر او می خواند و می دمد و از گوش دیگرش، وسواس خناس بر او می دمد و خدای تعالی به وسیله

۱- عبدالمجید رشیدپور، پرورش های اخلاقی، ص۷۷.

۲- عبدالمجید رشیدپور، پرورش های اخلاقی، ص ۸۷.

فرشته، انسان را تأیید می کند و این است همان فرموده: «وأیدَهُم بروحٍ منه». (۱)

دو _ انواع وسوسه

شیخ طبرسی در مجمع البیان می فرماید که در وسواس آدمیان دو وجه است:

اول _ وسوسه انسانی از خودش؛

دوم _ وسوسه و فریب دادن دیگران و از این نوع است قسمی که خداوند می فرماید شیطان های جنی و انسی انسان را وسوسه می کنند و فریب می دهند. (۲)

در حقیقت، وسوسه گران، انسان و دیگران را از مسیر اعتدال در رفتار و گفتار خارج می کنند که از مصداق های اسراف است.

سه _ درمان وسوسه

در روایات، دستورالعمل هایی برای درمان وسواس و در امان ماندن از وسوسه های شیطان آمده است که برای نمونه، به چند مورد اشاره می کنیم:

اول _ گفتن جملاتی که از ائمه علیهم السلام وارد شده است، مثل: «آمنتُ بالله وبرسوله مخلصاً له الدین»؛ «لاحول ولاقوّه إلاّ بالله»؛ «ذکر أهل بیت علیهم السلام »؛

دوم _ دستورهای عملی در این باره مثل: خوردن انار؛ خوردن آب نیسان (۲۳روز بعد از عید نوروز تا ۳۰ روز، ماه نیسان است)؛ مسواک زدن؛ شستن سر با برگ سدر به مدت هفتاد روز؛ استفاده از حنا؛ استفاده از زعفران؛ استفاده از تربت سید الشهداء علیه السلام ؛ خلال کردن؛ عطر زدن؛

۱- مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۷۱ .

۲- ترجمه مجمع البیان، ج ۲۷، ص ۳۹۴.

استفاده از گوشت کباب شده؛ روزه گرفتن؛ توجه به احکام شرعی؛ خوردن گلابی، کاهو، انگور و مویز؛ انگشتر به دست کردن، تلاش و کوشش؛ تقسیم ساعات روز و برنامه ریزی.

ز) تقلید

یکی از مهم ترین عواملی که سبب به وجود آمدن اسراف در زندگی می شود، تقلید کورکورانه از دیگران است. امام باقر علیه السلام می فرماید:

خداوند به پیامبری از پیامبرانش وحی فرمود که به قومت بگو: لباس دشمنان مرا نپوشند و غذای آنان را نخورند و به شکل آنان ظاهر نشوند که در این صورت، بسان آنان، دشمن من خواهند بود. (۱)

امام صادق علیه السلام می فرماید:

جامعه اسلامی تا زمانی که الگوی مصرف بیگانگان را تقلید نکند، در مسیر سعادت و نیک بختی است، ولی آن گاه که به شیوه بی دینان لباس بپوشد و خوراک بخورد، به ذلت می افتد. (۲)

بسیاری از هواهای نفسانی مثل حرص، طمع، ریا، حسد و خودپسندی، می توانند دلیلی باشند برای اینکه آدمی از رفتارهای متعادل خارج می شود و این خروج از حد اعتدال یا در اموال رخ می دهد یا در کلام که اسراف است.

۱- تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۷۲.

۲- الحیاه، ج ۴، ص ۲۳۵.

۸. پی آمدهای اسراف

الف) پی آمدهای اخروی

یک _ حقیر شدن در آخرت

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نهج البلاغه فرمود:

ألا إنَّ إعطاءَ المال فی غَیرِ حَقِّه تَبـذیرٌ وإسْـرافٌ وَهُوَ یرفعُ صاحِبَهُ فِی الـدُّنْیا وَیَضَـعَهُ فِی الآخِرهِ وَیُکْرِمُهُ فِی الناسِ ویُهیُه عِندَ الله. (۱)

بدانیـد که دادن مال در غیر حقش، تبـذیر و اسـراف است که صاحبش را در دنیا بالا می برد و در آخرت رها می کنـد و او را بین مردم محترم و نزد خداوند خوار می کند.

دو _ ستم کاری

شاید بتوان گفت در اسـراف، شـخص مقدار زیاد را در جایی مصـرف کرده است که نباید آنجا مصرف می کرد؛ یعنی از حد تجاوز کرده است. حال آنهایی که از حـدود خداونـد تعدّی کرده باشـند، ظالم هسـتند. مجمع البحرین، ظلم را این گونه معنی کرده است: «تعدّی عن حدودالله به اسـتناد آیه وَمَن یَتَعَدَّ حُدُودَ اللّهِ فَأُوْلَئِکَ هُمُ الظَّالِمُونَ.» (۲) پس اسراف کار چون از حدود خدا تجاوز کرد، مصداق ظالم هم هست.

سه _ فساد

معنی «فسـاد» در مفردات راغب این گونه آمـده است: «الفَسـادُ خُرُوجُ الشَـیءِ عَنِ الْإعْتِـدالِ، قَلیلاًـ کـانَ الخُرُوجُ عَنهُ أَوْ کَثیراً.» خروج از اعتـدال را فساد گوینـد و کسـی که از اعتدال خارج شود، فاسد است. از طرفی در تعریف اسـراف گفتیم که اسـراف کاران کسانی هسـتند که یا زیاده روی می کنند یا بخل می ورزند و حدّ اعتدال را رعایت نمی کنند. اسراف کاران در تعریف فسادکاران داخل

۱- نهج البلاغه عبده، ج ۲، ص ۷.

۲- مجمع البحرین، طبع قدیم، ص ۴۸۰.

می شوند و آیه ۱۵۱ و ۱۵۲ سوره شعراء هم به این مطلب اشاره دارد: «وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ».

به گفته فیض کاشانی، «از تعبیر آیه می فهمیم که مسرفان صددرصد مفسدند». (۱)

چهار ـ گرفتاری دوزخ

خداوند می فرماید: «وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ؛ اسراف کاران به دوزخ می-روند». (۲)

پنج ـ نزول غضب خدا

در قرآن می خوانیم: «إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ؛ خدای بزرگ، مسرفان را دوست ندارد». (۳)

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید: «إنّ السرف أمرٌ يبغضه الله؛ اسراف، مبغوض خداست». (۴)

شش ـ محرومیت از هدایت

در قرآن آمده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ؛ کسی که اسراف کند، هدایت نمی شود.» (۵) در حقیقت، اسراف، نوعی انحراف ذاتی است.

هفت ـ برادری با شیطان

در قرآن می خوانیم: «إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُواْ إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ». (۶)

مبذرین درباره نعمت هایی که خداوند به جامعه عطا کرده است، همان عملی را مرتکب می شوند که شیاطین با نیروهای اعطایی خدا به انسان ها می کنند؛ یعنی شیطان ها نیرویی را که خدا به انسان داده است، برای سعادت

۱- تفسیر صافی، ج ۴، ص ۴۷.

۲- نک: غافر: ۴۳.

۳- نک: انعام: ۱۴۱.

۴- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۲۶.

۵- نک: غافر: ۲۸.

۶- نک: اسراء: ۲۷.

در راه گناه و ناپاکی به کار می گیرند. تبذیرکنندگان نیز در مورد نعمت های خداوند به مردم همین کار را انجام می دهند و به مردم ضرر می رسانند.

ب) پی آمدهای دنیوی

یک ـ فقر و ورشکستگی

خداوند در آیه ۱۱۲ سوره نحل، شهری را مثال زده است که امن و امان بود و روزی اش از هر سو فراوان می رسید. با این حال، ساکنانش نعمت های خدا را ناسپاسی کردند و خداوند هم به سزای آنچه انجام می دادند، طعم فقر و گرسنگی و هراس را به آنها چشانید. در حقیقت، اسراف، کفران نعمت است. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «القَصْدُ مَثراه والسَّرفُ مَثواه؛ اقتصاد و میانه روی موجب ثروتمندی و ول خرجی و اسراف موجب فقر و سقوط می شود». (۱)

همچنین ایشان فرموده است: «سَبَبُ الفقرِ الإسراف؛ سبب فقر اسراف و زیاده روی است». (۲)

یا حضرت علی علیه السلام در نکوهش اسراف می فرماید: «هرکس به ریخت وپاش افتخار کند، با تهی دستی و ورشکستگی، کوچک می شود». (۳)

دو ـ نابودی منابع و امکانات طبیعی و خدادادی

امام علی علیه السلام فرموده است: «الإسْرافُ یُفنی الجزیل؛ اسراف سبب نابودی امکانات خدادادی می شود». (۴)

سه ـ هلاکت فرد و جامعه

«وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ؛ و اسراف کاران را نابود کردیم». (۵)

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۵۸.

۲- الحیاه، ج ۴، ص ۳۲۰.

۳- گنجینه اصلاح الگوی مصرف، ص۹۸.

۴- الحیاه، ج ۴، ص ۲۵۶.

۵- نک: أنبیاء: ۹.

اسراف در نعمت های الهی سبب استدراج از سوی خداوند می شود. استدراج به این معناست که خداوند به جامعه و انسان هایی که غرق در گناه هستند، مهلت می دهد و نعمت های خود را بر آنها فراوان می کند تا اینکه آنها در لذت های دنیوی غرق می شوند و فساد و گناه همه زندگی آنها را دربرمی گیرد. آن گاه عذاب خود را به طور ناگهانی بر آنها فرو می فرستد.

فَلَمَّا نَسُواْ مَا ذُكِّرُواْ بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُواْ بِمَا أُوتُواْ أَخَذْنَاهُم بَغْتَةً فَإِذَا هُم مُّبْلِسُونَ. (انعام: ۴۴)

هنگامی که موعظه های پیامبران را فراموش کردند، ما درهای همه نعمت ها را بر روی آنها گشودیم تا اینکه آنها به وجود این نعمت ها خوش حال و شادمان شدند. ناگهان آنها را (به عذاب) برگرفتیم و حسرت همه آن لذت ها بر دلشان باقی ماند.

اگر عده ای در جامعه با وجود اینکه غرق در اسراف هستند، وضع مالی شان روز به روز بهتر می شود و آثار منفی اسراف در زندگی آنها ظاهر نمی شود، باید دانست دچار سنّت استدراج خداوند شده اند. خداوند اکنون به آنها فرصت می دهد و به یک باره جزای اعمالشان را به آنها می دهد. طبرسی در مجمع البیان در تفسیر این آیه، حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آورده است که فرمود:

إذا رَأيْتَ اللهَ يُعطی عَلَی المَعاصی فإنَّ ذلکَ اِسْتِدراجٌ مِنْه. (۱)

هرگاه دیدی با وجود اینکه گناه می کنی، خداوند به تو نعمت می دهد، بدان این، استدراج است از طرف خداوند.

۱- مجمع البیان، ج ۴، ص ۳۰۲.

با نگاهی گذرا به تاریخ می توان وجود سنت استدراج را درباره پیشینیان مانند فرعون ها و نمرودها و حاکمان ظالمی مشاهده کرد که با رفتار خود غرق در معاصی شدند.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «کَثْرَهُ السَّرفِ تُدَمِّرُ؛ اسراف زیاد، انسان را به هلاکت می کشاند». (۱)

چهار _ تحمیل هزینه های اضافی بر زندگی

اسراف کاران بیشتر خرج می کنند و متحمل هزینه هایی می شوند که ضرورت ندارد.

پنج _ نابسامانی و ناهنجاری

اسراف سبب فقر می شود و فقر سبب ناهنجاری های اجتماعی می شود. معروف است وقتی فقر داخل خانه ای شود، ایمان از آن خانه بیرون می رود. بسیاری از گناهان و ناهنجاری های اجتماعی مثل غیبت، تهمت و دروغ، از مصداق های اسراف در گفتار هستند.

شش _ وابستگی اقتصادی

اگر آدمی نتواند منابع مالی خویش را فراهم کند، یا باید به زور، از دیگران بگیرد یا تن به ذلت بدهد و وابستگی اقتصادی پیدا کند. با اسراف، اموال انسان از بین می رود و به تدریج فقیر می شود.

هفت _ کاهش لذت و مطلوبیت

انسان مصرف گرا کار می کند تا لذت ببرد و آسایش داشته باشد، ولی هر چه استفاده کند، دوباره به کار کردن بیشتر و مصرف بیشتر نیاز دارد و همین لذت نبردن برای او تکرار می شود.

۱- غررالحکم، ص ۱۹۵.

هشت _ کاهش برکت

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ مَعَ الْإِسْرافِ قِلَّهُ الْبَرْکَهِ؛ اسراف موجب کمی برکت می شود». (۱)

نه _ مستجاب نشدن دعا

امام صادق علیه السلام فرمود:

چهار گروه هستند که دعای آنها مستجاب نمی شود: ... مردی که مالی داشته و ضایع کرده است و می گوید: خدایا، به من روزی بده. به او گفته می شود: آیا تو را به میانه روی امر نکردم و به تو دستور اصلاح ندادم؟ (۲)

ده _ مریضی

بخورید و بیاشامید، ولی زیاده روی نکنید. زیاده روی در خوردن و آشامیدن سبب بیمار ی می شود. (۳)

۹. راهکارهای مبارزه با اسراف

اشاره

راه های مبارزه با اسراف در یک تقسیم بندی اولیه به دو بخش تقسیم می شود:

الف) راهکارهای سلبی

وقتی عواملی را که سبب افتادن در ورطه اسراف می شود، بشناسیم و متوجه باشیم که این عوامل، ما را به منجلاب اسراف می کشاند، بدیهی است برای پیش گیری یا درمان اسراف، باید آن عوامل را ترک کنیم. به

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۵۵۶.

۲- کافی، ج۲، ص ۵۱۱.

۳- مجمع البیان، ج۲، ص ۴۱۲.

دیگر سخن، باید از تقلید، وسوسه، فخرفروشی، تجمل گرایی، مصرف گرایی، حرص، تکبر و دنیاپرستی دوری کنیم.

ب) راهکارهای ایجابی

اشاره

معلوم شد که برای درمان اسراف، چه کارهایی را نباید کرد. کارهایی که باید کرد، چیستند. این کارها را در قالب راهکارهای اثباتی می آوریم و به توضیح مختصری درباره هر کدام از آنها بسنده می کنیم.

یک _ رعایت شأن

هر کس بر اساس آموزهای دینی و اسلامی موظف است زندگی خود را بر اساس شأن و موقعیتی که در اجتماع دارد، تنظیم کند. شأن و رتبه افراد در جامعه بنا بر میزان تلاش و استعداد و فعالیت هر کس، مختلف است و دین اسلام بنا به شأن و موقعیت افراد، احکام متفاوتی برای آنها قرار داده است. برای نمونه:

اول _ در باب خمس، افراد در مورد منافع کسب باید مخارج سالانه شان را بر اساس شأن خود تأمین کنند و آنچه از این معیار، اضافه تر باشد، مشمول خمس می شود.

دوم _ در باب زکات، شرط است به نیازمندان پرداخت شود تا هزینه لباس و غذا و دیگر مخارج ضروری زندگی آنان تأمین گردد و توسعه یابد تا هم سطح دیگر افراد قرار گیرند.

سوم _ در مورد نفقه زن که بر عهده شوهر است، معیار چنین است که مرد، خوراک و پوشاک زن را در حدّ شایسته و شرافت مندانه ای که در خور شأن و موقعیت اجتماعی اوست، تأمین کند.

وَعلَی الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لاَ تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلاَّ وُسْعَهَا. (بقره: ۲۳۳)

هر کسی شأن خود را بهتر از دیگران تشخیص می دهد و خودش باید تجاوز از حد را بشناسد و از اسراف جلوگیری کند.

دو _ رعایت اقتصاد

راغب می گوید:

اَلْاِقْتصادُ فیما لَهُ طَرْفَانِ إفراطٌ وتَفریطٌ کالجُوُدِ فإنّهُ بَیْنَ الإسرافِ والبُخْلِ وَکالشُّجاعَه فَإنّها بَینَ التَّهُوّرِ والجُبْنِ. (۱)

اقتصاد، حالتی است در چیزی که دو طرف دارد: افراط و تفریط، مثل جود که حالتی بین اسراف و بخل است و مثل حالت شجاعت که حد متوسط بین ترس و جسوری و بی باکی است.

المنجد هم اقتصاد را «تَوَسُّطٌ بَیْنَ الإفراطِ وَالتَقْتیر» معنی کرده است. (۲)

خداوند، این کلمه را به معنی میانه روی و تعادل در قرآن به کار برده است: «وَاقْصِدْ فِی مَشْیِکَ»، (۳) در راه رفتن، میانه رو و معتدل باش یا در این آیه می فرماید:

فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَمِنْهُم مُّقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَیْرَاتِ. (۴)

از میان آنها عده ای بر خود ستم کردند و عده ای میانه رو بودند و عده ای در نیکی ها از همه پیشی گرفتند.

در روایات هم اقتصاد به معنی میانه روی و تعادل به کار رفته است. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «اَلْاِقتصادُ بَیْنَ الْاِسْرافِ وَالتَّقْتیر؛ اقتصاد، حالتی بین اسراف و تقتیر است»؛ (۵) یعنی نه بسیار زیاده روی کن و نه بسیار بخیل باش، بلکه در هر

۱- مفردات، ص ۶۷۲.

۲- المنجد، ص ۶۶۸.

۳- نک: لقمان: ۱۹.

۴- نک: فاطر: ۳۲ .

۵- عده الداعی، ص ۷۴.

امری، متعادل باش. در روایتی از امام موسی کاظم علیه السلام نیز آمده است: «خَیرُ الأمورِ أَوسَطُها؛ بهترین کارها حد وسط آنهاست». (۱)

حضرت علی علیه السلام در خطبه همام درباره نشانه های متقین و پرهیزکاران می فرماید: «پوشاکشان میانه روی بود»؛ (۲) یعنی در کارها افراط و تفریط نمی کردند. در جایی دیگر، مردم را به میانه روی دعوت می کند: «عَلَیْکَ بِالقَصْدِ فِی الأُمُورِ؛ برتو باد میانه روی در کارها». (۳)

اگر کسی می خواهد دچار اسراف نشود، باید آدم متعادلی باشد، نه افراطی و نه تفریطی. (۴)

سه _ رعایت کفاف

المنجد، کفاف را این گونه معنی کرده است:

ماکَفی عَنِ النَّاسِ وَأغنی بِمقدارِ حاجتِه مِنْ غَیْرِ زِیادهٍ وَلانُقْصانٍ. (۵)

به آن مقداری که سبب بی نیازی از مردم می شود، کفاف می گویند.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

طُوبی لِمَن رِزقُه الْکَفافُ وَ صَبَرَ عَلیه. (۶)

خوشا به حال کسی که روزی او به اندازه کفاف باشد و بر آن صبر کند.

همچنین دعایی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که در آن فرمود:

۱- بحارالانوار، ج ۴۸، ص ۱۵۴.

۲- نهج البلاغه، ص ۱۸۴، خطبه ۶۱۱.

۳- غررالحکم، فصل ۴۹، ص ۴۸۳.

۴- برای آگاهی بیشتر نک: بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۱۹۹؛ غررالحکم، ص ۱۶؛ نهج الفصاحه، ص ۶۰۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۵۳.

۵- المنجد، ص ۷۳۳.

۶- فیض القدیر، ج ۴، ص ۳۶۸.

اللهُّمَ ارْزُقْ مُحمداً وآلَ مِحمدٍ وَمَنْ أحَبَّ مُحَمداً وآلَ مُحَمد العِفافَ والكِفافَ وارْزِقُ مَنْ أَبْغَضَ مُحمداً وآل مُحمد كثرةَ المالِ والْوَلَدِ. (۱)

پروردگارا، به محمد و خاندان او و به دوستداران محمد و خاندان او عفاف و کفاف ارزانی کن و به دشمنان و بدخواهان محمد و خاندان او، مال و فرزندان فراوان عنایت فرما.

شبهه ای که با خواندن این حدیث به ذهن می رسد، این است که مگر داشتن مال یا فرزند زیاد، عذابی از طرف خداوند است و این با کفاف منافات دارد؟ در پاسخ به این شبهه باید گفت خداوند فرموده است: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابًا...»؛ یعنی مال و فرزند جزو زینت های دنیوی هستند. بر اساس آنچه در آیات و روایات ثابت شده است، زیورهای دنیا، ما را به خود مشغول می کنند و از خداوند غافل می سازند، به ویژه اگر این زیورهای دنیوی از حدّ خود هم تجاوز کند و شامل تعریف و مصداق اسراف شود. پس هر نعمتی اگر از حدّ خود تجاوز کند، اسراف و اگر در حد متعادل و جهت رفاه و بهره مندی از نعمت های الهی باشد، کفاف خواهد بود. امام علی علیه السلام نیز در وصیت خود به امام حسن علیه السلام چنین بیان می دارد:

حُسْنُ التَّدبیر مَعَ الْکَفافِ أَکْفی لَکَ مِنَ الْکَثِیر مَعَ الإسْرافِ. (۲)

حسن تدبیر همراه با کفاف، برای تو بهتر است از مال فراوانی که همراه با اسراف باشد.

پس شکی نیست که کفاف هم برای دنیا و هم برای آخرت مؤمن، بهتر است. به همین دلیل، وقتی پیامبر برای امت خود دعا می کند، برای آنها عفاف و کفاف می خواهد. حضرت علی علیه السلام هم در خطبه های خود خطاب

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۴۰.

۲- تحف العقول، ص ۷۹.

به مسلمانان فرمود: «لاتَسْألُوا فیها فَوْقَ الْکَفاف؛ در دنیا بیش تر از اندازه کفاف طلب نکنید». (۱)

چهار ـ رعایت قناعت

قناعت، اکتفا کردن به مقدار نیاز را گویند. اصل این کلمه از «قناع» است و به چیزی گفته می شود که سر را با آن می پوشانند. از آنجا که شخص قانع، فقر خود را می پوشاند، به وی قانع گفته می شود. (۲)

راغب در مفردات آورده است که قانع، کسی را گویند که به آنچه به او می دهند، راضی است و برای بیشتر از آن درخواست نمی کند.

امام باقر علیه السلام فرموده است:

إیّاکَ أَنْ تَطْمَحَ بَصَرِکَ إِلی مَنْ هُوَ فَوْقَکَ فَکفی بما قالَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ لِنَبِیِّهِ «ولاتُعجبک أموالُهم وأولادهم» (۳) وقالَ «وَلَا تَمُدَّنَّ عَیْنَیْکَ إِلَی مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْهُمْ زَهْرَهَ الْحَیَاهِ الدُّنیا» (۴) فإنْ دَخَلَکَ مِنْ ذلک شَیٌء فَاذْکُرْ عِیشَ رَسُولَ الله صلی الله علیه و آله فإنّما کانَ قُوْتَه الشَّعیرُ وحَلْواهُ التَّمرَ وَوَقُودُه السَعَفَ إذا وَجَدَهُ. (۵)

از چشم دوختن به زندگی کسانی که از تو بالاترند، بر حذر باش. در این باره قول خداوند کفایت می کند که به پیامبرش فرمود: «اموال و اولاد آنها تو را به تعجب واندارد....» یا اینکه در جایی دیگر فرمود: «زنهار، چشم مدوز به آنچه از زینت زندگی دنیا به گروهی از آنان داده ایم تا آنها را در آن امتحان کنیم» و اگر محبت به دنیا در دلت راه پیدا کرد، زندگی پیامبر را به یاد آور که نان او نان جو و خورشت او خرما و هیزم آتش او شاخه های درخت خرما بود، اگر پیدا می کرد. (۶)

۱- نهج البلاغه، ص ۸۵.

۲- مفردات راغب، ص ۶۸۵.

۳- توبه: ۸۵.

۴- طه: ۱۳۱.

۵- سفینه البحار، ج ۷، ص ۳۷۳.

۶- السعف = جرید النخل (المنجد، ص ۳۴۵).

امام صادق علیه السلام فرمود:

مَکتوبٌ فِی التَّوراهِ ابنُ آدَمْ کُنْ کَیْفَ شِئتَ کما تدَینُ تُدان مَنْ رَضی مِنَ الله بِالقَلیلِ مِنَ الرِّزقِ قَبِلَ اللهُ مِنْهُ الیَسیرَ مِنَ الْعَمَلِ وَمَنْ رَضِیَ بالیَسیرِ مِنَ الحَلالِ خَفَّتْ مَؤنتَهُ وَ زَکی مَکسَبهُ وَخَرَجَ مِنْ حَدِّ الفُجُور. (۱)

در تورات نوشته شده است: ای فرزند آدم، هرگونه که می خواهی باش، ولی بدان هر گونه رفتار کنی، همان گونه با تو رفتار می شود. اگر کسی به رزق کم خداوند راضی شود، خداوند هم به عمل کم او راضی می شود و از او قبول می کند و کسی که به مال حلال اندک راضی شود، خرج او سبک و کسب او پاکیزه می شود و از محدوده گناه خارج می شود.

از امام علی علیه السلام درباره آیه شریفه: «فَلَنُحْیِیَنَّهُ حَیَاهً طَیِّبَهً» (۲) پرسیدند که منظور از «حیاه طیبه» که خداوند به انسان عطا می کند، چیست؟ فرمود: «قناعت». (۳)

امام صادق علیه السلام فرموده است:

لا مالٌ أَنْفَعُ مِن القُنوع بِالیَسِیر المُجزی. (۴)

نفع هیچ مالی بیشتر از قناعت کردن به مقدار کمی نیست که زندگی را کفایت کند.

آورده اند که به حکیمی گفتند: آیا چیزی بهتر از طلا دیده ای؟ گفت: بله، قناعت. همچنین گفته اند: دیوجانس از حکمای بزرگ یونان بود که زندگی زاهدانه ای داشت. او چیزی ذخیره نمی کرد و منزلی هم نداشت. روزی اسکندر مقدونی فرستاده ای نزد او فرستاد و او را به مجلس خود دعوت کرد. آن حکیم به فرستاده اسکندر گفت: به پادشاه بگو آن چیزی که سبب شده است تو به سوی ما نیایی، همان چیز مانع شده است تا من هم به

۱- سفینه البحار، ج ۷، ص ۳۷۴.

۲- نحل: ۹۷.

۳- سفینه البحار، ج۷، ص ۳۷۵؛ المیزان، ج ۱۲، ص ۳۷۵.

۴- سفینه البحار، ج ۷، ص ۳۷۵.

سوی تو نیایم و آن استغنا و بی نیازی است. سلطنت تو سبب بی نیازی تو از ما شده و قناعت من سبب بی نیازی من از تو شده است. (۱)

فاطمه الزهراء علیها السلام فرمود:

اللهُّمَ قَنّعنی بما رَزَقَتنی واسُتُرنی وعافِنی أَبَداً ماأبْقَیتنی واغْفِرلی وَارْحَمْنی إذا تَوَفّیَتنی. (۲)

خداونـدا، مرا به آنچه روزی من می کنی، قانع گردان و مرا تا زمانی که زنده هسـتم، بپوشان و عافیت عنایت کن و گناهانم را ببخش و هنگامی که مُردم، بر من رحم کن.

سعدی درباره قناعت گفته است:

ای برادر، کیمیایی تو را بیاموزم

که در اکسیر و در صناعت نیست

رو قناعت گزین که در عالم

هیچ گنجی به از قناعت نیست

پنج _ رعایت عدل

راغب در مفردات می گوید: «فَالعَدْلُ هُوَ التَقْسیطُ عَلَی سَواءٍ؛ عدل، قسمت کردن هر چیزی به طور مساوی است». (۳)

طریحی نجفی در مجمع البحرین، معنی دیگری علاـوه بر این معنی برای عـدل و عادل آورده است: «العادل، الواضع کلّ شـیءٍ موضِعَه؛ عدل به معنی قرار دادن هرچیزی به جای خودش است». (۴)

در قرآن می خوانیم: «إِنَّ اللّهَ یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالإِحْسَانِ؛ خداوند، شما را به عدل و احسان امر می کند». (۵)

۱- سفینه البحار، ج ۷، ص ۳۷۵.

۲- أعیان الشیعه، ج ۱، ص ۳۲۳.

۳- مفردات، ص ۵۵۱.

۴- مجمع البحرین، طبع قدیم، ص ۴۴۴.

۵- نک: نحل: ۹۰.

در مفردات راغب ذیـل این آیه آمـده است که عـدل، مسـاوات در مکافات را گوینـد، اگر خیر است، در جوابش خیر و نیکی انجام دهید و اگر شـر است، در مقابلش شرّ انجام دهید. احسان این است که اگر برای شما کار خیری انجام دادند، در مقابلش شما بیشتر از آنچه او کرده است، نیکی کنید و اگر شـرّی انجام دادند، شـما با کمتر از آنچه او انجام داده است، مکافات کنید. (۱)

خداوند به پیامبرش فرمود: ای پیامبر بگو: «أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَینَکُمْ؛ من امر شده ام که با عدالت میان شـما حکم کنم.» (۲) خداوند به کسانی که ایمان آورده اند، می فرماید:

یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُواْ کُونُواْ قَوَّامِینَ لِلّهِ شُهَدَاء بِالْقِسْطِ وَلاَ یَجْرِمَنَّکُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلَی أَلاَّ تَعْدِلُواْ اعْدِلُواْ هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَی. (مائده: ۸)

ای کسانی که ایمان آوردید، همواره برای خدا قیام کنید و شاهدان به عدل و داد باشید و هرگز دشمنی عده ای، شما را بر آن ندارد که عدالت نکنید. دادگری و عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک تر است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

عدلُ ساعهٍ خَیرٌ مِنْ عِبادهِ سِتّینَ سَنهً قیامٌ لیلُها وصیامٌ نَهارُها وجَورُ ساعهٍ فی حُکمٍ أشدُّ وأعظمُ عِنْدَاللهِ مِنْ معاصِی سِتّینَ سنهً. (۳)

یک ساعت رعایت عـدالت، بهتر است از شـصت سال عبادت که شب های آن مشـغول عبادت و روزها روزه باشد. حکم یک ساعت جور و ستم نیز نزد خدا از شصت سال گناه، بالاتر است.

به امیرالمؤمنین علی علیه السـلام گفته شد: عاقل را برای ما توصیف کن. حضرت فرمود: «عاقل کسی است که هر چیزی را در جای خود قرار دهد». (۴)

۱- مفردات، ص ۵۵۲.

۲- نک: شوری: ۱۵.

۳- جامع الاخبار، ص ۱۵۴.

۴- نهج البلاغه، کلمات قصار ۲۳۵.

درباره عـدل باید به این توجه داشت که عدل و عدالت در جامعه و بین افراد بدین معنا نیست که همه به طور مساوی از چیزی برخوردار شوند، بلکه مساوات در شـرایط نامساوی، ظلم است، نه عدل؛ یعنی باید شرایط شخص در نظر گرفته شود. به عبارت دیگر، در معنی عـدل گفته انـد: «عدل هر چیزی را سـر جای خودش قرار دادن است، نه اینکه عدل به هر کس به طور مساوی دادن باشد. با توجه به میزان اسـتعداد، خلاقیت، تلاش و شـرایط انسان ها، نصیب آنها هم فرق می کند. خداوند در قرآن، همه افراد را در بهره گیری از نعمت های الهی، مساوی نمی داند و آن را به عملکرد خود انسان ها وابسته می داند:

أَفَمَن كَانَ مُؤْمِنًا كَمَن كَانَ فَاسِقًا لَّا يَسْتَوُونَ. (سجده: ۱۸)

آیا کسی که ایمان دارد، همانند کسی است که فاسق است. (خیر) اینها مساوی نیستند.

پس اگر عدل به عنوان یکی از راهکارهای مبارزه با اسـراف شـمرده شده، لازمه اش این است که به این نکته هم توجه داشـته باشـیم که رعایت عدالت به معنی رعایت تساوی نیست. مثلاً خانواده ای که پنج نفره هسـتند، طبیعتاً خرج و مصـرف آنها بیشتر از خانواده دو نفره است. نمی توان گفت هرچه این خانواده مصرف می کند، باید آن دیگری هم همان را مصرف کند، وگرنه این اسـراف خواهـد بود. پس شـناخت عـدل و معنی و مفهوم آن کمک می کند که معنی و مصداق های اسـراف را که اشاره کردیم نسـبی است، بهتر بشناسـیم. برای اینکه دچـار اسـراف نشویم، بایـد عـدالت را در همه امور زنـدگی خود رعـایت کنیم. روایت شده است که امیرالمؤمنین علی علیه السـلام به قنبر فرمود مردی را حدّ بزنند. قنبر اشـتباه کرد و سه تازیانه بیشتر زد. پس آن حضرت سه تازیانه اضافه را به قنبر زد. (۱)

۱- سفینه البحار، ج ۶، ص ۱۷۶۰.

شش _ شکرگزاری

از نظر لغوی، شکر به معنی «تَصَوُّرِ النِعمهِ واظِهارُها» (۱) است. راغب اصفهانی شکر را به سه دسته تقسیم می کند:

اول _ شکر قلب: تصوّر و به یاد آوردن نعمت هاست؛

دوم _ شکر زبان: بازشمردن نعمت ها و مدح و ثنای منعم است؛

سوم _ شکر دیگر اعضا و جوارح: تناسب در شکر نعمت است به اندازه توان و استحقاق هر عضو.

علامه طباطبایی ذیل آیه شریفه درباره معنی شکر فرموده است که شکر نعمت عبارت است از اظهار نعمت با اعتقاد و گفتار و رفتار؛ (۲) یعنی نعمت هایی را که خداوند به انسان عنایت کرده است، بشناسد و در رفتار و گفتار خود هم آنها را برشمرد. حضرت سلیمان می فرمود:

هَذَا مِن فَضْلِ رَبِّی لِیَبْلُوَنِی أَأَشْکُرُ أَمْ أَکْفُرُ. (نمل: ۴۰)

این از فضل پروردگار من است تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را به جای می آورم یا کفران می کنم.

علامه در جای دیگری هم اظهار عملی نعمت را به «وضعُ النّعمه فی موضعه» معنی کرده است؛ یعنی نعمت خداوند را در جایگاه خود و به بهترین صورت به کار گیرد. (۳)

با نگاهی به قرآن و روایات می بینیم که خداوند به همه پیامبران خود فرمان شکرگزاری داده است یا شکرگزاری را یکی از صفات نیک پیامبرانی چون نوح، (۴) ابراهیم، (۵) موسی، (۶) سلیمان، (۷) داوود، (۸) لقمان (۹) و محمد (۱۰) می داند. البته به این نکته هم اشاره کرده است که «قَلیلٌ مِنْ عِبادِیَ الشَّکُور». (۱۱)

۱- مفردات راغب، ص ۴۶۱.
۲- المیزان، ج ۱۲، ص ۳۴.
۳- المیزان، ج ۴، ص ۳۷.
۴- نک: اسراء: ۳.
۵- نک: نحل: ۱۲۱.
۶- بحارالانوار، ج۴، ص ۴۰.
۷- نک: نمل: ۱۹.
۸- بحارالانوار، ج۱۴، ص ۴۰.
۹- نک: لقمان: ۱۲.

١٠- نك: لقمان: ١۴.

١١- نك: سبأ: ١۴.

طبیعی است انسان وقتی هر روز، نعمت هایی را که خداوند به او عطا کرده است، به یاد آورد، سبب می شود قدر آنها را بهتر بداند و به راحتی آنها را ضایع نکند. وقتی انسان متوجه شود سلامتی و عافیت و نعمت های چشم و زبان و گوش چقدر مهم هستند و چه بسا کسانی از این نعمت ها محرومند، دیگر از آنها استفاده نادرست نمی کند. وقتی متوجه شود که در جامعه، کسانی هستند که شب ها به علت فقر با شکم گرسنه می خوابند، دیگر در اموالی که خداوند به او عنایت کرده است، اسراف نمی کند. این شکرگزاری سبب شناختن نعمت ها می شود و بهترین روش برای جلوگیری از اسراف است.

فصل ششم: محورهای برنامه سازی و موضوع های پیرامونی

۱. ایده های برنامه ای

الف) بهره وری از هسته خرما

اشاره

یـک ــ در یکی از روزها، پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله در جایی نشسـته بود و درحالی که با دست راست خرما می خورد، هسته خرمـا را در دست چپ جمع می کرد. گوسـفندی از آنجـا می گـذشت. پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله دست خود را مقابل گوسفند گرفت و آن هسته ها را به گوسفند خوراند. (۱)

دو ــ امام باقر علیه السـلام می فرماید: روزی مردی، امام علی علیه السلام را با کیسه ای بزرگ و پر از هسته های خرما دید. از امام علی علیه السلام پرسید: اینها چیست؟ امام علی علیه السلام در جواب فرمود: صد هزار درخت خرماست ان شاءالله.

جدّم، امام علی علیه السلام همه آن هسته های خرما را کاشت و یک دانه از آن را نیز وانگذاشت. (۲)

۱- بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۴.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۲.

سه ـ بشر بن مروان می گوید: نزد امام صادق علیه السلام رفتیم. امام دستور داد خرما آوردند. یکی از حاضران پس از خوردن خرما، هسته آن را پرتاب کرد. امام صادق علیه السلام دست او را گرفت و فرمود: چنین مکن که این کار، تبذیر است و خدا افساد را دوست ندارد. (۱)

محورهای قابل طرح

۱.جلوگیری از اسراف حتی در هسته میوه؛

۲.بهره گیری از پسماند ها برای تولید ثروت؛

۳.اصلاح الگوی رفتاری جامعه اسلامی؛

۴.تغییر نگرش نسبت به باقی مانده غذاها.

ب) تغییر الگوی اشتغال برای بهره وری بیشتر

اشاره

پس از هجرت مسلمانان از مکه به مدینه، پیامبر اسلام به آنان فرمود: ای گروه قریش، شما دام پروری را بیشتر دوست می دارید. از آن بکاهید؛ زیرا در سرزمین مدینه قرار گرفته اید که باران و چراگاه کمتری دارد. پس کشاورزی کنید؛ زیرا کشاورزی مایه برکت است و در آن، از ابزار شخم زیاد استفاده کنید. امام علی علیه السلام تنها فردی بود که به این سفارش پیامبر عمل کرد و در نخلستان های مدینه مشغول به کار شد.

محور های قابل طرح

۱. بهره گیری از شرایط محیط در اشتغال مولّد؛

۲. تأثیر محیط بر اصلاح الگوی تولید و بهره گیری بیشتر از مواد خام. (۲)

ج) دقت در مصرف بیت المال

اشاره

۱- اسراف از دیدگاه دین و دانش، ص ۱۸.

۲- بیهقی، سنن کبری، ج۶، ص ۲۲۹، ح ۱۱۷۵۳.

یک ـ امام علی علیه السلام در نامه ای به یکی از کارگزاران حکومتش درباره حفظ بیت المال در دستگاه حکومت چنین توصیه می کند:

هنگام نوشتن، قلم هایتان را باریک و سطر هایتان را به هم نزدیک و سخن اضافی را حذف کنید. بیش از آنچه مقصود را برساند، ننویسید و از زیاده روی بپرهیزید؛ چون نباید به اموال مسلمانان زیانی برسد. (۱)

دو ـ هنگامی که طلحه و زبیر برای کاری شخصی نزد امام علی آمدند، امام علی علیه السلام، چراغی را که روبه رویش بود، خاموش کرد و دستور داد چراغی را از خانه بیاورند. طلحه و زبیر دلیل این کار را از حضرت علی علیه السلام پرسیدند. امام علی علیه السلام پاسخ داد: روغن چراغ از بیت المال بود و سزاوار نبود در نورش با شما صحبت کنم. (۲)

محورهای قابل طرح

۱. پرهیز از مصرف بیت المال به دست کارکنان دولت در مصارف شخصی؛

۲. اسراف در بیت المال شامل جزئی ترین مصرف ها هم می شود؛

۳. کارگزار حکومت اسلامی در برابر هرگونه خرج اضافه بر نیاز و ضرورت، باید پاسخ گو باشد؛

۴. ضرورت حساب رسی مدیران و الگو بودن خودشان در بهره وری عمومی از بیت المال.

د) پرهیز از اسراف آب

اشاره

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از راهی می گذشت. دید یکی از یارانش به نام سعد در حال وضو گرفتن است و آب زیادی می ریزد. پیامبر فرمود: چرا اسراف می کنی

۱- خصال صدوق، ص ۳۱۰.

۲- سیاست نامه امام علی علیه السلام، ص ۴۴۵.

ای سعد؟ سعد پرسید: آیا در آب وضو نیز اسراف هست؟ پیامبر پاسخ داد: آری، هر چند در کنار جوی آب باشی. (۱)

محورهای قابل طرح

۱. وظایف شرعی، دلیلی برای اسراف نیست؛

۲. وفور منابع طبیعی نباید توجیهی برای اسراف باشد.

ه_) اسراف در وصیت

اشاره

مرد انصاری که پنج یا شش برده داشت، هنگام مرگ، همه آنها را آزاد کرد، با اینکه سرمایه دیگری نداشت تا برای کودکان خردسالش باقی بگـذارد. هنگامی که پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله این حکایت را شـنید، فرمود: اگر به من می گفتیـد، نمی گذاشـتم او را در میان قبرسـتان مسـلمانان دفن کنید. چرا بچه های کوچکش را گذاشـته است تا برای گذران زندگی از مردم درخواست کنند. سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این آیه را تلاوت فرمود: «کسانی که هنگام انفاق کردن، نه اسراف می کنند و نه بخل می ورزند». (۲)

محورهای قابل طرح

۱. میانه روی در انفاق سبب می شود انفاق همیشگی باشد؛

۲. کسی که به دلیل نادرست مصرف کردن، دیگران (خانواده خود) را به زحمت بیندازد، از رحمت خدا دور است.

۳. کودکان افراد توانگر به دلیل الگوی نادرست پدران خود، به تهی دستانی جدید تبدیل می شوند.

۱- اسراف از دیدگاه دین و دانش، ص ۱۸.

۲- پند تاریخ، ج ۳، ص ۲۲۵.

و) چاره اندیشی برای مصرف ماندگار

اشاره

هنگامی که علی علیه السلام با زحمت و ضربه های طاقت فرسای خود، در دل چاه های ینبع، آب گوارا را جاری می ساخت، مردم گفتند: وارثان علی را بشارت دهید (که پدرشان برای آنان باغ های آباد باقی گذارد). امام علی علیه السلام کاغذ و قلم طلب کرد و وارثان خود را چنین بشارت داد:

وارثان را بشارت دهید که همه را در راه خدا، بر نیازمندان، بینوایان و واماندگان دور و نزدیک، در صلح و جنگ وقف کردم. (۱)

محورهای قابل طرح

۱. وقف، الگویی است برای مصرف ثروت های کلان در همه زمان ها؛

۲. پرهیز از تراکم اموال نزد وارثان و افراد خاص و بهره مندی عمومی از آن؛

۳. تشویق فرزندان و مسلمانان برای کار و تلاش جهت تولید ثروت و بهره برداری صحیح از ثروت های به دست آمده؛

۴. جلوگیری از تن پروری و آماده خوری.

ز) جلوگیری از رکود ثروت عمومی

اشاره

هنگام غروب، اموالی را برای بیت المال آوردند. حضرت علی علیه السلام دستور داد تا آن را بین نیازمندان توزیع کنند. کارگزاران بیت المال بهانه آوردند که اکنون شب فرا رسیده است و تا صبح فردا صبر کنید. امام پاسخ داد: «دوست ندارم این اموال در اینجا بماند، درحالی که مردم به آن نیاز دارند». (۲)

محور های قابل طرح

۱. انبار کردن بیت المال مایه فقر می شود؛

۱- دانش نامه امام علی علیه السلام، ج ۷، ص ۲۹۳.

۲- دانش نامه امام علی علیه السلام، ج ۷، ص ۳۰۷.

۲. استفاده از اموال عمومی در زمانی که نیازمندان به آن نیاز دارند، اسراف نیست.

ح) پاسخ امام علی علیه السلام و طعنه به بخیلان مال اندوز

اشاره

روزی علی علیه السلام در حالی که پیراهن کهنه ای بر تن داشت، بر گروهی از قریش گذشت. آنان با مشاهده ظاهر آن حضرت گفتند: علی تهی دست شده است. این سخن به گوش حضرت رسید و به متولی صدقات چنین دستور داد: «از محصول خرما برای کسی نفرست. آنها را انبار کن، به تدریج بفروش و تبدیل به پول کن. پول ها را در انبار خرما روی هم جمع کن و روی آنها را با خرما بپوشان به گونه ای که دیده نشوند. هر گاه من طلب خرما کردم، به بالا برو، به پول نگاه کن و با پایت به آن بزن. گویا که کاری به پول ها نداری و آنها را پخش کن. امام سپس به دنبال چند نفر از آن افراد فرستاد و آنها را دعوت کرد و در حضور آنان خرما طلبید. خادم امام بالا رفت و با پا پول ها را پخش کرد. آنان با تعجب گفتند: یا اباالحسن: این چیست؟ امام فرمود: «این مال کسی است که (فکر می کنید) مالی ندارد.» آن گاه دستور داد مانند برنامه پیشین، سهم خرما های هر خانه را بپردازند. (۱)

محور های قابل طرح

۱. سیره عملی امام علی علیه السلام در مصرف در آمد های زیاد؛

۲. نگه داری ثروت سبب ماندگاری آن نمی شود، بلکه کار کردن، ثروت را زیاد و ماندگار می کند.

۱- اصول کافی، ج ۶، ص ۴۳۹، ح ۸.

ط) مصرف گرایی هماهنگ با پیشرفت های جامعه

اشاره

یک ــ روزی سفیان ثوری در مسجد الحرام، امام صادق علیه السلام را دید، درحالی که آن حضرت لباس های نیکو و گران قیمت بر تن داشت. سفیان با خود گفت: به خدا سوگند، نزد او می روم و او را سرزنش خواهم کرد. سفیان نزد امام صادق علیه السلام آمد و گفت: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله، نه پیامبر و نه علی و هیچ یک از پدرانت چنین لباسی نمی پوشیدند. امام صادق علیه السلام پاسخ داد: رسول خدا صلی الله علیه و آله در زمان تنگی و سختی به سر می برد و رفتار او بر این اساس بود، ولی دنیا پس از آن حضرت، سختی ها و تنگنا های خود را فرو نهاد. پس سزاوار ترین مردم دنیا نسبت به (بهره گیری از نعمت های) آن، ابرار و نیکان آن هستند. (۱)

دوــ حکم بن عتیبه می گوید که بر امام باقر علیه السلام وارد شدم، درحالی که در خانه ای آراسته به سر می برد و پیراهنی تازه و عبایی رنگین بر تن داشت، به گونه ای که رنگ عبا بر شانه آن حضرت اثر گذاشته بود. من با شگفتی به خانه و سر و وضع امام می نگریستم که حضرت فرمود: حکم، در این مورد چه می گویی؟ عرض کردم: انتظار نداشتم درباره پوششی که بر تن شما می بینم، سخن بگویم. پیش ما چنین کاری، از کسی سر می زند که در عنفوان جوانی باشد. امام فرمود: حکم، چه کسی زینت خدا که آن را برای بندگانش آفریده و روزی های پاک را حرام کرده است؟ این پوشش، از جمله زینت هایی است که خداوند، برای بندگان خود آفریده است. خانه ای نیز که می بینی، خانه همسرم است که به تازگی با او عروسی کرده ام. خانه خودم، همان است که می شناسی. (۲)

محورهای قابل طرح

۱- اصول کافی، ج ۶، ص ۴۴۲.

۲- اصول کافی، ج ۶، ص ۴۴۶.

۱. ضرورت فرهنگ سازی رسانه برای استفاده صحیح از پیشرفت های فن آوری در زندگی های فردی و اجتماعی؛

۲. افراط گرایی در حرام کردن حلال ها بدون توجه به دگرگونی های زمان؛

۳. الگوسازی پیشوایان دین در زیباسازی ظاهر دین داران در زمان توسعه اقتصادی.

ی) اصلاح الگوی تغذیه

اشاره

یک ـ یکی از علمای کهن سال که حدود صد سال از عمرش می گذشت، می فرمود: تا این ساعت به طبیب مراجعه نکرده ام. از او پرسیدند: چگونه چنین چیزی امکان دارد؟ شما در زندگی چه برنامه ای داشتید که تا کنون بیمار نشده اید؟ فرمود: من از دستور های غذایی که معصومین داده بودند، پیروی کردم! هم در نوع خوردنی ها و هم در مقدار خوردن آنها. (۱)

دو ـ یکی از ملوک عجم، طبیبی حاذق به خدمت مصطفی صلی الله علیه و آله فرستاد. سالی در دیار عرب بود و کسی تجربه پیش او نیاورد. معالجه از وی درنخواست. پیش پیغمبر آمد و گله کرد که مر این بنده را برای معالجت اصحاب فرستاده اند و در این مدت، کسی التفاتی نکرد تا خدمتی که بر بنده معیّن است، به جای آورد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «این طایفه را طریقی است که تا اشتها غالب نشود، نخورد و هنوز اشتها باقی بود که دست از طعام بردارد». (۲)

با آنکه در وجود طعام است عیش نفس

رنج آورد طعام که بیش از قدر بود

۱- رضا باقی زاده، بهجت عارفان، ص ۱۸۶.

۲- کلیات سعدی، ص ۹۳.

گر گل شکر خوری به تکلف، زیان کند

ور نان خوشکِ دیر خوری، گل شکر بود

محورهای قابل طرح

۱. فرهنگ سازی الگوی صحیح تغذیه؛

۲. پرهیز از رژیم های لاغری و غذایی زیان آور؛

۳. تأثیر اصلاح فرهنگ تغذیه بر کاهش هزینه های درمانی به ویژه چاقی.

ک) توجه به نیازمندان در زمان بلایای طبیعی

اشاره

شخصی به نام معتب می گوید: در یکی از سال ها که قیمت مواد غذایی در شهر مدینه رو به افزایش نهاده بود، امام صادق علیه السلام به من فرمود: موجودی گندم ما چقدر است ؟ عرض کردم: به قدری است که برای چند ماه کفایت می کند. حضرت فرمود: آن را بیرون ببر و بفروش. هنگامی که من گندم ها را فروختم، امام صادق علیه السلام فرمود: همراه با مردم، گندم خانه مرا روز به روز خریداری کن. مصرف خانه مرا نیمی از جو و نیمی از گندم قرار بده. خداوند می داند که من می توانم نان خانه خود را از گندم تامین کنم، ولی دوست دارم خداوند مرا در حالی ببیند که در معیشت خود حسن تقدیر دارم. (۱)

محورهای قابل طرح

۱. همراهی پیشوایان دین با مردم عادی در زندگی (سختی ها و رفاه نسبی)؛

۲. پرهیز از فرصت طلبی در زمان بلایای طبیعی و حوادث بشری.

ل) برتری دانش بر فضل

اشاره

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۶۵.

روزی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وارد مسجد شد و دید که مردم دور کسی حلقه زده اند. پیامبر فرمود او کیست؟ گفتند او علامه است؛ زیرا انساب عرب را می شناسد و تقویم جاهلیت را می داند و اشعار عرب را حفظ است. پیامبر فرمود: این علمی است که ندانستن آن ضرری نمی رساند و از دانستن آن سودی حاصل نمی شود. علم بر سه دسته است: آیه محکم، فریضه عادل و استوار و سنت پا برجا و غیر این سه دسته، تنها فضل است. (۱)

محورهای قابل طرح

۱. پرهیز از وقت گذرانی با علوم بی ارزش؛

۲. معرفی علم نافع و سرمایه گذاری برای آن؛

۳. شناخت شاخه های علوم و جدا کردن علم کاربردی از علوم غیر کاربردی.

م) ارزش هزینه کردن در راه دانش

اشاره

مسلمانان مدینه هر روز نزد پیامبر می آمدند و خصوصی و آهسته، مسائل خود را می پرسیدند. در این میان، ثروتمندان بیشتر وقت پیامبر را می گرفتند و فقیران فرصت نمی کردند نزد پیامبر بیایند. آنان با این کار برای خود کسب وِجهه و موقعیت می کردند و پیامبر هم زحمت های آنان را تحمل می کرد. برای آزمایش مسلمانان، آیه ۱۲ سوره مجادله نازل شد و به مسلمانان گفته شد هنگامی که می خواهید با پیامبر نجوا کنید، ابتدا صدقه دهید. پس از نزول این آیه، دیگر کسی نزد پیامبر نمی آمد. تنها شخصی که به این آیه عمل کرد، علی علیه السلام بود. او یک دیناری را که در اختیار داشت،

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۳۲.

به ده درهم تبدیل کرد و هر بار یکی را صدقه می داد و نزد پیامبر می رفت و خصوصـی از پیامبر، علم می آموخت. پس از ده روز، آیه نسخ شد و فضیلت علی علیه السلام بر دیگر مسلمانان آشکار شد. (۱)

محورهای قابل طرح

۱. دانش اندوزی، آسان و با تنبلی به دست نمی آید؛

۲. پولی که در راه به دست آوردن دانش صرف می شود، به سرمایه ای گران بها و ماندگار تبدیل می شود؛

۳. گاهی جامعه (ثروتمندان و طبقه متوسط) با اموالشان آزمایش می شوند؛

۴. تدبیر در مدیریت اجتماعی.

ن) مهریه قرآنی

اشاره

پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله در بین اصحاب نشسته بود. زنی از راه رسید و از پیامبر می خواست او را به عقد خود درآورد. پیامبر نگاهی به زن انداخت. سپس نگاه خویش را از او برگرفت و سـکوت کرد. زن همچنان منتظر ماند. یکی از اصـحاب از میان جمع بلند شد و از پیامبر درخواست کرد آن زن را به ازدواج او درآورد.

پیامبر از او پرسـید: برای مهریه چه چیزی نزد خود داری؟ مرد سوگنـد یاد کرد که هیـچ ندارد. پیامبر او را به خانه اش فرسـتاد. مرد پس از مدتی دست خالی بازگشت. باز پیامبر او را به خانه اش فرسـتاد، ولی این بار هم دست خالی آمد. مرد گفت حاضر است پیراهنی را که در تن دارد، دو نیمه کند و نیمی از آن را مهریه قرار دهد، ولی پیامبر نپذیرفت. مرد که ناامید

۱- رازگویی قرآن، ص ۱۷۵.

شـده بود، از جـا برخـاست که برود. پیـامبر از او پرسـید: آیـا قرآن حفـظ داری؟ مرد چنـد سوره را نـام برد. پیامبر آن زن را به ازدواج آن مرد در آورد و مهر زن را آموزش همان چند سوره قرار داد. مرد نیز همراه همسرش راهی خانه بخت شد. (۱)

محورهای قابل طرح

۱. الگوسازی برای مهریه و ازدواج آسان؛

۲. تبدیل قرآن و دانش به مهریه زنان به جای طلا و سکه.

س) جلوگیری از خرج کردن در راه گناه

اشاره

شخصـی، کاری را برای امام هادی علیه السلام انجام داده بود و مبلغ چهارصد درهم از ایشان طلب داشت. وی به دوست خود گفت: بـا دویست درهم از این پول، پـارچه می خرم تـا بـا آن تجارت کنم و با دویست درهم بقیه، خرما می خرم تا با آن نبیذ (نوعی شـراب) درست کنم. دوسـتش با شـنیدن این حرف از او روی برگردانـد. در این هنگام، امام هادی علیه السـلام رسـید، درحـالی که آثـار خشم در چهره اش پیـدا بود. پس از مرکب پـایین آمـد و فرمود: «مقبـل (نـام غلام حضـرت) به داخل برو و چهارصد درهم بیاور و به این ملعون بده و به او بگو: این حق توست. با دویست درهم آن پارچه بخر و نسبت به تصـمیمی که دربـاره دویست درهم بـاقی مانـده گرفته ای، از خـدا بترس.» مقبـل می گویـد که من پول ها را به آن شـخص دادم و پیام امام هادی علیه السـلام را نیز به او گفتم. او گریه کرد و گفت: سوگنـد به خـدا، هیچ گاه نبیذ و مست کننده دیگری ننوشـیده ام و سرور تو این را می داند. (۲)

۱- سرگذشت های تلخ و شیرین قرآن، ج ۱، ص ۷۲.

۲- دلائل الامامه، ص ۲۲۰.

محورهای قابل طرح

۱. پیش گیری از هدر رفتن سرمایه؛

۲. الگوسازی برای مصرف درآمد جوانان.

۲. برنامه های ترکیبی

الف) برنامه خانواده

اشاره

بررسی تطبیقی الگوی مصرف در خانواده از دیدگاه اسلام و در جامعه امروز در موضوع های زیر:

یک ـ مهریه

اول ـ تأثیر مهریه متعارف بر ثبات ازدواج؛

دوم ـ واکاوی علل افزایش مهریه و تأثیر آن بر زندگی جوانان.

دو ـ نفقه همسر و فرزندان

اول ـ معنای نفقه و نمونه های آن از دیدگاه اسلام و حقوق مدنی؛

دوم ـ نفقه در گروه های گوناگون اجتماعی.

سه ـ تقسیم وقت در اسلام

اول ـ تقسیم زمان در تربیت فرزندان؛

دوم ـ تأثیر اضافه کاری بر دیگر مناسبات فردی و خانوادگی؛

سوم ـ اختصاص وقت برای تفریحات سالم به ویژه برای خانواده و کودکان و نوجوانان.

چهار ـ فرهنگ و الگوی تغذیه در اسلام

اول ــ توصیه های غذایی اسلام

۱. آداب

۲. غذاهای طبیعی

ص:۱۱۶

۳. مصرف متعادل گوشت

دوم _ اسراف در تغذیه؛

سوم _ تغذیه ممنوع.

پنج _ آرایش

اول _ اهتمام اسلام به تمیزی و زیبایی؛

دوم _ تأثیر زیبایی مصنوعی بر بهداشت بدن؛

سوم _ طراحی چیدمان خانه؛

چهارم _ سهم مصارف بهداشتی خانواده؛

شش _ مهمانی ها

اول _ آداب مهمانی رفتن و مهمانی دادن؛

دوم _ احکام ولیمه عروسی، تولد، خرید خانه و زیارت؛

سوم _ پیشینه اسراف در جشن های عروسی و تولد در جامعه اسلامی.

هفت _ مسکن

اول _ اصلاح الگوی مسکن در جامعه امروز؛

دوم _ افراط و تفریط در متراژ واحد های مسکونی؛

سوم _ حدّ متعادل لوازم خانه؛

چهارم _ هزینه های سرسام آور جهیزیه؛

پنجم _ جهیزیه آسان و آبرومند.

ب) الگوی مصرف در سریال های تلویزیونی ایرانی

یک ــ تجمّل و تبرّج تلویزیونی

دوــ ضرورت شیک بودن در تلویزیون و اندازه آن

سه ــ مصداق های شیک بودن یا تجمل تلویزیونی

اول ـ آرایشی و پوشش بازیگران

دوم ـ خانه های نمایش داده شده

سوم ـ لوازم خانه و اکسسوار صحنه

چهارم ـ اتومبیل های مورد استفاده بازیگران

پنجم ـ نوع تفریحات و مسافرت های نمایش داده شده

ششم ـ نوع الگوی تغذیه و تنقلات مصنوعی

هفتم ـ وضعیت اجتماعی و شغلی مردان و زنان در سریال های ایرانی

ج) فرآیند تاریخی تغییر الگوی مصرف در جامعه ایران

اول ـ شکست ایران از روسیه و باز شدن راه مصرف کالاهای روسی و انگلیسی در بازار ایران؛

دوم ـ اصلاحات پیش گیرانه امیرکبیر برای جلوگیری از وابستگی اقتصادی و سیاسی ایران؛

سوم ـ تغییر رویکرد مصرف دربار و روشن فکران ایرانی پس از امیر کبیر؛

چهارم ـ تاثیر نهضت تنباکو، جنبش مشروطه (تحریم کالای خارجی) و جنبش ملی شدن نفت بر اصلاح الگوی مصرف؛

پنجم ـ مدرنیسم رضاخانی و مصرف گرایی دولتی؛

ششم ـ اصلاحات ارزی و صنایع مونتاژ و ترویج مصرف گرایی؛

هفتم ـ تأثیر درآمد بادآورده نفتی بر اقتصاد و مصرف ایرانیان (بیماری هلندی)؛

هشتم ـ تأثیر انقلاب و جنگ بر اصلاح الگوی مصرف؛

نهم ـ نقش سیاست های دولت ها پس از جنگ تحمیلی در ترویج مصرف گرایی؛

دهم ــ استفاده ابزاری غرب از ابزار تحریم و جایگاه مصرف گرایی در این مقوله (با تأکید بر انرژی و به ویژه مصرف بنزین در ایران).

سخنان کوتاه از معصومین علیهم السلام در مورد اسراف، قناعت و...

۱. امام علی علیه السلام: من آفریده نشدم تا به مصرف خوراکی های لذیذ مشغول شوم؛ همچون چارپایان که کوشش آنها در خوردن علف و هضم آن است و از غرض آفرینش خود، بی خبرند. (۱)

۲. امام علی علیه السلام: من دارایی ها را به گونه ای قرار ندادم تا در بین ثروتمندان دست به دست شود. (۲)

۳. امام علی علیه السلام: به هر کجا می خواهی، چشم بگردان و مردم را بنگر. آیا جز فقیری که از فقر خود رنج می برد یا ثروتمندی که نعمت خدا را کفران می کند یا بخیلی که در ادای حق خدا بخل می ورزد تا بر ثروتش بیفزاید یا سرکشی که گوشش برای شنیدن اندرز ها گران شده است چیز دیگری خواهی دید؟ (۳)

۴. امام علی علیه السلام: آن کس که به روزی کفاف بسنده کند، آسایش می یابد و در گشایش زندگی قرار می گیرد و طمع، کلید سختی ها و مرکب رنج هاست. (۴)

۵. امام علی علیه السلام: کمی اولاد (نان خور)، یکی از دو توانگری است. (۵)

۶. امام علی علیه السلام: در نامه ای به یکی از کارگزاران حکومتی نوشت:

۱- نهج البلاغه، نامه ۴۵، ص ۴۱۸.

۲- اصول کافی، ج ۸، ص ۶۱.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۲۹.

۴- نهج البلاغه، حکمت ۳۷۱.

۵- نهج البلاغه، حکمت ۱۴۱.

۷. امام علی علیه السلام: باید بیش از تحصیل خراج (مالیات)، در اندیشه آبادانی باشی؛ زیرا مالیات به دست نیاید مگر به آبادانی زمین. هر کس که مالیات می گیرد و زمین را آباد نکند، شهرها و مردم را نابود می کند و حکومتش دوام ندارد. (۱)

۸. امام علی علیه السلام: حق شما بر من این است که خیرخواه شما باشم و درآمد بیت المال شما را افزایش دهم. (۲)

۹. امام علی علیه السلام: هر کس آب و خاکی بیابد و باز هم فقیر باشد، خدا او را از رحمت خود دور می کند. (۳)

۱۰. امام علی علیه السلام: در زمان زمامداری من (امام علی علیه السلام)، همه مردم کوفه، از نعمت برخوردار هستند: پایین ترین طبقات مردم، نان گندم مصرف می کند و صاحب سر پناه است و از آب فرات می نوشند. (۴)

۱۱. امام علی علیه السلام: تدبیر بد، بسیار را نابود می کند. (۵)

۱۲. امام علی علیه السلام: اندازه نداشتن در معیشت، فقر می آورد. (۶)

۱۳. امام علی علیه السلام: جمع شدن مال در دست بخیلان، یکی از دو عامل قحطی است. (۷)

۱۴. امام علی علیه السلام: مؤمن ساعت های زندگی خود را به سه بخش تقسیم می کند: قسمتی را به مناجات با پروردگارش می گذراند. بخشی دیگر را در

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۳۴.

۳- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۴.

۴- بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۳۲۷.

۵- غررالحکم، ج۳، ص ۳۸.

۶- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۴۷.

۷- نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج۲، ح ۸۳۹.

راه گذران معاش زندگی اش به کار می گیرد و قسمتی را برای بهره گیری از لذت های حلال و زیبنده صرف می کند. (۱)

۱۸. امـام علی علیه السـلام: عمر، کوتاه تر از آن است که آنچه را دانسـتنش نیکوست، فراگیری. بنابراین، اموری را فرا گیر که اهمیت بیشتر دارد. (۲)

۱۵. امام صادق علیه السـلام: خداوند را فرشـته ای است که اسـراف در وضو را می نویسد، همان گونه که ستم کاری نسبت به آن را می نویسد. (۳)

۱۶. امام صادق علیه السـلام: کمترین اسراف آن است که زیادی آب دور ریخته شود، لباس بیرون خانه به عنوان لباس خانگی مورد استفاده قرار گیرد و هسته های خرما دور انداخته شود. (۴)

۱۷. امام صادق علیه السلام: حسن تدبیر همراه با کفایت، برای تو از مال فراوان همراه با اسراف، کفایت کننده تر است. (۵)

۱۹. حضـرت محمـد صـلی الله علیه و آله: هر کس از سـر ریا و خودنمایی، سـفره دهد و اطعام کند، خداوند مثل همان غذا، از غذای چرکین جهنم به او بخوراند و همان طعام را به صورت آتشی در درون او قرار دهد تا اینکه میان مردم داوری کند. (۶)

۲۰. امام باقر علیه السـلام: مسـلمان با سه چیز به کمال می رسـد: خوب فهمیـدن دین، انـدازه داشـتن در زندگی و شـکیبایی بر مصیبت ها. (۷)

۱- نهج البلاغه، حکمت ۳۹.

۲- نهج البلاغه ابن ابی الحدید،ج ۲۰، ص ۲۶۲.

۳- اصول کافی، ج۳، ص ۲۲.

۴- اصول کافی، ج۶، ص ۴۶۰.

۵- تحف العقول، ص ۷۹.

۶- شیخ صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال.

۷- خصال صدوق، ج ۱، ص۱۲۴ .

۲۱. امام علی علیه السلام در نامه ای به زیاد بن ابیه که قائم مقام ابن عباس در استانداری بصره بود، چنین نوشت:

به خداوند سوگند یاد می کنم که اگر سوگندی از روی راستی و درستی به من برسد (ثابت شود) که در اموال عمومی مسلمانان، به مقدار کم یا زیاد، خیانت کرده ای، بر تو سخت خواهم گرفت، چنان سخت گیری که تو را کم مایه و گران پشت و خوار گرداند. (۱)

۲۲. امام هادی علیه السلام: کفران نعمت ها، نشانه سرمستی و سبب تغییر و نابودی نعمت هاست. (۲)

۱- نهج البلاغه، نامه ۲۰ .

۲- زندگانی امام هادی علیه السلام، ص۱۹۹.

فصل هفتم: آسیب شناسی نمونه فیلم های ساخته شده

اصلاح الگوی مصرف، یک شعار نیست، بلکه یک فرهنگ است و باید در تمامی بخش های زندگی فردی و اجتماعی جریان پیدا کند. اگر فرهنگ اصلاح الگوی مصرف در یک بخش از اجتماع حاکم باشد، ولی در بخش دیگری وجود نداشته باشد، توسعه نامتوازنی رخ می دهد یا اگر تنها در بخش فردی تحقق یابد و در اجتماع نباشد، جامعه ای نامتوازن خواهیم داشت.

از آنجا که رسانه ملی، منبع قابل اعتمادی برای بسیاری از مردم است و رسالتی را نیز بر عهده دارد، علاوه بر اینکه خود در زمینه اصلاح مصرف باید الگو باشد، شایسته است الگوهای اصلاح شده مصرف را نیز هر چه بیشتر به جامعه معرفی کند تا به فرهنگ سازی کمک شود. رسانه ملی این دو وظیفه را به خوبی انجام نمی دهد و از نوع محصولات تولیدی آن می توان فهمید که رسانه ملی، مصرف گراست و مصرف گرایی را ترویج می کند. برای بهتر روشن شدن این مطلب، به بررسی چند سریال ساخته شده در سال های اخیر می پردازیم.

اولین سریال مورد نظر، سریال «دردسر والدین» است که در سال ۱۳۸۱ از تلویزیون پخش شد و از جمله سریال های اجتماعی پربیننده بود و قاعدتاً هم باید از سریال های بدون مظاهر تجملی باشد.

موضوع این سریال در مورد دو خانواده است که یکی از آن دو، از وجود مادر، محروم است و دیگری از وجود پدر. خانواده اول شامل پدر و چهار فرزند است و خانواده دوم از مادر و سه فرزند تشکیل شده است. پدر در خانواده اول، کارمند معمولی یک شرکت است و مادر در خانواده دوم، از راه خیاطی، زندگی خود و سه فرزند محصلش را اداره می کند. فرزندان هر دو خانواده هم در مدرسه دولتی درس می خوانند. به این ترتیب، سطح زندگی و درآمد این دو خانواده قابل درک است. در نمایی از قسمت اول این سریال، آشپزخانه ای را می بینیم که حتی کابینت بالای ظرف شویی هم ندارد و در سمت دیگرش، ظروف آشپزخانه را روی قفسه های کتابی چیده اند. گاز خوراک پزی هم از نوع پنج شعله ی ارزان قیمت است و قابلمه هایی بسیار کهنه و از مدافتاده روی آن قرار دارد. در نمای دوم، هال همان خانه را نشان می دهد که مجهز به مبلمان است. اگر این مبلمان از نوع ارزان قیمت هم باشد، به بیننده القا می کند که مبل جزو حداقل امکانات زندگی است، حتی اگر آشپزخانه خانه تان، حداقل کابینت برای محافظت از ظروف آشپزخانه و همین طور دیگر امکانات لازم یا رفاهی را نداشته باشد.

در نمای بعد که آن هم به فاصله چند ثانیه می آید، اتاق خواب بچه های همین خانه را می بینیم که یک تخت خواب در گوشه ای از آن به چشم می خورد. این نما هم تخت خواب را جزو ضروریات زندگی امروزی نشان

می دهـد، حتی اگر خانه اسـباب ضـروری تر از تخت خواب و مبل را نداشـته باشـد. در نتیجه، برای تعداد زیادی از بچه ها که بیشتر آنان، جزو قشر متوسط و متوسط به پایین بوده و نظاره گر این گونه برنامه ها هستند، توقع ایجاد می شود.

همچنین در صـحنه های بعـد، در رفتار پـدر خانواده موصوف، هیچ نشانی از قشـری که متعلق به آن است، نمی بینیم. در واقع، اشـکال در شخصـیت پردازی ایـن پـدر اسـت. در اولین نمـایی که پـدر را در این سـریال می بینیم (این نمـا چنـد دقیقه پس از نماهـای یاد شـده است)، او با دستی پر از خریـدهایی که برای خانه کرده است، وارد خانه می شود. این خریـدها آن قـدر زیاد است که تا بالای سر پدر آمده است و حتی مقداری از آن را به دندانش گرفته است و پدر مجبور می شود با پایش در بزند. با همه این اوصاف، در نمای بعـدی پدر هنگام ورود به خانه، کفشـش را حتی قبل از به زمین گذاشـتن خریدهایش، از پا در می آورد و دمپایی روی فرش را می پوشد. ما پوشیدن دمپایی روی فرش را نشانه افراد به اصطلاح کلاس بالا و متعلق به رده بالای اجتماع می دانیم. معمولاً مردمی که در خانه شان، قالی دارند، کمتر از صـندل روی فرش استفاده می کنند. مطمئناً قشر متوسط جـامعه به ویژه پـدران خانواده بیشتر از اینکه به فکر پوشـیدن دمپایی روی فرش باشـند، حتی درحالی که آن قـدر خریـد انجام داده انـد که جلوی چشـمانشان را نمی بیننـد، به فکر نـان شـبشان، هزینه تحصـیل فرزنـد و اجـاره خـانه شـان هسـتند. در نمـای دیگری، همین پـدر را می بینیم که همه ی خریدش تنها دو هندوانه است، ولی با این حال، هنگام سوار شدن به ماشـینش، آنها را درون صندوق عقب ماشین می گذارد. این کار هم در

جامعه ما، نشانه ای از به اصطلاح کلاس بالا بودن فرد است. بیشتر مردم به ویژه مردم معمولی کوچه بازار، خریدشان را روی همان صندلی ماشینشان جای می دهند، به ویژه وقتی مقدار آن در حد دو هندوانه باشد.

ممکن است کسی اشکال بگیرد که شاید سازندگان این سریال می خواستند با نشان دادن این کارها (دمپایی روی فرش پوشیدن و گذاشتن خرید جزئی در صندوق عقب ماشین) فرهنگ سازی کنند. ما در مقابل می پرسیم: آیا با فرهنگ بودن به این کارهاست؟ اتفاقاً برعکس، از همین پدر، کارهایی را می بینیم که کاملاًـ نشانه هایی از بی فرهنگی و به اصطلاح، بی کلاسی است. برای مثال، در صحنه دیگری از همین قسمت سریال، پدر خانواده که ماشین تقریباً فرسوده ای هم سوار می شود، وقتی می خواهد صبح بیرون برود، هر چه ماشینش را استارت می زند، روشن نمی شود. در این هنگام، از دو پیرمرد متشخص با سن ۸۰ به بالا که یکی از آنها با عصا راه می رود و در حال عبور از آن جا هستند، با حالتی نه چندان مؤدبانه می خواهد که ماشینش را هل بدهند تا روشن شود. آنها هم این لطف را در حقش انجام می دهند، ولی به قیمت به نفس نفس افتادن هر دویشان. به نظر می رسد افراد به اصطلاح کلاس پایین جامعه هم که کمترین بویی از ادب و احترام به بزرگ سالان برده باشند، هیچ وقت چنین کاری انجام نمی دهند، حتی اگر مجبور شوند بدون ماشین به مقصدشان بروند. اصلاً سوار شدن چنین ماشینی که از هر سه بار، دو بار روشن نمی شود و گل گیر جلوی سمت راننده و عقب سمت شاگرد آن به طور کامل صاف کاری شده است، در جامعه ما نوعی بی کلاسی به شمار می آید.

در دقیقه ۳۷:۴۸ قسمت ششم سریال، شوهر دوست صمیمی مادر خانواده دوم که بعد از ازدواج این مادر با پدر خانواده اول، آنها را به ویلا-یش در لواسان دعوت کرده است، به پدر خانواده ــ که وصف او و همچنین طبقه ی اجتماعی متعلق به آن گذشت ــ می گوید: برای زندگی در تهران، سه چیز باید داشته باشی: خانه، ماشین و ویلا. پدر موصوف در جواب، با لحنی همراه با تأیید اضافه می کند: و تلفن همراه. این دیالوگ به بیننده چه چیزی را القا می کند؟ چیزی جز حسرت این پدر برای داشتن آنچه شوهر دوست همسرش دارد؛ آن هم پدری که ما درست کاری او را در جای دیگری از سریال با قبول نکردن رشوه در کمال احتیاج به پول دیده ایم.

سریال دوم مورد بحث، سریال پربیننده «مسافری از هند» است. این سریال نیز با موضوع اجتماعی در سال ۱۳۸۱ تهیه و پخش شد. کارگردان این سریال که به عنوان کارگردانی شیک ساز معروف است و تهیه کننده سریال «پول کثیف» هم بود، در همه جای این سریال، از نماهای اشرافی کمال بهره را برده است. برای مثال، نمای بیرونی خانه ای اشرافی که یکی از لوکیشن های اصلی این سریال است، به طور متوسط، در هر قسمت از سریال، دو یا سه بار، از زوایای مختلف نشان داده می شود. در مجموع از هشت قسمت سریال، ۲۴ بار از نمای بیرونی این خانه، با زوایای متفاوت تصویربرداری شده است.

مورد دیگر اینکه لوکیشن سکانس های چندی از قسمت های مختلف این سریال، لبه استخری است که در زیرزمین این خانه قرار دارد و با نورپردازی، فضایی خیره کننده و چشم نواز ایجاد شده است. این لوکیشن

هم هیـچ ارتبـاطی با دیالوگ های صورت گرفته بین شخصـیت ها نـدارد و این اتفاق می توانست هر جای دیگری از این خانه هم بیفتد. انتقاد این است که تأکید بیش از اندازه و بی مورد روی نماهای مختلف خانه مورد استفاده در سریال، بی دلیل و بی منطق می آیـد. حتی شـرکتی که پدر خانواده مالک آن است، در ساختمانی ویلایی قرار دارد که ارزش آن چند میلیارد تومان است. نمای بیرونی این ساختمان را هم از زوایای مختلف در چند قسمت از سریال می بینیم که می شد آن نماها را نشان نداد. چند درصد از کسانی که در کار ساخت وساز هستند، هر قدر هم بزرگ باشند، چنین شرکتی دارند؟

سریال سوم مورد بررسـی، سـریال «آخرین گناه» به کارگردانی حسـین سـهیلی زاده است. داسـتان این سـریال، درباره پزشـکی است که با عنوان «اسـتاد» معروف است و به علت سیر و سـلوک عرفانی، چشم برزخی هم پیدا کرده است. اسـتاد وصـیت می کند پس از مرگش، چشم او را به یکی از دوسـتانش به نام عبدالله صدوق پیوند بزنند، ولی دختر استاد به دروغ اعلام می کند که وصـیت اسـتاد این بوده است که چشـمش به دکتر مودّت که از شاگردان اسـتاد بوده و در ضمن، نامزد او هم هست، پیوند زده شود. در ادامه، ماجراهایی به وقوع می پیونـدد که یکی از سـریال های پرطرفـدار تلویزیون را تشـکیل می دهـد. خانه های محل زندگی اسـتاد و همچنین عبدالله صدوق که او هم دست کمی از اسـتاد در سـیر و سلوک عرفانی ندارد، هر دو، ویلایی و چندصـد میلیونی هسـتند و به نظر می رسـد با منش و اعتقادات چنین انسان هایی جور در نمی آیند. درست است که این خانه متعلق به خواهرزاده عبدالله صدوق است، ولی پرسش این است که چه ضرورتی دارد لوکیشن

سریال ها عمدتاً خانه هایی باشند که شاید تنها چند درصد از صنفی که شخصیت داستان متعلق به آن صنف است، توان آن را دارند که در چنین خانه هایی زندگی کنند؟

سریال دیگری که می خواهیم درباره آن سخن بگوییم، سریال شبانه «چارخونه» به کارگردانی سروش صحت است. ادعای سازندگان این سریال آن است که می خواهند مشکلات اجتماعی و خانوادگی بیشتر مردم جامعه را نشان دهند. بنابراین، قاعدتاً باید سطح زندگی به نمایش درآمده در این سریال، همان سطح زندگی بیشتر افراد جامعه باشد، ولی غیر از نوع دیالوگ های صورت گرفته بین شخصیت های داستان، از سطح زندگی متوسط جامعه در این سریال، نشانی نمی بینیم. آیا بیشتر قشر متوسط جامعه ما در خانه شان، تلویزیون پلاسما و سیستم صوتی با باندهای آن چنانی دارند که چند میلیون تومان می ارزند؟ آیا بیشتر خانواده های متعلق به این قشر در خانه شان کولر گازی اسپیلیت دارند؟ آنچه در این سریال جلب توجه می کند، استفاده از مبل های گران قیمت است. مبل هایی که قیمت هر دست از آنها، چندین میلیون تومان است و اصلاً با شأن شخصیت های داستان نمی سازد. ابتدا شاید به نظر برسد که این کار برای زیباسازی دکور و ایجاد صحنه های چشم نواز انجام گرفته است، ولی وقتی در تیتراژ پایانی برنامه دقت می کنیم، نام یک فروشگاه مبلمان خاص را می بینیم و دلیل اصلی استفاده از این مبل ها را آن هم با تأکید بر انواع مختلف کاربرد آنها از جمله بالا آمدن قسمت زیر پای فردی که روی مبل نشسته است تا بتواند پاهایش را کاملاً دراز کند و همچنین تبدیل شدن به یک تخت کامل و چرخیدن و تکان خوردن به عقب و جلو درمی یابیم.

در اینجا خوب است نیم نگاهی هم به سریال های ماه رمضان سال ۱۳۸۶ تلویزیون داشته باشیم. در ماه مبارک رمضان سال ۱۳۸۶، بینندگان تلویزیون، تماشاگر چهار سریال روتین از چهار شبکه سیما بودند. سریال «اغما» به کارگردانی سیروس مقدم از شبکه یک؛ سریال «میوه ممنوعه» به کارگردانی حسن فتحی از شبکه دو؛ سریال «یک وجب خاک» به کارگردانی علی عبدالعلی زاده از شبکه سه و سریال «شکرانه» به کارگردانی سعید سلطانی از شبکه پنج. سه سریال، زندگی قشر بالای جامعه را به تصویر می کشیدند و تنها داستان سریال «یک وجب خاک» در مورد خانواده ای از قشر متوسط به پایین جامعه بود.

ابتدا به همین سریال اخیر می پردازیم. داستان این سریال در مورد خانواده آقای افشاری است که در خانه ای کلنگی در محله ای واقع در پایین شهر تهران زندگی می کنند. ساکنان این خانه را آقای افشاری، همسر و دو فرزندشان و همچنین برادرخانم آقای افشاری و پسرش، ایاز تشکیل داده اند. البته دختر بزرگ خانواده ازدواج کرده است و مستقل زندگی می کند. آقای افشاری مسئولیت یک صندوق قرض الحسنه محلی را بر عهده دارد و در محله خود به انجام کارهای خیر معروف است. وی تا به حال زندگی کاملاً سالمی داشته است و با تمام ناداری، حتی یک بچه یتیم را هم تحت حمایت خود دارد و هر ماه مبلغی را برای هزینه این بچه می پردازد. پسر خانواده یعنی حمید لیسانس ادبیات دارد و عاشق دختری از طبقه بالای جامعه است و آن دختر هم متقابلاً خواهان ازدواج با اوست. با این حال، پدربزرگ دختر با ازدواج آن دو به شدت مخالف است. داماد خانواده افشاری (محسن)، شخصیتی است که فکر می کند خیلی زرنگ

است و می خواهد یک شبه پول دار شود و برای این کار، به هر دری می زند. این داستان، یک شخصیت منفی هم دارد که فردی پول دار به نام کامرانی است و تمام فکرش این است که با ترفندهای مختلف آقای افشاری را از چشم مردم محله بیندازد و آنها را نسبت به او بی اعتماد گرداند. به همین منظور، از هر فرصتی برای ضربه زدن به او استفاده می کند. درآمد کامرانی هم از اجاره مغازه هایی است که در همین محله دارد، ولی محل زندگی اش، خانه ای ویلایی و چند میلیاردی در فرمانیه تهران است.

اکنون داستان سریال «یک وجب خاک» را بیان می کنیم. آقای افشاری چندین سال قبل، زمینی سه هزار متری را از شخصی به قیمت پنجاه هزار تومان خریده است، آن هم به این دلیل که آن فرد، طلب کار بوده و به پول نقد نیاز شدید داشته است. آقای افشاری، زمین موصوف را که در بیابان های اطراف اصفهان بوده است، به نیت خیر از او می خرد. حالا پس از گذشت سالیان طولانی، داماد خانواده به طور کاملاً اتفاقی می فهمد که در کنار آن زمین، هتلی چند ستاره در حال ساخت است و صاحبان هتل دربه در به دنبال صاحب این زمین می گردند تا آن را بخرند و به هتلشان ضمیمه کنند. قیمت فعلی زمین از قرار هر متر، سیصد هزار تومان یعنی جمعاً ۹۰۰ میلیون تومان است. به این ترتیب، خانواده افشار با فروش این زمین، به قول معروف، یک شبه میلیونر می شوند و هر کدام از اعضای این خانواده در قبال به دست آوردن این پول، واکنش خاصی از خود نشان می دهند. پدر خانواده ظاهراً فرقی نکرده است و تنها خوش حالی اش این است که می تواند با این پول، کارهای خیر بیشتری انجام دهد. البته هیچ کدام از اعضای خانواده، عقاید و عملکرد او را به این صورت قبول ندارند.

پس مادر خانواده دسته چک پدر را از او می گیرد تا به اصطلاح، مرد خانه، پول ها را هدر ندهد. در این میان، کسی که از همه بیشتر تغییر کرده، پسر خانواده است. این تغییر را در لباس پوشیدن، حرف زدن، انتخاب دوستان جدید و نوع تفریح او آشکارا می بینیم. او که تا دیروز برای ازدواج با دختر مورد علاقه اش به هر دری می زد و به پدربزرگ دختر التماس می کرد، نظرش در مورد ازدواج تغییر می کند و تلاش می کند با به رخ کشیدن پول و دارایی بادآورده شان، تلافی کارهای پدربزرگ دختر را بر سر او و خانواده اش در بیاورد. حمید حتی ادعا می کند که پدرش باید سهم او را از این پول به او بدهد تا آن را هرگونه که می خواهد، خرج کند. وقتی با این خواسته اش مخالفت می شود، ماشینی بیست میلیون تومانی می خرد تا پدرش را در مقابل کار انجام شده قرار دهد و پول ماشین را از او بگیرد. دختر کوچک خانواده هم از جمله کسانی است که تقریباً خودش را در مقابل این پول فراوان گم کرده است. او همواره به بهانه های مختلف، از مادرش پول می گیرد و چند تا چند تا لباس و مانتو می خرد. نکته جالب و غیرمنطقی داستان هم این است که همین دختر عملکرد برادرش را همیشه تقبیح می کند. برادر خانم آقای افشاری و پسرش هم خودشان را در این پول بادآورده، سهیم می دانند و تمام تلاش خود را به کار می گیرند تا آقای افشاری این پول را به اصطلاح هدر ندهد.

هر کدام از افراد خانواده افشاری برای خرج کردن این پول بادآورده، پیشنهادهای مختلفی مطرح می کنند. در نهایت، پس از کش وقوس های فراوان، خانواده افشاری تصمیم می گیرد خانه ای را به طور موقت رهن کنند تا در فرصت مناسب، چند واحد آپارتمان بخرند و در کنار هم زندگی

کننـد. بنابراین، خانه ای ویلایی را با مبلغ یک صدمیلیون تومان رهن می کنند. (یعنی معادل سه میلیون تومان اجاره ماهانه) در آخر هم، چهار واحـد آپارتمان را به مبلغ ۷۵۰ میلیون تومان می خرند که البته بعد می فهمند کلاه گشادی سـرشان رفته است، آن هم به دست همان کامرانی کلاهبردار. بعـد از دسـتگیر شدن کامرانی و دار و دسـته اش، پول به آقای افشاری برمی گردد، ولی خانواده ی افشاری از خرید آپارتمان صـرف نظر می کنند و تصمیم می گیرند با این پول، در محله شان، درمانگاه بسازند و برای زندگی کردن هم به همان خانه کلنگی قبلی برمی گردند.

ظـاهراً قصـد سازنـدگان سـریال این بوده است که به طبقه ای از جامعه که وضع مالی خوبی ندارنـد، بگوینـد چنـدان حسـرت زندگی طبقه بالای جامعه را نخورند؛ چون داشـتن پول زیاد هم مشـکلات و گرفتاری های خاص خودش را دارد. با این حال، نویسـنده این سریال نتوانسته است روند دراماتیک منطقی و خوب به داستانش بدهد تا بتواند ذهن بیننده اش را درگیر کند، به گـونه ای که در پایـان داسـتان، بیننـده به نـتیجه مـوردنظر نویسـنده داسـتان برسـد و آن را بـاور کنـد. به نظر می رسـد مشـکل اینجاست که معما های این سـریال که البته بیننده جواب آنها را می داند و منتظر است شخصیت های داستان هم به جواب آنها برسـند، همگی در دو سه قسـمت آخر سـریال حل می شونـد. البته این مشـکل در بیشتر سـریال های ایرانی وجود دارد. در این سریال می بینیم همان دختر کوچک خانواده که توصـیفش گذشت، یک دفعه از وضـعیت فعلی اش دل می کند و تصمیم می گیرد به همـان خـانه قبلی شـان برگردد و مـادر خـانواده و همچنین برادرخـانم آقـای افشـاری هم با او همراه می شونـد و آقای افشاری را در خانه

چنـد میلیاردی تنها می گذارنـد. پسر خانواده یک دفعه به اصـطلاح آدم می شود و بـدون هیچ دلیل منطقی و به صِـرف اینکه چنـد روزی به دست ایادی کامرانی زنـدانی شـده بود، از مال دنیا دل می کنـد و دوباره سـراغ دختری می رود که پیش تر می خواست بـا او ازدواج کنـد و به او اعلام می کنـد که از آن پول، هیـچ سـهم و ادعـایی نـدارد و در عین حال، طالب ازدواج با اوست. پدربزرگ آن دختر هم یک دفعه ۱۸۰ درجه تغییر می کند و بدون هیچ دلیل منطقی، با ازدواج آنها موافقت می کند. وقـتی بیننـده همـه ایـن اتفاقـات را بـدون اینکـه دلیلی منطقی پشـت آنهـا باشـد، می بینـد، نـه تنهـا احساسـی را که منظـور نظر سازنـدگان سـریال بـوده است، پیـدا نمی کنـد، بلکه برعکس، او هم به این فکر می افتـد که آیـا واقعـاً می توان به این راحـتی پولدار شد؟ اگر می شود، راهش چیست؟ و پرسـش های دیگری مانند اینکه آیا ازدواج دو نفر از دو خانواده کاملاً متفاوت از نظر سطح زندگی و فرهنگ، موفقیت آمیز خواهد بود یا نه؟

دیگر سـریال مورد نظر، سـریال «میوه ممنوعه» است. داسـتان این سـریال که از شـبکه دو پخش شـد، در مورد یکی از تـاجران معروف پـارچه به نـام حـاج یونس فتوحی است. این فرد که کـارش را از نوجوانی بـا شـاگردی یـک مغازه شـروع کرده، حالا میلیاردری معروف است که از قضا بسـیار هم مذهبی و اهل منبر و مسجد و حلال و حرام است. در جامعه ما برای توصیف این گونه افراد، اصـطلاح «حاجی بازاری» را به کار می برند. خانواده حاج یونس فتوحی نیز که ظاهراً کاملاً مذهبی هم هسـتند، از یک زن، دو پسـر و دو دختر تشـکیل شـده است. مادر خانواده، بازنشسـته آموزش و پرورش است و چنـد سال اول ازدواج، او خرج خانه را می داده است. این

زن از همان ابتدا، بیشتر از اینکه به فکر خانه و زندگی اش باشد، به فکر کارش بوده است. پسر بزرگ خانواده یعنی جلال، بر خلاف پدرش که ظاهراً تاجری مقیّد است، از هر راهی، برای رسیدن به مال و منال بیشتر بهره می برد و اصلاً کاری به حلال و حرام ندارد. او از اسلام تنها محاسن و یک تسبیح را یدک می کشد. همسر جلال و فرزندشان هم برای گرفتن گرین کارت به لوس آنجلس سفر کرده اند، ولی این زن در آنجا به طور غیابی از جلال طلاق گرفته و با مرد دیگری ازدواج کرده است. پسر کوچک خانواده که سینا نام دارد، سال آخر دبیرستان است و برای موفقیت در کنکور تلاش می کند. دختر بزرگ خانواده یعنی سمانه ازدواج ناموفقی داشته است و همیشه با شوهرش که رئیس یک بانک است، دعوا و کتک کاری دارند. او هر چند روز یک بار قهر می کند و به خانه پدرش برمی گردد. شوهرش ظاهراً در کارهای خلاف مالی با جلال هم دست است. دختر کوچک خانواده هم که مغز متفکر خانواده محسوب می شود، طالب ازدواج با پسری آهنگ ساز است که از مال دنیا بهره زیادی نبرده است، ولی پدرش با این ازدواج، به شدت مخالف است و پسر را هم شأن خانواده فتوحی نمی داند. دختر که اتفاقاً وکالت هم خوانده است، به دادگاه شکایت می کند و مجوز ازدواج با پسر موردنظر خود یعنی مصطفی را از قاضی می گیرد و بدون اذن پدرش (با اذن قاضی)، با او ازدواج می کند. با وجود این توصیف ها، این خانواده، خانواده ای تقریباً از هم پاشیده تصور می شود. حال چرا؟

پدر خانواده به ظاهر از نظر دین و مقیّد بودن به احکام شرعی، مشکل خاصی ندارد و به حساب خودش، در تربیت فرزندانش، هیچ چیزی کم

نگذاشته و اجازه ورود مال حرام را به خانه اش نداده است. با این حال، وقتی از کارهای خلاف پسر بزرگش آگاه می شود، همیشه از خودش می پرسد که چرا با وجود تمام تقیّدش به احکام شرعی، فرزندش، ناخلف از کار درآمده است. متأسفانه سازندگان سریال نتوانسته اند علت این امر را درست موشکافی کنند و بیننده را نسبت به آن آگاه سازند. مگر حضرت علی علیه السلام نفرموده که هیچ کاخی بدون ستم بر پا نمی شود. (نقل به مضمون) حاج یونس فتوحی چه ستم یا ستم هایی را در طول زندگی اش مرتکب شده است که از شاگردی مغازه به اینجا رسیده است. نهایت چیزی که حاج یونس به آن می رسد و اشاره می کند، این است که در تمام عمرش، پول روی پول گذاشته و انفاق نکرده است. آیا انفاق نکردن که عملی مستحب است، ستم محسوب می شود؟ آیا در جامعه ما متصور است که انسانی معمولی بدون هیچ گونه دوز و کلک، از هیچ به همه چیز برسد. همین خانه ای که حاج یونس در آن زندگی می کند، حداقل ده میلیارد تومان قیمت دارد. اگر بخواهیم همه اموال و دارایی های این شخصیت را تخمین بزنیم، بالای دویست میلیارد تومان می شود. آیا این وضعیت، امری عادی است؟ آیا با وجود مقیّد بودن به همه احکام شرعی، می توان از هیچ به این دارایی رسید؟ بنابراین، اولین مشکل داستان این سریال آن است که معلوم نیست حاج یونس چگونه میلیاردر شده است.

چرا پسر بزرگش این گونه شده است؟ چرا خانواده جلال از هم می پاشد؟ اگر هم دلیل از هم پاشیدن این خانواده، خود جلال باشد، چرا جلال این گونه شده است؟ مگر پدرش، نان حلال به خانه نیاورده است؟ مگر پدرش اهل نماز و روزه و پای بند به احکام شرعی نبوده است؟ در

چند جای سریال می بینیم که خود جلال و همچنین مادر خانواده، تقصیر را بر گردن پدر می اندازند و جلال، خود را میوه و حاصل عمر پدرش می داند. با این حال، سرانجام معلوم نمی شود تقصیر این پدر به ظاهر مذهبی چه بوده است؟ حتی ما از زبان امام جماعت مسجدی که حاج یونس در آنجا نماز می خواند، چیزی در این باره نمی شنویم.

در نهایت، بیننده سریال به دنبال مال دنیا بودن را امری ناپسند نمی بیند. البته ما نمی گوییم که نفس جمع کردن مال دنیا، کار بدی است. اسلام هم این را نمی گوید، ولی اسلام در این زمینه، تعادل را می پسندد؛ زیرا قاعدتاً رسیدن از هیچ به چند صد میلیارد، کار راحتی نیست که بتوان آن را بدون غفلت از یاد خدا به انجام رسانید. با این حال، ما نشانی از این غفلت در زندگی حاج یونس نمی بینیم. یکی از چیزهایی که این سریال به بینندگانش ـ که بیشتر هم از قشر متوسط و متوسط به پایین اجتماع هستند؛ زیرا به نوعی درددل های آنها را بیان می کند ـ القا می کند، این است که هر کسی می تواند از هیچ به همه چیز برسد، حتی با وجود پای بندی کامل به احکام شرعی. این مسئله برای هر جامعه ای خطرناک است، چه برسد به جامعه ما که فاصله فقیر و غنی در آن، هر روز بیشتر از قبل می شود و فقیران به خون اغنیا، بیش از پیش تشنه تر می گردند.

داستان دو سریال دیگر تلویزیون در ماه مبارک رمضان ۱۳۸۶، یعنی سریال «اغما» (شبکه یک) و سریال «شکرانه» (شبکه پنج) هم در مورد شخصیت هایی متعلق به قشر بالای جامعه بود. ما به تحلیل دو سریال نمی پردازیم، ولی به همین مطلب بسنده می کنیم که بر اساس نظرسنجی مرکز تحقیقات صداوسیما، تا هفته دوم ماه رمضان، سریال «یک وجب

خـاک» با ۷/۸۱ درصـد بیننـده در صـدر سـریال هـای چهارگـانه قرار داشت و پس از آن، به ترتیب، سـریال هـای «اغما» با ۷۴ درصـد، «میوه ممنوعه» با ۶/۶۰ درصد و «شـکرانه» با ۳/۴۴ درصـد، رتبه هـای سوم تا چهارم را در اختیار داشـتند. در روزهای پایـانی مـاه مبارک رمضان، سـریال «یک وجب خاک»، جای خود را به سـریال «اغما» داد و همچنین سـریال «میوه ممنوعه» در رتبه دوم جـای گرفت. سـریال «یـک وجب خـاک» هم بـا دو رتبه سـقوط، مکـان سوم جـدول تماشاگران را از آنِ خود کرد. سریـال «شـکرانه» هم رتبه چهـارم را حفـظ کرد. علت این تغییر چه بود؟ به نظر نگارنـده، یکی از علل این تغییر آن بود که در سریـال «یک وجب خاک»، خانواده ای به تصویر کشـیده شـد که سـطح زنـدگی این خانواده، نزدیک به سـطح زنـدگی بیشتر بیننـدگان تلویزیون بود و مردم جامعه با شخصـیت های این سـریال احساس هم ذات پنـداری می کردنـد. از اواسط سـریال که سطح زندگی خانواده ی افشاری ـ حداقل در ظاهر ـ عوض شد و شبیه زندگی قشر بالای جامعه شد، این سریال با سه سریال دیگر، از جهت سـطح زنـدگی شخصـیت های آن، شـباهت پیـدا کرد و دیگر، از این جهت، با زندگی بیشتر بینندگانش، شبیه نبود. پس دلیل محکمی برای جـذابیت و پربیننـده بودن سـریال «یک وجب خاک» باقی نمانـد. بنابراین، از اینجا به بعد، چیزی که می توانست سبب جذب بیننده شود، داستان سریال های چهارگانه ی دیگر بود. بدون شک، داستان سریال «اغما» و پس از آن، سـریال «میوه ی ممنوعه»، از داسـتان سـریال «یک وجب خاک»، جذاب تر بود. و فیلم نامه های قوی تری داشتند. پس این دو سریال در صدر سریال های مناسبتی ماه رمضان ۱۳۸۶ قرار

گرفتند. این دلیل تنها یکی از دلایل تغییر نتایج نظرسنجی مرکز تحقیقات صداوسیما است و البته دلیلی است معقول و قابل توجه و تأمل.

فصل هشتم: کتاب شناسی موضوعی

۱. تجمل گرایی از دیدگاه اسلام، علی رضا رستگاران، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۲، ۱۵۲ صفحه.

این کتاب بخش های مختلفی دارد که آنها را به اختصار می آوریم.

بخش اول: تعریف واژگان مرتبط با تجمل گرایی، دیدگاه اندیشمندان اسلامی، تجمل گرایی در میان زمام داران.

بخش دوم: پیشینه تجمل گرایی، پیش زمینه ها، عوامل درونی و بیرونی.

بخش سوم: پی آمدهای تجمل گرایی، مثل تباهی سرمایه ها، زمینه سازی گناهان، گسترش فقر، تبدیل ضدارزش ها به ارزش ها، ایجاد وابستگی، از بین رفتن آرامش، فراموشی خدای بزرگ، ورشکستگی، عذاب الهی، کاهش معنویت در جامعه.

بخش چهارم: همراه با برنامه سازان، پیشنهادهای کلی و برنامه ای و معرفی مراکز و نهادهای مرتبط با موضوع.

۲. بهره وری در پرتو اسلام، حسین بافکار، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۴، ۱۶۰ صفحه.

فصل های این کتاب به این شرح است:

فصل اول: ضرورت بحث، پایین بودن سطح بهره وری، محدودیت منابع طبیعی، بهره وری در اسلام، سطوح بهره وری (ملی، کارکنان، سازمان)، اهداف بهره وری، افزایش تولید و کاهش هزینه و... .

فصل دوم: ارج گذاری به انسان در بهره وری، مبارزه با بیکاری و تنبلی، شناخت ارزش وقت، برنامه ریزی و مدیریت، اعمال مدیریت کارآمد، تقسیم کار، اولویت بندی، به کارگیری نیروهای امین و باکفایت، محاسبه عملکرد و... .

فصل سوم: منابع انسانی، اوقات فراغت بازنشستگان، بانوان، سالمندان و...، کیفیت اشتغال.

بخش تولید: کم رنگ شدن نقش خانواده در تولید، اهمال در تولید (ساختمان و نان) و... .

بخش توزیع: عرضه نامناسب (مواد غذایی، سوخت، خدمات، حمل و نقل).

بخش مصرف: خرید، اسراف، استفاده نادرست، مُدگرایی، تولید نامتعارف زباله، مصرف بی رویه دارو، بهره برداری نکردن مطلوب از منابع طبیعی مثل آب، خاک، جنگل و... .

فصل چهارم: شیوه های بهره وری.

۱. فرد و خانواده: والدین، تلاش برای خودکفایی، تغییر الگوی مصرف و... .

۲. سازمان ها: تدبیر مناسب، تقویت روحیه کار گروهی، بررسی و نظارت، بهره گیری از فن آوری مناسب و... .

۳. دولت: تهیه طرح جامع، توجه به منابع انسانی، توسعه امکانات زیربنایی، گزینش مدیران کارآمد و مدبّر، تولید کالاهای بادوام و... .

فصل پنجم: همراه با برنامه سازان وظایف برنامه سازان، مثل معرفی الگوی مناسب مصرف، کنترل و نظارت و... .

موضوع های برنامه سازی مثل بهره وری و سیما، تهیه فیلم های مستند، تبلیغات مناسب پیام معصومان علیهم السلام و... .

۳. بررسی تأثیر مصرف رسانه ها بر سبک زندگی ساکنان تهران، دکتر سیدنورالدین رضوی زاده، تهران، پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۶، ۳۰۰ صفحه.

فصل اول: مبانی نظری تحقیق، نقش و کارکرد اجتماعی رسانه ها، اثرات ارتباطات، سبک زندگی و تئوری های مرتبط با موضوع.

فصل دوم: مصرف رسانه ای، جامعه آماری، نمونه گیری، سؤال های تحقیق و فرضیه های تحقیق.

فصل سوم: رابطه جنسیت با مصرف رسانه ای، رابطه سن و تحصیلات با مصرف رسانه ای، خودآرایی زنان و مردان، تحلیل رگرسیونی یافته های تحقیق و... .

فصل چهارم: نتایج کاربردی برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سینما، فیلم سازان، مطبوعات و...، ایجاد فضای رقابتی برای ویدئو و تلویزیون های ماهواره ای، روزنامه ها، کامپیوتر و.... .

۴. الگوی مصرف در اسلام و غرب، مجید نوریان، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۳، ۱۰۵ صفحه.

فصل اول: کالاهای مصرفی، شکل مصرف، الگوی مصرف، ارتباط متغیر مصرف با دیگر متغیرهای اجتماعی.

فصل دوم: مبانی فلسفی تنظیم الگوی مصرف در اسلام و غرب، مثل مبانی نظام سرمایه داری، مبانی نظام اقتصادی اسلامی در محورهای خداشناسی و انسان شناسی.

فصل سوم: محدودیت های مشخص کننده اصل مصرف، اصل اعتدال و عدم اسراف و تبذیر و اصل عدم اتلاف و اتراف و... .

فصل چهارم: روش های ترویج مصرف گرایی غربی، شرکت های چندملیتی و مصرف گرایی، زن و الگوی مصرف، راهکارهای پیشنهادی.

فصل پنجم: تبلیغ چیست، رسانه، تبلیغات، رسانه اسلامی و الگوی مصرف، فیلم های تلویزیونی و معرفی مراکزی که در موضوع مصرف کار کرده اند.

۵. اسلام و الگوی مصرف، درآمدی بر مقدار و چگونگی مصرف بر اساس فقه و اخلاق اسلامی، علی اکبر کلانتری، قم، بوستان کتاب، چاپ چهارم، ۱۳۸۸.

بخش اول: چیستی مصرف، ضرورت مصرف، نگاه دینی، پیشوایان دین، اعتدال چیست و... .

بخش دوم: ضوابط کلی در مقدار چگونگی خوراک، احادیث، مصارف ممنوع و اضطراری، توصیه های بهداشتی مثل آب و وضو، مصارف حقوقی مثل حق والدین، همسر، فرزندان، حیوانات، سخاوت، ایثار در مال، مهمان داری، پذیرایی از مصیبت دیدگان، تکدّی گری، مصرف انرژی، برق، گاز و...، هزینه های مسکن، ویژگی های مسکن مطلوب و اسلامی، اندازه

پوشش بانوان، پوشش مو، موضوع چادر، رنگ پوشش، اسلام و رفاه، تفریح از نگاه اسلام، استفاده از وقت در عبادت و زندگی، خواب، اندازه آرایش و مصارف آرایشی، ولیمه، عروسی، عقیقه، ختنه کردن و... .

بخش سوم: مصارف دولتی، عدالت ورزی در تخصیص امکانات و توزیع درآمدها، توازن در مصرف، پرهیز از تشریفات و... .

بخش چهارم: نمایه، آیات، روایات، افراد، کتاب ها و...

۶. اسراف از دیدگاه دین و دانش، علی محمد حیدری نراقی، قم، انتشارات مهدی نراقی، چاپ اول، ۱۳۸۸.

بخش اول: معنای اسراف، اعتدال در مصرف مال، انفاق و محدوده آن، کسب مال حلال، مفهوم ثروت از دیدگاه اسلام، قناعت، فساد و زمینه های آن، حاکمیت اسلامی و مسرفان و... .

بخش دوم: اموال عمومی و اهمیت آنها، آب و آبیاری، آب های آلوده، آمار مصرفی برق، مواد سوختی و... .

بخش سوم: لزوم نظم و انضباط در زندگی، روایات در این باب، جوانان و بهره مندی از فرصت ها و...

بخش چهارم: پرخوری، فواید کم خوری و مضرّات آن، سیره معصومان(علیهم السلام).

بخش پنجم: احادیث و احکام اسراف، سرنوشت اسراف گران و...

۷. افزون طلبی و راه های تعدیل ثروت در اسلام، مهدی رشیدی، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۵.

بخش اول: ضرورت بحث از نگاه دینی و اجتماعی، تعریف مفاهیم، زمینه های پژوهش .

بخش دوم: ریشه های پیدایش افزون طلبی، راهکارهای مقابله با آن.

بخش سوم: عـدالت اقتصادی و تعـدیل در اسـلام، دیـدگاه مکاتب سوسـیالیسم، سـرمایه داری و اسـلامی، عدالت اقتصادی در اسلام: کار و فعالیت، احترام به مالکیت خصوصی، ارتباط اقتصاد با اخلاق، رفع کامل فقر در جامعه و... .

راهکارهـای تعـدیل ثروت: فرهنگی و اعتقـادی، سیاسـی، اقتصـادی مثـل اهمیـت مـال و حرمـت تضـییع آن، منـع کنز امـوال، جلوگیری از درآمدهای نامشروع و... .

پی آمـدهای تعدیل ثروت در جامعه: کاهش روحیه افزون طلبی، رشد معنوی جامعه، کاهش انحراف ها، حذف فقر از جامعه، کاهش فاصله طبقاتی، کاهش روحیه اسراف گری، حمایت مردم از حکومت، ثبات اجتماعی.

بخش چهارم: همراه با برنامه سازان، نقد عملکرد رسانه ملی، پیشنهادهای برنامه ای و... .

۸. نظام اقتصادی در اسـلام دفتر دوم انگیزه ها و اهداف، سیدحسـین میرمعزّی، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول، ۱۳۸۸.

فصـل اول: اهـداف نظـام اقتصـادی سـرمایه داری و نظام انگیزشـی آن، مثل رفاه مصـرف کننـده، رشـد اقتصادی (آثار مثبت و منفی)، عـدالت توزیعی و رفع فقر، اشـتغال کامـل نیروی کـار، هزینه هـای بیکـاری، تثبیت قیمت هـا، تورم، تورم و بی کـاری، محیط زیست و منابع طبیعی، آموزش و سلامتی، فایده گرایی و سعادت فردی و اجتماعی در نظام سرمایه داری و... .

فصل دوم: نظام انگیزشی و اهداف نظام اقتصادی اسلامی، مفهوم سعادت از دیدگاه اسلام، کسب درآمد، فعالیت های اقتصادی مردم، انگیزه های صرف درآمد، سطح معیشت، تعریف نیاز، سطوح نیاز، نیازهای ثابت و متغیر انسان، درجه بندی نیازها، سعادت جامعه از نگاه اسلام، امنیت و عدالت، مفهوم عدالت اقتصادی، حق نیازمندان در اموال ثروتمندان، توازن اقتصادی در اسلام، اهداف معنوی نظام اقتصادی اسلامی و تفاوت های آن با نظام سرمایه داری در هدف غایی، در اهداف غیراقتصادی در مفهوم سعادت و... .

۹. نگرش علمی به هزینه و درآمد دولت اسلامی، حسن آقانظری و محمدتقی گیلک حکیم آبادی، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، پژوهشکده امور اقتصادی، چاپ اول، ۱۳۸۲.

بخش اول: مبنای وظایف و اهداف اقتصادی دولت لیبرال، مبنای وظایف و اهداف اقتصادی دولت اسلامی، اهداف کلی مثل عدالت اجتماعی، توسعه و رشد.

بخش دوم: درآمدهای غیرمالیاتی دولت اسلامی از منابع طبیعی و روش های بهره برداری آن، درآمدهای مردمی مثل وقف، انفاق و...

بخش سوم: مالیات در اقتصاد اسلامی، در زکات، خمس، مالیات بر درآمد و ثروت، اجرای عملیات مالیاتی و مسئولیت دولت اسلامی، فلسفه تشریع مالیات های ثابت، تأمین اجتماعی، مواسات، قرب به خدای بزرگ، حفظ اموال و... .

بخش چهارم: آثار اقتصادی مالیات های اسلامی: تأثیر بر عرضه نیروی کار، مالیات های اسلامی مؤثر بر درآمد ثروت، تأثیر بر پس انداز، تأثیر بر

سرمایه گذاری، تأثیر زکات بر مصرف، تأثیر مالیات بر تحصیل و هزینه ها، مالیات های اسلامی و رشد ثبات اقتصادی، مالیات های اسلامی و توزیع درآمد ثروت، مسئولیت مردم، مسئولیت دولت، اثرات توزیع مالیات های اسلامی در تأمین اجتماعی و درآمد و ثروت.

بخش پنجم: هزینه های دولت اسلامی، امور عمومی و نیازهای عمومی، وظایف دولت اسلامی مثل تعلیم و تربیت، حفاظت از دین، امنیت ملی، مبارزه با تبعیض، تأمین اجتماعی، ایجاد رفاه، نظارت، جمع آوری مالیات و... .

بخش ششم: اصول و معیارهای توزیع هزینه های عمومی مثل اصل مصلحت عمومی، اصل عدالت، اصل مشروعیت، اصل کارآیی، اصول اولویت در مخارج عمومی.

خلاصه و جمع بندی: اهمیت بخش عمومی در اسلام، معرفی مالیات های اسلامی، ویژگی های مالیات بر درآمد و ثروت، اجرای مالیات ها و توزیع درآمد، رشد و تثبیت اقتصادی و هزینه ها.

۱۰. مبارزه با فقر، فساد و تبعیض با تمرکز بر نقش راهبردی صدا و سیما، مؤسسه تحقیقاتی و فرهنگی مفید، تیر ۱۳۸۳، ۲۴۲ صفحه.

این پژوهش، برای فراهم سازی امکان ورود عالمانه، دقیق و مؤثر رسانه در صحنه برخورد با پدیده های شوم فقر، فساد و تبعیض و فرهنگ سازی برای نجات از این معضل ها و آسیب های ویرانگر برای دستیابی به امنیت و سلامت مورد انتظار در یک جامعه دینی، انجام شده است. این کتاب سه بخش دارد:

بخش اول: بررسی کلیات، شناسایی اجمالی آسیب های سه گانه فقر، فساد و تبعیض.

بخش دوم: عوامل خرد و کلان پیدایش این آسیب ها به همراه ارتباط آنها با رسانه.

بخش سوم: راهکارهای کلان، خرد و رسانه ای مقابله با فساد، فقر و تبعیض.

۱۱. گنجینه اصلاح الگوی مصرف، سیدمهدی هاشمی و حمیده رضایی، قم، سبط النبی صلی الله علیه و آله، ۱۳۸۸، ۲۰۰ صفحه.

این کتاب دارای مقدمه و مباحثی در خصوص اسراف در قرآن، سخنان معصومین علیهم السلام و مقام معظم رهبری و سیره بزرگان و شهیدان است. اسراف و تبذیر در قرآن، آثار تخریبی اسراف، وضعیت ما در الگوی مصرف جهانی (آب، برق، گاز...) حکایات، شعر شاعران، ضرب المثل ها، شعارها و پیام ها، معرفی کتاب، منابع و مآخذ از دیگر بخش های این کتاب است.

۱۲. اسراف و تبذیر از دیدگاه قرآن و حدیث، حسن روحانی قمی، قم، بضعه الرسول صلی الله علیه و آله، ۱۳۸۶، ۲۳۲ صفحه.

فهرست کلی شامل واژه شناسی، حرمت اسراف از دیدگاه قرآن و روایات، حدّ اسراف، حرمت اتراف، حرمت تبذیر از دیدگاه قرآن و روایات، حرمت اسراف از دیدگاه عقل و اجماع، وجوب رعایت اعتدال از دیدگاه قرآن و روایات و زیان های اسراف است.

۱۳. گامی به سوی اصلاح الگوی مصرف، قم، هنارس، ۱۳۸۸، ۱۴۴ صفحه.

فصل اول: ضرورت اصلاح الگوی مصرف و راهکارها، فرهنگ سازی، الگوی تبلیغات صحیح، درمان بیماری مصرف گرایی، دولت الکترونیک و اصلاح الگوی مصرف.

فصل دوم: مسئولین پیشتاز در امر صرفه جویی.

فصل سوم: اصول و راهکارها، اصول نیازسنجی، تعریف الگو ترند، الگوی نیازسنجی جهان، الگوی کلاین.

فصل چهارم: ابعاد مختلف اقتصاد کشور، توجه به بخش کشاورزی، سیاست های بهبود نظام بهره برداری و تولید، خدمات بهداشتی و دام پزشکی، مشکلات سرمایه ای، و... .

فصل پنجم: ایران درسال ۱۴۰۴، سند چشم انداز و متن آن، فرد و کشور ایرانی در ۱۴۰۴، توقع رهبر، رواج زبان فارسی، پیشرفت کشور، اصلاح حقیقی اوضاع.

فصل ششم: اسراف زمینه اقتصادی گناه، اتراف و مترف در قرآن، خطوط کلی اقتصاد اسلامی، تجربه تاریخی.

فصل هفتم: اهمیت قناعت در فرهنگ اسلامی، قناعت در گفتار بزرگان، اسراف کدام است؟ و سیره معصومین علیهم السلام .

فصل هشتم: چهل حدیث، خاتمه، فهرست منابع.

۱۴. الگوی مصرف در آموزهای اسلامی، جواد ایروانی، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۸، ۹۶ صفحه.

مصرف در آموزهای دینی، انگیزهای مصرف، اصل نیاز، نیازهای کاذب، تقدیر معیشت، اعتدال و آثار مثبت آن، قناعت و انفاق، آسیب های مصرف، معیارهای تشخیص اسراف و تبذیر، مصادیق اسراف در وسایل شخصی و عمومی، عوامل اسراف، راهبردهای مقابله با اسراف و تبذیر، اتراف، ویژگی-های مترفان، آسیب های اتراف، زیان های اقتصادی، فساد اخلاقی و رفتاری، نابودی تمدن ها، راهبردهای مقابله با اتراف و جمع بندی مباحث.

کتابنامه

۱.آزاد ارمکی، تقی، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی سال ۱۳۸۲، تهران (شماره ۱)، تهران، معاونت اجتماعی ناجا، ۱۳۸۴.

۲.آوینی، سیدمرتضی، توسعه و مبانی تمدن غرب، تهران، نشر ساقی، ۱۳۸۱.

۳.ارزیده، محمدعلی، خلاصه نهج الفصاحه، قم، انتشارات موسوی، مرداد۱۳۶۱.

۴.اسلیتر، دن و فرن تونیکس، جامعه بازار، ترجمه: حسین قاضیان، تهران، نشر نی، ۱۳۸۶.

۵.ام هوور، استوارت، نات لاند بای، بازاندیشی درباره رسانه، دین و فرهنگ، ترجمه: مسعود آریایی نیا، تهران، سروش.

۶.امین، سید محسن، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ ه_.ق.

۷.باقی زاده، رضا، بهجت عارفان در حدیث دیگران، قم، زائر، ۱۳۷۹.

۸.بیهقی، احمد بن حسین، سنن کبری بیهقی، بیروت، دار المعرفه، بی تا.

۹.تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.

۱۰.توحید مفضل، شگفتی های آفرینش از زبان امام صادق علیه السلام، ترجمه و نگارش: نجف علی میرزایی، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۷۳.

۱۱.جامع الاخبار

۱۲.جعفری، محمدتقی، زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، تهران، وزارت ارشاد اسلامی.

۱۳.حبیبیان، مجید، زمینه های مصرف وابسته در ایران، قم، مرکز پژوهش های صدا و سیما، ۱۳۷۷.

۱۴.حجتی، سید محمدباقر، سه گفتار پیرامون برخی از مسایل تربیتی اسلام، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۶.

۱۵.حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ه_.ق.

۱۶.حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، ۱۴۰۰ ه_.ق.

۱۷.حکیمی، محمدرضا و دیگران، الحیات، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۴۱۳ ه_.ق.

۱۸.حیدری نراقی، علی محمد، اسراف، از دیدگاه دین و دانش، قم، انتشارات مهدی نراقی، ۱۳۸۸.

۱۹.خاتمی، احمد، نهج البلاغه امام علی علیه السلام، تهران، انتشارات سروش، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۲۰.خسروی، موسی، پند تاریخ، تهران، انتشارات کتاب فروشی اسلامیه، ۱۳۵۸.

۲۱.دستغیب، سید محمدحسین، رازگویی قرآن، شیراز، باقرالعلوم علیه السلام، ۱۳۶۴.

۲۲.دسوان، آبرام، درآمدی بر جامعه شناسی، ترجمه: دکتر جعفر نجفی زند، تهران، ۱۳۸۲.

۲۳.راغب اصفهانی، مفردات، قم، منشورات طلیعه النور، ۱۴۲۷ه_ .ق.

۲۴.رشاد، علی اکبر، دانش نامه امام علی علیه السلام، تهران، مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰.

۲۵.رشیدپور، عبدالمجید، پرورش های اخلاقی، تهران، مؤسسه دین و دانش، ۱۳۶۴.

۲۶.رفیع پور، فرامرز، آناتومی جامعه (مقدمه ای بر جامعه شناسی کاربردی)، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰.

۲۷.سعدی شیرازی، شیخ مصلح الدین، کلیات سعدی، تهران، نشر آروین، ۱۳۷۴.

۲۸.شریف قرشی، باقر، تحلیلی از زندگانی امام هادی علیه السلام، ترجمه: محمدرضا عطایی، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱.

۲۹.شیخ صدوق، امالی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۰ ه_ .ق.

۳۰.شیخ صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم، منشورات الرضی، ۱۳۶۸.

۳۱.شیخ صدوق، خصال، تصحیح: سید احمد فهری زنجانی، تهران، انتشارات علمیه اسلامی.

۳۲.شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۳ ه_ .ق.

۳۳.شیخ طبرسی، مکارم الاخلاق، مؤسسه الاعلمی، بیروت ۱۳۹۲ ه_ .ق.

۳۴.صحیفه سجادیه امام زین العابدین علیه السلام، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران، انتشارات سروش، چاپ چهارم، ۱۳۸۰.

۳۵.صداقت سید علی اکبر، یک صد موضوع؛ پانصد داستان، قم، انتشارات تهذیب، ۱۳۸۷.

۳۶.طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان، تهران، دار الکتب اللاسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۷۹.

۳۷.طبری، محمد بن جریر، دلائل الامامه، نجف، مطبعه الحیدریه، قم، افست منشورات الرضی.

۳۸.طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تحقیق: سید احمد حسینی، المکتبه المرتضویه، بی تا.

۳۹.طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تحقیق: سیدحسن موسوی خراسانی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.

۴۰.عضدانلو، حمید، آشنایی با مفاهیم جامعه شناسی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۶.

۴۱.عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات جاویدان علمی، ۱۳۴۵.

۴۲.عنایت، حمید، بنیاد فلسفه سیاسی در غرب، تهران، انتشارات زمستان، ۱۳۷۷.

۴۳.عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، چاپ خانه علمیه، ۱۳۸۰.

۴۴.فیض کاشانی، محمد بن حسن، تفسیر صافی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۲ ه_.ق.

۴۵.فیض کاشانی، ملا محسن، اخلاق حسنه، ترجمه: محمدباقر ساعدی، تهران، انتشارات پیام آزادی، ۱۳۶۲.

۴۶.قدیری، باقر، کلیات علم اقتصاد، چاپ هشتم، تهران، نشر سپهر، ۱۳۷۹.

۴۷.قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، تهران، دارالأسوه للطباعه والنشر، چاپ سوم، ۱۴۲۲ ه_ .ق.

۴۸.کرمی، علی، ترجمه مجمع البیان، تهران، مؤسسه انتشارات فراهانی، ۱۳۷۹.

۴۹.کریمیان، علی، اسوه حسنه، قم، نشر روح، ۱۳۸۰.

۵۰.کلینی، اصول کافی، تهران دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.

۵۱.گارودی، روژه، هشدار به زندگان، ترجمه: علی اکبر کسمایی، تهران، انتشارات هاشمی، ۱۳۶۴.

۵۲.مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ه_ .ق.

۵۳.محمدی ری شهری، محمد، سیاست نامه امام علی علیه السلام، ترجمه: مهدی مهریزی، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۹.

۵۴.محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۹.

۵۵.مسعودی، محمد فاضل، العبد الصالح، قم، زائر، ۱۳۷۷.

۵۶.معلوف الیسوعی، لویس، المنجد فی اللغه، ترجمه: محمد بندر ریگی، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۷.

۵۷.مک کوایل، دنیس، مخاطب شناسی، ترجمه: مهدی منتظر قائم، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، ۱۳۸۰.

۵۸.المناوی، محمد عبدالرف، فیض القدیر، بیروت، دارالکتب العلمیّه، چاپ اول، بی تا.

۵۹.منصوری فر، لیلا، نظرسنجی از مردم درباره الگوی مصرف متداول در سریال های تلویزیونی، تهران، مرکز تحقیقات مطالعات و سنجش برنامه ای صدا و سیما، ۱۳۸۳.

۶۰.موحدنیا، فریدون، عوامل گرایش نوجوان و جوان به فرهنگ بیگانه، قم، مرکز پژوهش های صدا و سیما، ۱۳۸۲.

۶۱.موسوی خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ترجمه و توضیح: عبدالکریم بی آزار شیرازی، تهران، مؤسسه انجام کتاب، ۱۳۵۹.

۶۲.نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، ۱۳۸۲.

۶۳.نیشابوری، غلام رضا، سرگذشت های تلخ و شیرین در قرآن، قم، سید جمال الدین اسدآبادی، ۱۳۷۶.

۶۴.هاشمی شاهرودی، سید محمود، فرهنگ فقه، قم، مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۴.

۶۵.هاشمی، سید مهدی و حمیده رضایی، گنجینه اصلاح الگوی مصرف، قم، انتشارات سبط النبی، ۱۳۸۸.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹